

پایش کرامت
عبدالعظیم حسنی
عطارالله عطارالله

متن کامل پیام یونسکو به همایش بزرگداشت استاد عزیزالله عطارالله

گروه اندیشه: دبیر کل یونسکو به همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطارالله» که، نهم آذر ۸۵ در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی، برگزار شد، پیامی ارسال کرد.
به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، متن کامل پیام یونسکو به این همایش بدین قرار است:

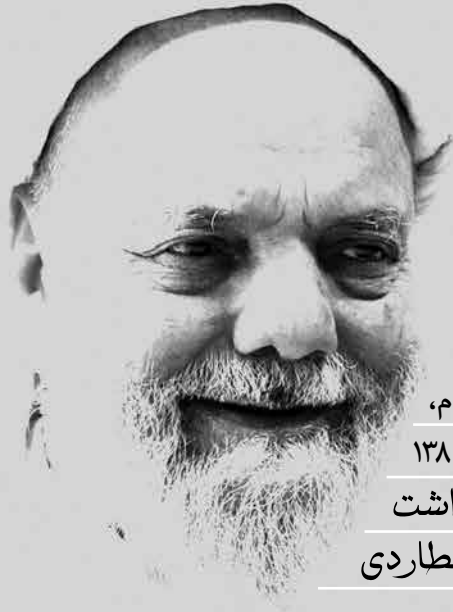
همبستگی نظری و اخلاقی میان ابا بشر بناشود، «(نقل از قانون اساسی یونسکو) عالیجناب سفیر احمد جلالی، که نه تنها جمهوری اسلامی ایران را در یونسکو نمایندگی می‌کند بلکه در مقام رئیس سی و یکمین کنفرانس عمومی یونسکو و رئیس پیشین مجمع عمومی کنوانسیون میراث جهانی سهم ارزجمندی در کار تمامی یونسکو ایفا کرده است، نیز نماینده شایسته‌ای است برای ابلاغ این پیام به کنفرانس شما. می‌خواهم این فرصت را غنیمت شمرده، بگویم که معرفی میراث علمی و فرهنگی تمدن ایرانی - که یکی از بزرگترین تمدن‌های تاریخی آسیا، جهان اسلام و همه جهان است - به ملل دیگر به خودی خود به معنای سهم شدن در ایده‌آل‌های یونسکو و برنامه ما در گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها است.

برای کنفرانس شما آرزوی موفقیت دارم.

امضا شده توسط: احمد صیاد

معاون مدیرکل یونسکو در روابط و همکاری‌های خارجی

برای من مایه خوشوقتی است که این پیام را به کنفرانس بزرگداشت محقق برجسته، عزیزالله عطارالله، که در سی‌ام نوامبر ۲۰۰۶ در شهر ری، ایران برگزار می‌شود، به مناسبت اثر او درباره تاریخ فرهنگی خراسان بزرگ که شامل مجلدات بسیار است ارسال کنم. در قانون اساسی یونسکو آمده است که «جهل ما به نحوه زندگی یکدیگر، در طول تاریخ بشر، علت عمومی بدگمانی و بی‌اعتمادی در میان مردمان جهان شده است که این خود باعث شده که تفاوت‌های میان آنان بسیاری اوقات به جنگ انجامیده است.» بنابراین کسانی که تلاش می‌کنند تا تاریخ و میراث فرهنگی ملل مختلف را به یکدیگر معرفی کنند، در واقع سهمی در رسالت یونسکو ایفا می‌کنند که اثر فوق‌الذکر استاد عزیزالله عطارالله از آن دست است. چنان‌که می‌دانید گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نقش مهمی در ایجاد هماهنگی و تفاهم متقابل و صلح میان مردمان دارد. یونسکو معتقد است که «از آنجا که جنگ در اندیشه‌ها آغاز می‌شود، بنیان صلح را می‌باید در اندیشه‌ها نهاد» و «... بنابراین صلح، اگر بخواهد فرو نباشد، می‌باید بر



سال سوم، شماره سی ام،

۳۰ مهر ۱۳۸۶

ویژه بزرگداشت

حاج شیخ عزیز الله عطاردی

فهرست

معرفی استاد عطاردی ۵-۱۸

- ◆ مختصری درباره شخصیت علمی و زندگی نامه استاد عطاردی
- ◆ تألیفات استاد عطاردی
- ◆ ترجمه های استاد عطاردی

تصحیحات و تحقیقات استاد عطاردی

گفت و گویا استاد عطاردی ۱۹-۲۷

- ◆ رونمایی از نخستین جلد «مسند امام علی (ع)» اثر استاد عطاردی
- ◆ مسند امام علی (ع)؛ آخرین مسند از مسانید اهل بیت (ع)، اثر استاد عطاردی
- ◆ مروری بر آثار استاد عطاردی در گفت و گویا ایشان
- ◆ گفت و گوهایی درباره استاد عطاردی ۲۸-۴۶
- ◆ فعالیت استاد عطاردی در حوزه حدیث، مرتبط با قرآن است
- ◆ مسند نویسی بدون استفاده از ابزار نوین تحسین برانگیز است
- ◆ استاد عطاردی مرد میدان مشاهدات است

- ◆ مسانید استاد عطاردی، مجموعه ای از تفاسیر الائمة را در اختیار ما قرار می دهد
- ◆ بررسی روایات امام جعفر صادق (ع) در تفسیر قرآن بر اساس مسند الامام الصادق (ع)
- ◆ علم اندوزی؛ توصیه همیشگی پدرم

استاد عطاردی از منظر حجت الاسلام مهدوی راد

- ◆ سخت کوشی و جدیت در کار، ویژگی ممتاز استاد عطاردی است
- ◆ بررسی امتیازات مسانید استاد عطاردی در گفت و گویا حجت الاسلام رحمان ستایش
- ◆ فرهنگ نامه موضوعی اندیشه های استاد عطاردی به زودی منتشر می شود

همایش بزرگداشت استاد عطاردی ۴۶-۵۴

- ◆ استاد عطاردی، الگوی علمی برای جوانان جامعه اسلامی است
- ◆ تألیف، تصحیح، ترجمه و فهرست نگاری؛ چارچوب آثار استاد عطاردی
- ◆ قرآن کریم، محور شکل گیری تمدن اسلامی است
- ◆ کوشش «عطاردی» درباره «تاج العروس»، فرایندی سودمند دارد
- ◆ تقریظ «شعرانی» بر آثار عطاردی، گویای ارزشمندی شخصیت علمی ایشان است
- ◆ «فرهنگ خراسان» استاد عطاردی، بی بدیل است
- ◆ «گرامی نامه استاد عطاردی» منتشر شد
- ◆ مسانید «عطاردی»؛ جامع ترین مسندهای تدوین شده در احادیث اهل بیت (ع)
- ◆ ۱۷ ویژگی برای شخصیت علمی استاد عطاردی مطرح است
- ◆ مراسم بزرگداشت استاد عزیز الله عطاردی در سرای اهل قلم

مدیر مسئول
رحیم خاکی

سر دبیر مرتضی رضائی زاده
معاونان تحریریه
افشین داورپناه / مجید رزازی

مدیر اجرایی و مدیر هنری
احسان حسینی

هیئت تحریریه
دبیر سرویس اندیشه و علم: آزاده عقیقی
زینب فروزنده / غلامرضا حسین پور /
مجتبی برزگری / سید حسین امامی

دبیر سرویس عکس: نقی خوش خلق
محمدنمازی / تیماز کابوینی / محسن رضایی /
فضیلت سوخکیان



بزرگراه شهید شریعتی تهران

خیابان انقلاب اسلامی،

خیابان قدس، خیابان بزرگمهر،

پلاک ۳۰، خبرگزاری قرآنی

ایران (ایکنا)

www.iqna.ir

سخن نخست

استاد عزیزالله عطاردی
متفکری درست اندیش است
قله همت است
مخلص لوجه الله است
محقق نا آرام است
عبدی وقف معبود خویش است
کوه استقامت است
ساده زیست و ساده گو است
سخت کوش و مقاوم است
تلاش گری بدون چشم داشت است
ستاره ای در منظومه فرهنگی ایران و اسلام است که ندیدنش دلیل بر
نبودنش نیست اما همواره در آسمان پژوهش می درخشد، باید
سربلند کرد تا بتوان او را دید
دانشمندی است که به مرارت ها و سختی ها خو گرفته است
محقق گمنام است که دغدغه شهرت ندارد، پروایش این نیست که
ایران او را نشناسد بلکه دغدغه اش این است که مبادا او ایران و
اندیشمندانش را نشناسد
زندگیش از درس آموزترین زندگی هاست
پس به حق شایسته تکریم و تجلیل است.

آزاده عقیقی

دبیر سرویس اندیشه و علم خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)



مَعْرِفَةُ أَيْتَادِ عَطَارِدِي

◆ مختصری درباره شخصیت علمی و زندگی نامه استاد عطاردی ◆

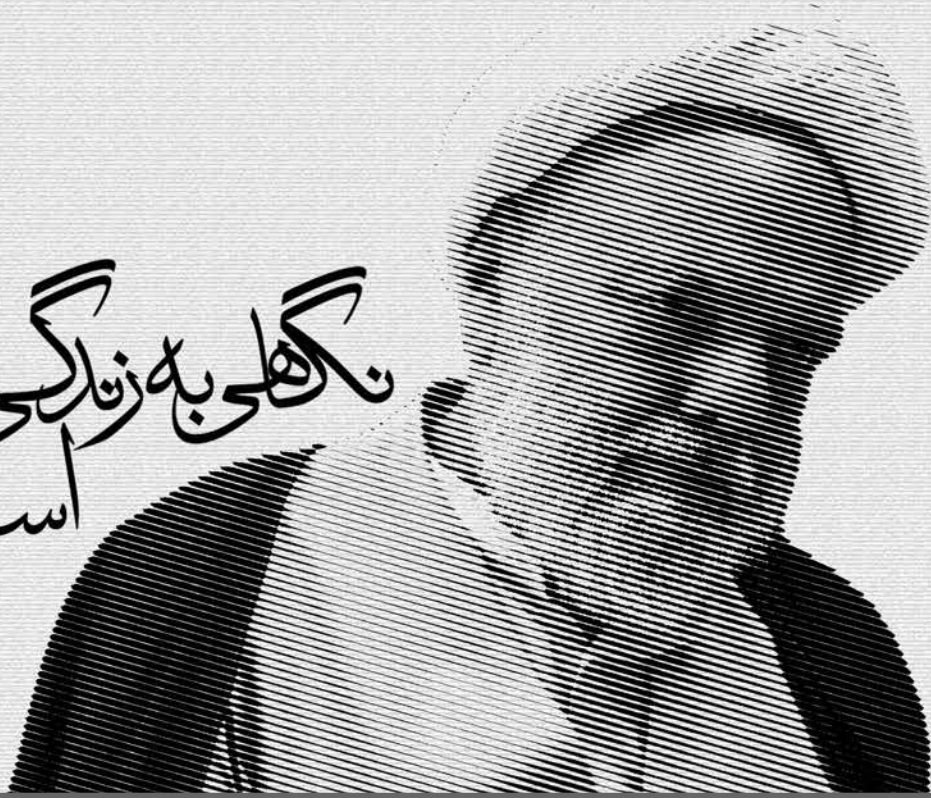
◆ تألیفات استاد عطاردی ◆

◆ ترجمه های استاد عطاردی ◆

◆ تصحیحات و تحقیقات استاد عطاردی ◆

نگاهی به زندگی و آثار استاد عزیز الله عطاردی

سلمان حبیبی



مقدمه

اگر جوامع بشری را به هر می تشبیه نمایم در رأس این هرم معدود افرادی قرار دارند که با سعی و تلاش خویش بسان ستارگان می درخشند و راه فراروی دیگران روشن می نمایند. این شخصیت ها اگر چه تعدادشان اندک، ولی تأثیرات و آثارشان بس بزرگ است. در جامعه ما نیز چنین افرادی بودند و هستند و پشتوانه گرانسنگ علمی و فرهنگی امت ما می باشند اما دریغ که معاصران، خصوصا جوانان و نوجوانان نسبت به این حلقه های زرین پیوند گذشته با آینده آگاهی و شناخت کافی ندارند. زنده نمودن یاد و نام این مفاخر بزرگ کمترین سپاس از تلاش آنان و فروختن چراغی است بر فراز راه آیندگان تا راه آنان در پیش گیرند و در مسیرشان گام بردارند.

یکی از چهره پرتلاش معاصر حضرت آیت الله شیخ عزیزالله عطاردی است که سال های سال بطور خستگی ناپذیر در تلاش و تکاپو است و به تحقیق و تصحیح و نگارش در موضوعات مختلفی چون: حدیث، تاریخ و جغرافیا، ادبیات و ... مشغول است که اگر مجموعه آثار ماندگارش یکجا گردآوری شود به بیش از ده ها جلد می رسد. در این نوشته تلاش شده است تا در فصل اول، زندگی نامه کوتاهی از استاد ارائه گردد و در فصل دوم، آثار استاد که در موضوعات گوناگونی چون: حدیث، تاریخ و فرهنگ و ... است و چگونگی شکل گیری هر یک از آنان تقدیم می شود. در فصل سوم نیز ترجمه ایشان آمده است و در بخش آخر، کتاب هایی که توسط استاد تصحیح و تحقیق شده و سپس به چاپ و نشر آنها اقدام نموده است، ارائه شده است. در پایان نیز تصویر تعدادی از اجازة نامه های علمای بزرگ به ویژه کتابشناس بزرگ جهان اسلام شیخ آقا بزرگ تهرانی به عنوان ضمایم آمده است.

در اینجا لازم است از همه کسانی که در پدید آمدن این اثر به گونه ای مؤثر بوده اند به ویژه سرور عزیز حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای محمدرضا نوراللهیان - رئیس محترم سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور - که علاوه بر تهیه و در اختیار گذاشتن کتاب های استاد و راهنمایی فراوان همواره مشوق تحقیق این مهم بودند

و نیز محقق ارجمند جناب آقای سید محمد حسینی نسب سپاسگزاری شود. از همه پژوهشگران ارجمند درخواست می شود در صورت دیدن کاستی، با یادآوری مشفقانه و عالمانه خود، ما را در اصلاح و تکمیل این اثر یاری نمایند.



مختصری درباره شخصیت علمی و زندگی نامه استاد تولد و زادگاه

استاد حاج شیخ عزیزالله عطاردی در روز پنجم آذرماه سال ۱۳۰۷ برابر با هشتم جمادی الثانی ۱۳۴۷ هـ. ق. در روستای «بگلر» از توابع شهرستان قوچان در خراسان بزرگ از خانواده ای متدین و مذهبی دیده به جهان گشود. پدر و جد خانواده ای از عشیره بزرگ حمزوی و یا به اصطلاح محلی «حمزکانلو» بودند که از زمان صفویه در خوشان - قوچان امروز - رادکان و چناران زندگی می کردند.

دهکده «بگلر» در زمان نادر شاه افشار ایجاد گردید و اجداد او در این آبادی ساکن شدند آبادی بگلر در دامنه های کوه معروف محمدبگ و سلسله جبال کوه شاه جهان ارغیان قرار دارد و در یکی از سرچشمه های رود اترک واقع شده و از نقاط خوش آب و هوا می باشد.



آغاز تحصیلات

او در پنج سالگی آموختن کلام الله را در زادگاهش آغاز نمود و پس از آن مطابق رسم روزگار به خواندن کتاب های فارسی چون گلسان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در جلسات قرائت قرآن که به همت متدینان باصفای آبادی در مسجد تشکیل می شد شرکت نموده و علم تجوید را فرا گرفته و سخن خداوند را با قاعده و موزون تلاوت می کرد.

پدر دانش دوست وقتی علاقه فرزند را به مطالعه علم و دانش می بیند در یکی از مسافرت هایش به شهر بهترین هدایا را برای فرزندش تهیه می نماید. او کتاب دینی و تاریخی ادبی چون یک قرآن مترجم چاپ سنگی، معراج السعاده مرحوم نراقی، شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، ناسخ التواریخ سپهر و کتابی در مناقب و مرانی اهل بیت (ع) برایش به



و نیز بزرگداشت استاد شیخ عزیزالله عطاردی

ارمغان می آورد.

هرچه سن و سالش افزوده می شود و عشق و علاقه اش به فراگیری علم و دانش نیز افزایش یافته و در چهارده سالگی کتاب جامع المقدمات را که کلید ورود به ادبیات عرب می باشد نزد یکی از عالمان همولایتی خویش می آموزد. با آغاز هیجده سالگی صفحه جدیدی در زندگی اش ورق می خورد و برای فراگیری علم حوزوی با اذن پدر در مدرسه عوضیه حوزه علمیه قوچان ساکن شده و رسماً به کسوت اهل علم درآمده و نزد اساتید فرهیخته آن مدرسه زانوی ادب به زمین زده و روح تشنه خویش را سیراب می نماید.

در مشهد مقدس

در سرآغاز دهه سوم زندگی مجاور بارگاه رضوی شده و در مدرسه بالا سر مبارک حضرت رضا (ع) ساکن و از اساتید حوزه علمیه مشهد بهره مند می گردد. محضر علما و اندیشمندان فراوان حوزه مشهد، مجالس و محافل علمی و ادبی و کتابخانه عظیم آستان قدس جاهایی بودند که این طالب علم و عاشق رشد و تعالی را در آن جامی شد جستجو کرد و از میان کتابها به «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید و «بحارالانوار» علامه مجلسی بسیار علاقه داشت و همین علاقه او را به تحقیق در باره نهج البلاغه و حدیث کشانید و ثمره آن تالیف چندین مجلد کتاب در موضوع نهج البلاغه و حدیث شد...

احیای میراث اسلامی

در دهه سی با توجه به فضای حاکم بر کشور زمینه فعالیت های فرهنگی و نشر علوم اسلامی فراهم گردید و عده ای از اساتید حوزه و دانشگاه در تهران و قم به تصحیح متون دینی و ادبی و دیوان شعرا پرداخته و به انتشار آنان پرداختند و استاد عطاردی نیز از مشهد به تهران آمده و با اقامت در مدارس علمیه تهران و با آشنایی با گروهی از علماء و ناشرانی که در این زمینه فعال بودند از تجربیات آنان بهره مند شده و با توجه به زمینه فکری موجود در خود که از نوجوانی عاشق تحصیل و تحقیق بودند، وارد این میدان شده و به تحقیق و تصحیح متون اسلامی خصوصاً احادیث پرداخته و از مشکلات راه نهرا سیده و با کارهای شایان توجهی که انجام داده است مورد لطف و تشویق علماء اعلام و بعضی از مراجع عظام قرار گرفته است. و از این طریق با منابع و مآخذ دست اول و مورد اعتماد آشنا شده است.

در نجف اشرف

حضور در حوزه علمیه نجف و نشستن پای درس مجتهدین و مراجع آن، آرزوی هر طالب علم حوزه شیعه است تا بتواند با غواصی در آن اقیانوس، صدف های گرانهای ناگشوده را به چنگ آورده و از درون آن مرواریدهای تابناکی را به متدینان و دوستان اهل بیت (ع) هدیه نمایند. عطاردی جوان نیز در سال ۱۳۴۳ عازم عتبات عالیات و سپس حوزه علمیه نجف شد و از محضر بزرگان آن روز نجف بهره برد اما گرمای شدید آن دیار با طبع لطیف او نساخت لذا پس از سالی اقامت به وطن مراجعت نمود.

اساتید و مشایخ

سال ها تحصیل در حوزه های علمیه و تحقیق در متون اسلامی و مسافرت های علمی و تحقیقاتی در کشورهای مختلف ایران، عراق، سوریه، لبنان، عربستان، هند و پاکستان و حضور در مجالس اهل علم و فضل از اشخاص زیادی کسب فضل نمود و آن درجه از وثاقت و صداقت دست یافته بود که بتواند از آنان اجازه نقل حدیث و روایت دریافت دارند همانند:

- ۱- فقیه و مرجع عالی قدر شیعه حاج سید محسن حکیم (قدس سره)
- ۲- فقیه و مرجع بزرگ شیعه حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)
- ۳- فقیه و مرجع عالی قدر حاج سید محمد هادی میلانی (طیب الله ثراه)
- ۴- علامه جلیل القدر شیخ الباقین حاج محمد محسن مشهور به آغا بزرگ تهرانی - مؤلف الذریعه - رضوان الله علیه
- ۵- محقق عالی مقام، مجاهد بزرگ حاج شیخ عبدالحسین امینی - مؤلف الغدیر - قدس سره
- ۶- محقق فقیه و عالم جلیل القدر حاج میرزا خلیل کمره ای ساکن تهران (رضوان الله علیه)
- ۷- علامه محدث و محقق عالی قدر و محب اهل بیت (علیهم السلام) شیخ محمد

ابراهیم مدنی ختنی بخاری حنفی ساکن مدینه منوره.

آثار و تالیفات

آثار و تالیفات استاد عطاردی محدود به موضوع بارشته خاصی نیست. او نه تنها در حوزه علوم دینی که به عنوان یک روحانی پس از تفقه در حوزه های علمیه و وظیفه تعلیم و انداز دارد به تألیف کتب دینی و بررسی و تحقیق در متون حدیث و آنچه از معصومین (ع) روایت شده است. مانند: مجموعه عظیم مسانید ائمه اطهار (ع) و تحقیق در باره نهج البلاغه و... همت گماشته است.

بلکه در حوزه تاریخ و جغرافیا خصوصاً درباره فرهنگ خراسان بزرگ نیز بیش از چهل سال تمام همت و توان خود را در جمع آوری اسناد و مدارک علمی مآخذ و منابع فرهنگی و تاریخی منطقه خراسان صرف نمود و جهت تحقق آن از صدها کتابخانه در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی دیدن نموده و هزاران نسخه خطی را بررسی کرده است. در این مجموعه بزرگ موضوعات علمی، سیاسی، تاریخی، جغرافیایی و هنری مورد بحث قرار گرفته و از رجال علم و ادب و سیاست و عرفان و هنر سخن به میان آمده است. و در حدود سی هزار عنوان برای این کتاب جامع فراهم شده است. و نیز در باره فرهنگ سیستان که منطقه ای مهم در تاریخ ایران است و علماء ادباء و رجال برجسته ای در هر علم و فنونی از آن ناحیه برخواسته اند کتابها و منابع فراوانی از چاپی و خطی در این موضوع مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و از نظر علمی، ادبی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی موضوعات آن استخراج و مرتب شده اند که انشاء الله در آینده نزدیک چاپ و منتشر خواهد شد.

در ادبیات و لغت نیز با توجه به این که سال ها با متون عربی سروکار داشته است و از اصطلاحات علمی و لغات دخیل زبان فارسی در کتب عربی اعم از قرآن و حدیث یا سایر کتب آگاهی یافته و دریافت که بسیاری از آنان تغییر ظاهر داده و معرب شدند بر خود لازم دید که آنها را به صورت کتاب مستقل تدوین نمایند (اللغات الفارسیه المعربه فی تاج العروس).

در این باره گفت و گوی ایشان با مرحوم علامه امینی (ره) از زبان خودشان خواندنی است: مرحوم امینی پشت میز بزرگی نشسته بودند و کتاب های متعددی هم روی میز چیده شده بود و او کتاب بزرگی را در مقابل خود گذاشته و آن را مطالعه می کرد بعد از احوال پرسی فرمودند: کتابی که در مقابل من قرار دارد، «تاج العروس» است و من از این کتاب بسیار استفاده می کنم و همواره آن را روی میز خود دارم.

بعد از آن فرمودند: این کتاب دریائی از علوم و معارف می باشد و مؤلف آن یک انسان فوق العاده و محقق بی نظیر می باشد. در این کتاب فوائد زیادی هست و نویسنده آن به تناسب موضوع مطالب فراوانی از کتب مختلف در آن آورده است و این کتاب یک دائره المعارف می باشد که انواع علوم و معارف در آن گرد آمده است.

متأسفانه این کتاب بزرگ فهرست ندارد و محققان نمی دانند چه مطالب و مسائلی در این جا مورد بحث قرار گرفته است و برای همین جهت علماء از فوائد آن بهره نمی برند. اگر چند فهرست برای این کتاب نوشته شود و اعلام رجال و امکانه و احادیث آن استخراج و مرتب گردد بسیار مفید خواهد بود.

عرض کردم: این کار بسیار وقت گیر است و من اکنون کار دیگری دارم. فرمودند: این خودش یک کار است اگر این کار را انجام دهی برای خودت هم مفید خواهد بود و بیش از همه خودت از این کار منتفع خواهید شد و خدمتی هم به محققان و مؤلفان و اهل علم و ادب خواهید نمود.

پیشنهاد شیخ بزرگوار و استاد عزیز و ارجمند را پذیرفتم و کار را آغاز کردم. موضوعات مورد نظر را روی برگ ها نوشتم و در حدود هشت سال روزی چند ساعت به این کار مشغول شدم. بعد از فیش برداری آن ها را با بصورت الفبایی مرتب کردم و برای چاپ آماده ساختم.

رجال آن را در چهار مجلد و غریب الحدیث را نیز در چهار مجلد تدوین کردم و در سال ۱۳۶۲ در حیدرآباد دکن هندوستان چاپ نمودم و در تهران مجدداً حروف چینی شده و برودی چاپ خواهند شد و اماکن و بلاد نیز در ششصد و پنجاه صفحه به قطع رحلی حروف چینی شده و آماده چاپ می باشد. و هم چنین مصادر و مآخذ تاج العروس را هم که مؤلف از آن ها استفاده نموده و در حدود هشتصد کتاب می باشند فهرست کردم و لغات فارسی معرب را که در لا بلای کتاب مورد بحث قرار گرفته، استخراج نموده و به چاپ



رسانیدم.

در ادبیات فارسی نیز استاد در حال انجام تحقیقات متنوعی در شاهنامه حکیم فردوسی می باشند استاد در مسافرت های خویش که در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی و دیدار از کتابخانه های آنان داشته است که مشروح این سفرنامه در جای خود می آید با بسیاری از نسخ خطی نادر برخوردند که چاپ و انتشار آن ضروری می نمود لذا با تهیه میکروفیلم از آنها اقدام به شناخت و تصحیح و تحقیق و بررسی آنها و برای آنان فهرست های مناسب تهیه و سپس اقدام به چاپ برخی از آنها نموده است.

مسافرت های علمی

استاد تاکنون به کشورهای زیادی چون: عراق، عربستان، سوریه، لبنان، یمن، مصر، ترکیه، هندوستان، پاکستان، افغانستان، روسیه، انگلستان، فرانسه، آلمان و بلژیک مسافرت و از ده ها کتابخانه دیدن نموده است و در داخل کشور نیز به هر گوشه ای از این سرزمین پنهانور که احتمالی می داده است کتابی باشد سرزده است لذا سفرنامه استاد خواندنی است خصوصا آنکه استاد فقط از کتابخانه ها دیدن نکرده بلکه از مراکز فرهنگی، تاریخی، دانشگاه ها، حوزه های علمیه و آثار دیدنی نیز دیدار نموده و مهم تر آنکه با مدیران کتابخانه ها، فضلا، روحانیون، اساتید و محققین شناخته شده و ناشناخته تماس برقرار نموده و جلسات بحث و تحقیق دائر نموده و علم و دانش را از اهلش فرا می گرفته است «خذ العلم... من افواه الرجال»

مرکز فرهنگی خراسان

از آن جایی که استاد مطالعات و تحقیقات گسترده ای در حدیث، رجال، ادب، تاریخ، جغرافیا و... انجام داده است به منظور استفاده بهینه محققان و پژوهشگران و آماده سازی دیگر تألیفات حضرت استاد عطاردی با همکاری تعدادی از علماء فضلا و صاحب نظران اقدام به تشکیل مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی تحت عنوان «مرکز فرهنگی خراسان» نمودند ان شاء الله با تشکیل این مرکز تحت اشراف معظم له بزودی شاهد چاپ و انتشار سایر تألیفات استاد باشیم.

یادآور می شود زندگی نامه تفصیلی استاد عطاردی واقف و مؤسس مرکز فرهنگی خراسان و نیز سفرنامه علمی و تحقیقاتی ایشان با قلم حضرت استاد باسبکی روان و تحلیلی بزودی در دست علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

تألیفات

اجازات نهج البلاغه

عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطاردی، چاپ اول، ۱۲۷۲، ۱۵ صفحه، رفعی. نویسنده در آغاز کتاب به اختصار مطالبی را با استفاده از روایات درباره علوم و معارف حضرت علی و فضایل ایشان و نیز موضوعات خطبه های حضرت علی و جمع آوری خطبه های آن حضرت بیان داشتند. و در ادامه تعدادی از شاگردان سید رضی که نهج البلاغه از او آموخته بودند و سپس اجازه نقل و قرائت نهج البلاغه از سید رضی داشتند را ذکر کرده است. اسامی برخی از آنان عبارتند از:

سیده نقیه دختر سید مرتضی علم الهدی، ابونصر عکبری، محمد بن علی حلوانی، محمد بن حسن ابوجعفر طوسی، محمد بن همام بغدادی، جعفر بن محمد درشتی، محمد بن حسن قطب الدین کیدری بیهقی و ...

اخبار و آثار حضرت رضا

عزیزالله عطاردی، تهران، کتابخانه صدر، چاپ دوم، ۱۲۶۸، ۸۸۸ صفحه، وزیری.

کتاب حاضر مجموعه ای است جامع درباره حضرت رضا که از سه بخش کلی تشکیل شده است. نویسنده در بخش اول به شرح کاملی از زندگی، مناقب، فضایل، امامت، دعوت مأمون از آن حضرت و حوادثی که از مدینه تا خراسان در بین راه اتفاق افتاده و نیز مذاکرات حضرت رضا با مأمون درباره خلافت و ولایتعهدی حضرت رضا، شهادت آن حضرت، فرزندان امام رضا، فضیلت زیارت آن حضرت و همچنین کراماتی



ویرایش: دکتر سید مرتضی حسینی، تهران، انتشارات عطاردی

که در کنار قبر آن اتفاق افتاده پرداخته است. در بخش دوم روایات و اخبار وارده از امام رضا به ترتیب موضوعی آورده است و بخش سوم اختصاص به اسامی راویان و ناقلان آثار حضرت رضادارد.

شایان ذکر است این کتاب در واقع ترجمه ای است از کتاب «مسند الامام الرضا» که به زبان عربی نوشته شده است و مؤلف از آوردن مآخذ و منابع موضوعات مورد بحث به علت اینکه در اصل کتاب ذکر شده خودداری نموده است.

امیرالمومنین و نهج البلاغه

عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، انتشارات عطاردی، چاپ اول، ۱۲۷۲، ۶۵۲ صفحه، وزیری



کتاب حاضر، شرح حال امام علی و فضایل و مناقب ایشان است، نویسنده علاوه بر متن خطبه های امیرالمومنین، به نویسندگان این خطبه ها، جمع کنندگان خطبه ها از آغاز تا زمان سید رضی و به راویان نهج البلاغه در قرن پنجم و ششم اشاره کرده است. پاسخگویی به شبهات پیرامون نهج البلاغه، معرفی شارحان و مترجمان نهج البلاغه از آغاز تا قرن حاضر و نیز شرح حال سید رضی از دیگر مطالب کتاب است. در پایان، نسخه های خطی نهج البلاغه متعلق به قرن پنجم و ششم شناسانده شده است.

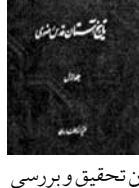
پاسخ به معاندان نهج البلاغه

عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، انتشارات عطاردی، چاپ اول، ۱۲۷۲، ۴۲ صفحه، رفعی

این کتاب ابتدا به معرفی نهج البلاغه و موضوعات مندرج در آن می پردازد و پس از نقل شبهاتی در مورد انتساب مندرجات نهج البلاغه به علی، شبهات مزبور را پاسخ می دهد. این شبهات عبارت اند از: نسبت دادن علم غیب به غیر خداوند در نهج البلاغه، اشکال در متداول نبودن سجع و قافیه موجود در نهج البلاغه در عصر علی، ذکر طاووس در کلام علی، ذکر پاره ای از اصلاحات علمی و فلسفی و اجتماعی غیر رایج در نهج البلاغه و افراط در مورد زهد و پارسایی در کلام علی در نهج البلاغه، نویسنده طرح این قبیل شبهات را غیر علمی و از روی تعصب کورکورانه دانسته و به همگی آنها پاسخ داده و به دفاع از ساحت نهج البلاغه و گرد آورنده آن برخاسته است.

تاریخ آستان قدس رضوی (جلد ۱-۲)

عزیزالله عطاردی، تهران، عطاردی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۲۷۱، ۷۹۷ صفحه، وزیری.



ناحیه خراسان که شرق ایران را در بر گرفته از مهم ترین مناطق بسط و توسعه فرهنگ و معارف اسلامی است. اکثر محدثان، فقیهان، حکیمان، عارفان، ادیبان، محققان، شاعران و... از آن ناحیه برخاستند. مؤلف ارجمند از سال ۱۳۴۰ به فکر تألیف کتابی جامع در موضوع تاریخ و فرهنگ خراسان بوده و به مدت سی سال است که کار اصلی و اساسی ایشان تحقیق و بررسی در این موضوع می باشد و تاکنون صدها کتابخانه را در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی مورد تحقیق و مطالعه قرار داده و هزاران کتاب خطی را بررسی نمودند و برای رسیدن به مطلوب با صدها نفر از رجال علم و ادب در کشورهای مختلف به گفت و گو نشستند و در طول سی سال تحقیق و تتبع در حدود سی هزار عنوان و موضوع در فرهنگ خراسان گردآوری کرده است. اثر فوق اولین مجموعه «مرکز فرهنگی خراسان» است که با عنوان «تاریخ آستان قدس رضوی» در هشت بخش و یک خاتمه و در دو جلد به چاپ رسیده است. از آن جاکه هر کسی به خراسان سفر می کند، نخست به زیارت حضرت رضا مشرف می شود، مؤلف محترم نیز در تدوین و تنظیم فرهنگ خراسان از بارگاه ملکوتی آن حضرت شروع کرد و در بخش اول «اوضاع خراسان از صدر اسلام تا شهادت امام رضا» را شرح و سپس به بررسی و معرفی بیوتات متبرکه که شامل:

مدفن امام رضا، قبه هارونیه، مشهد طوس، مشهد رضا، سرداب مطهر، سنگ قبر مطهر امام رضا، صندوق قبر مطهر، ضریح مطهر، سیر تاریخی حرم مطهر امام رضا و توسعه آن، محراب های حرم مطهر، درهای ورودی به حرم، گنبد مطهر امام رضا، مناره های حرم، مسجد

بالاسر مبارک، رواق‌ها، صحن‌ها، ایوان‌ها، حجره‌ها، دارالقراء، بست‌های حرم مطهر، درهای اماکن متبرکه و... پرداخته است.

عناوین سایر بخش‌ها عبارتند از:

بخش دوم: اداره اماکن متبرکه، خادمان، حافظان، نگهبانان و کفشداران.

بخش سوم: مراکز علمی - فرهنگی و هنری، کتابخانه‌ها، مدارس علمیه، دبستان‌ها، دبیرستان‌ها، هنرستان‌ها و دانشگاه‌ها.

بخش چهارم: مؤسسات درمانی و بهداشتی، درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها.

بخش پنجم: صنایع و کارخانجات آستان قدس.

بخش ششم: کشاورزی و دام‌داری در آستان قدس.

بخش هفتم: موقوفات آستان قدس، املاک، مستغلات، باغ‌ها و اراضی شهری.

بخش هشتم: خدمات و عمران در آستان قدس رضوی.

از آن جایی که مسجد جامع گوهرشاد یکی از مهم‌ترین و زیباترین مساجد تاریخی در بلاد و اماکن اسلامی به‌شمار می‌رود و نیز این مسجد مجلل و باشکوه یادگاری از قرون گذشته و نمونه‌ای از معماری‌های سنتی اسلامی می‌باشد که در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا قرار گرفته و متصل به آن است، از این جهت نیز دارای امتیاز ویژه بوده و از عظمت و شهرت خاصی برخوردار می‌باشد مؤلف محترم «خاتمه» کتاب را به «مسجد گوهرشاد و تحولات آن در تاریخ» اختصاص داده است.



جوامع الحکمه یا سخنان کوتاه حضرت رضا

عزیزالله عطاردی، دهلی - هندوستان، ۱۴۰۴ هجری. - ۱۲۶۲، ۴۱۲ صفحه، رحلی.

کتاب حاضر شامل بیش از سیصد سخنان کوتاه و احادیث است که همگی از حضرت امام رضا نقل شده و تمامی روایات نیز از کتاب شریف «مسند الامام الرضا» استخراج و هر روایت علاوه بر متن عربی به شکل زیبا و روان ترجمه و شرح گردیده و توسط کاتب هنرمند استاد اسماعیلی با خطی زیبا نوشته و اطراف صفحات را با نقش و نگار بیاراستند.

نویسنده در مقدمه کتاب مختصری از حالات امام رضا و نیز فضائل و مناقب و... آن حضرت را بیان داشته که عناوین موضوعات عبارتند از:

مختصری از حالات امام رضا، مادر امام رضا، امامت حضرت

رضا، موقعیت امام رضا در عصر خود، خصوصیات و فضائل

حضرت رضا، دعوت حضرت رضا به خراسان، حرکت

حضرت رضا به طرف خراسان، موضوع

ولایتعهدی حضرت رضا، مجالس علمی

حضرت رضا در خراسان و شهادت حضرت

رضا.

یادآوری می‌شود اثر فوق در پی

مسافرت مؤلف محترم به هندوستان جهت

دیدار از علماء و دانشمندان و نیز مراکز

علمی و فرهنگی و کتابخانه‌ها، در دهلی نو

به‌زیور طبع آراسته گردیده است.



دعاها و زیارت‌های حضرت امام رضا

چاپ دوم، ۱۲۷۹، ۱۷۶ صفحه، رقعی.

اثر حاضر در بردارنده ادعیه و زیارات روایت شده از

حضرت امام رضا است که از کتب ادعیه و زیارات جمع آوری

شده است. کتاب از سه بخش تشکیل گردیده که بخش اول آن

اختصاص به زندگانی امام رضا دارد و بخش دوم و سوم به ادعیه

و زیارات امام رضا پرداخته شده است. برخی عناوین بخش

اول که به شرح زندگانی و فضایل و مناقب و امامت

اختصاص دارد عبارتند از: تولد امام رضا،

مادر امام رضا،

امام رضا در

زمان امام کاظم، امامت حضرت رضا، امام رضا و هارون، امام رضا و واقفیه، حضرت رضا و مأمون، دعوت مأمون از امام رضا، حرکت امام رضا به طرف خراسان، امام رضا در قادسیه، بصره، اهواز، دهکده اربق، نیشابور، رباط سعد، ده سرخ، سناباد طوس، سرخس، مرو، پیشنهاد خلافت و ولا یتعهدی به امام رضا، مناظره امام رضا با علماء و بزرگان ادیان، ستایش شعراء از امام رضا، امام رضا و نماز عید،... و شهادت امام رضا طوس.

یادآوری می‌شود تمامی ادعیه و زیارات این کتاب از کتاب ارزشمند «مسند الرضا» گردآوری شده است و سند و مأخذ و مصادر آن نقل نشده ولی در کتاب «مسند الرضا» کلیه مأخذ و مصادر آن ذکر گردیده است.



الرجال فی تاج العروس (جلد ۱-۴)

عزیزالله عطاردی، حیدرآباد - دکن، هند، چاپخانه مجلس، دائرة المعارف

عثمانیه، چاپ اول، ۱۴۰۱ هجری. ۱۹۸۱، ۴۶۵+... صفحه، وزیری.

کتاب‌هایی که امروزه توسط دانشمندان نگاشته می‌شود خصوصاً کتب مرجع و دائرة المعارف‌ها دارای فهرست‌های زیادی از قبیل فهرست منابع و مأخذ، اسامی اشخاص، اسامی مکان‌ها، آیات و احادیث و اشعار و... می‌باشند که دستیابی به محتوای کتاب را برای خواننده و محققین آسان می‌نماید اما در گذشته چنین کاری معمول و مرسوم نبوده است لذا مؤلف تصمیم گرفته است برای کتاب ارزشمند تاج العروس چنین فهرستی را تدوین نماید و این کتاب نیز فهرست اسامی رجال و دانشمندان است که در تاج العروس آمده است.

آقای عطاردی درباره انگیزه تألیف این کتاب یاد آور شده است: در کتابخانه امام امیرالمؤمنین در نجف اشرف نزد علامه محقق شیخ عبدالحسین امینی مؤلف کتاب الغدير بودم در حالی که او بر صندلی نشسته بود و به کتابی که در دستش بود نگاه می‌کرد.

سپس مرا فراخواند و گفت: «این کتاب تاج العروس است. کتاب بزرگی است و در آن گنجینه‌ها و فواید درخشانی است که در کتاب‌های علمی و ادبی یافت نمی‌شود که مؤلف آن راه انگیزه جمع آوردی احادیث و اخبار کیمیا و نایاب و اسامی کشورها و اماکن و مردان علم و ادب گرد آورده است.

اما متأسفانه برای این کتاب فهرست جامعی که دانشجویان و محققان را راهنمایی نماید تا بتوانند از مطالب آن بهره‌مند شوند وجود ندارد لذا علما از فواید رجالی و مباحث ادبی و تاریخی و غیره آن بهره‌مند نمی‌شوند.»

سپس فرمود: «اگر فهرست کاملی از رجال و اماکن و احادیث آن را با شرح کاملی استخراج نمای خدمت بزرگی برای اهل علم و تحقیق در علوم اسلامی خواهد بود و اثر مفیدی در موضوع خود خواهد شد و کار شایسته و ماندگاری خواهد گردید.»

و من نیز درخواست ایشان را لبیک گفتم اگر چه کاریس بزرگی بود و از خداوند کمک جستیم و تراجم رجال علم و ادب و اسامی امکنه و بلاد آن و همچنین احادیث آن را همراه با شرح و تفسیر استخراج نموده و آن را بر اساس حروف الفبا مرتب نمودم که خود کتاب مستقلی شد که نیاز به مراجعه به کتاب تاج العروس ندارد.

یادآور می‌شود که نویسنده در مقدمه کتاب اسامی نویسندگان مشهوری را که در این موضوع از قرن اول لغایت قرن دوازدهم یعنی قرنی که مؤلف کتاب تاج العروس



بدنیا آمده است را به ترتیب قرن همراه با زندگینامه ایشان بطور مبسوط آورده است.

سیری در کتابخانه های هند و پاکستان

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، انجمن مخطوطات ایران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ۴۹۷

صفحه، وزیری.



ارتباط ملت ایران با مردم هندوستان داستان کهن دارد واز عهد باستان بین آنها رفت و آمدهای علمی و فرهنگی و بازرگانی برقرار بوده است. این دو کشور قدیمی و ریشه دار در تاریخ همواره با همدیگر در رفت و آمد بوده اند و آنها به عنوان دو کشور همسایه از هزاران سال پیش با هم ارتباط داشته اند. در دوره اسلامی رفت و آمد بین ایران و شبه قاره هند و پاکستان بسیار

توسعه پیدا کرد، گروهی بی شمار از رجال ایرانی

به هند مهاجرت کردند و در آن

سرزمین اقامت نمودند،

شریعت مقدس اسلام از

طریق ایران با زبان

فارسی به آن کشور

رفت و ایرانیان مردم

هند را با اسلام آشنا

نمودند و در بسط و

توسعه آن

کوشیدند.

مهاجرت

عالمان، عارفان،

شاعران، اهل هنر و ادب و

رجال سیاست از قرن چهارم

هجری به آن سرزمین آغاز شد. اکنون

هزاران اثر مکتوب از این ایرانیان مهاجر در شبه

قاره هند و پاکستان موجود است، وجود

صدها مدرسه، مسجد، آثار تاریخی و

هزاران رجال علم و ادب شاهد این مدعا

می باشد.

مؤلف محترم این کتاب در سال

۱۳۴۵ هجری

شمسی

برای دیدن

کتابخانه های شبه قاره هند و

پاکستان به آن منطقه سفر کرده و از

کتابخانه ها دیدن نموده و نسخه های

خطی را مورد بررسی قرار داده است.

ایشان در مقدمه کتاب اظهار داشتند:

از هنگامی که به کارهای تحقیقاتی و فرهنگی مشغول شدم، با کتاب و کتابخانه

آشنایی پیدا کردم، با مصادر و منابع علمی و نسخ خطی و آثار فرهنگی ارتباط پیدا

نمودم، از وجود کتابخانه های کهن و تاریخی در شبه قاره هند و پاکستان اطلاع یافتم،

همواره در نظر داشتم فرصتی پیش آید تا به آن سرزمین همیشه خرم بروم و از منابع فرهنگی

و علمی بسیار غنی آن کشور دیدن کنم و در کتابخانه های مختلف آن جا به مطالعه و

تحقیقات خود ادامه دهم و منابع و مآخذ جدیدی برای تألیفات و آثار خود بدست آورم.

کتاب به گونه سفرنامه ای سامان یافته و مؤلف ارجمند در ضمن گزارش سفر خود،

از کتابخانه ها و نسخه های خطی آنها یاد کرده است. در این اثر کتابخانه های فراوانی

معرفی شده، نسخه های بسیاری شناسایی و مراکز بزرگ علمی، پژوهشی و فرهنگی

شناسانده شده و نیز از شخصیت ها و چهره های فرهنگی و علمی بسیار سخن به میان

آمده است.

عناوین و سرفصل های مهم کتاب عبارتند از:

حرکت از تهران، در کویت، در کراچی، در بمبئی، در احمدآباد گجرات، در حیدرآبادکن،

در مدراس، در کلکتہ، در پنته، در لکنهو، در درامپور، در عیگر، در آگرا، در دهلی، در

پاکستان شرقی، در داکا، در ملتان، در لاهور، در راولپندی، در پیشاور و در افغانستان.

در انتهای کتاب پنج فهرست با این عناوین به چاپ رسیده است: فهرست موضوعات،

فهرست کتاب ها، فهرست اعلام اشخاص، فهرست شهرها و مکان ها و فهرست آثار مؤلف.

الشریف الرضی محمد بن الحسین الموسوی

عزیزالله عطاردی، حیدرآباد همد، چاپخانه عزیزی، چاپ اول، ۱۴۰۱ هجری، ۱۸۱،

۲۸ صفحه، رقعی.

نویسنده در این کتاب ابتدا دیدگاه های مورخین بزرگی چون: نجاشی، ابومنصور الثعالبی

النیسابوری، حافظ ابو بکر الخطیب البغدادی، ابوالفرج بن الجوزی، ابن خلکان، ابوالفتح بن

جنی النحوی، ابوعلی، حاج میرزا حسین نوری طبرسی، شیخ آغا بزرگ طهرانی، میرزا

حبيب اله خویی، علامه حلی، شیخ عباس قمی، ابن ابی الحدید، شیخ عبدالحسین الامینی

و... را درباره جامع نهج البلاغه محمد بن الحسین الموسوی ملقب به شریف الرضی ذکر کرده

و سپس به شرح زندگانی و ویژگی های علمی و اخلاقی او با این عناوین پرداخته است:

تولد شریف رضی، تعلیم و تربیت سید رضی، مقام علمی سید رضی، دیانت و عفت

شریف رضی، شجاعت و آزادگی سید رضی، شعر و ادب سید رضی، القاب و عناوین سید

رضی، نقابت سید رضی، امارت حج، ولایت بر مظالم، درگذشت سید رضی، آثار سید رضی،

مشایخ سید رضی، شاگردان و روابیان سید رضی و والدین سید رضی.

عبدالعظیم حسنی حیاته و مسنده: یا زندگانی حضرت عبدالعظیم حسنی و روایات او

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ۳۵۶ صفحه، تصاویر، وزیری.

این کتاب حاوی اطلاعات گسترده ای در شناخت حضرت عبدالعظیم است که به روش

توصیفی نگارش یافته است. مطالب در ۶ فصل تنظیم شده و مؤلف سعی نموده تا تمام

مواردی که به نحوی با زندگی آن حضرت مرتبط بوده را در تألیف خود بیاورد: فصل اول در

شرح زندگانی حضرت عبدالعظیم است. در فصل دوم آباء و اجداد ایشان معرفی می شوند.

فصل سوم حاوی اخبار و روایاتی است که در کتب حدیثی قدیم و جدید با سند از حضرت

عبدالعظیم روایت شده اند. تعداد این احادیث در مجموع به ۷۹ می رسد که همگی به همراه

ترجمه درج شده اند. فصل چهارم مربوط به مشایخ و اساتید روایتی آن حضرت است که در

طرق اخبار و روایات ذکر شده اند. طبق شمارش نگارنده این تعداد به ۲۵ نفر می رسند. روابیان

و تلامذه ای که از ایشان اخذ حدیث کرده اند ۱۵ نفرند. شرح احوالات این عده در فصل پنجم

ذکر شده است. فصل ششم به شناسایی روضه مطهره حضرت عبدالعظیم حسنی و

مؤسسات وابسته به آن می پردازد. در مجموع می توان این کتاب را یکی از جامع ترین تألیفات،

درباره حضرت عبدالعظیم دانست.

علمای خراسان و نهج البلاغه

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۲، ۴۰ صفحه، رقعی.

کتاب نهج البلاغه که گزیده ای سخنان امیرالمومنین می باشد یکی از آثار ارزشمند و

گرانهای فرهنگ و معارف اسلامی است و از همان زمان تألیف یعنی اوائل قرن پنجم مورد

توجه و انظار اهل علم و ادب قرار گرفت، و نسخه های زیادی از آن برداشته و به اطراف و اکناف

کشور پهناء اسلامی فرستاده شده و به سرعت جای خود را در محافل اهل فضل و ادب باز

کرد.

یکی از مناطقی که در آنجا نهج البلاغه مورد توجه و عنایت قرار گرفت، منطقه خراسان

بود، در قرن پنجم هجری شهرهای خراسان بزرگ از دامغان در غرب تا فرغانه در شرق مرکز

علم، ادب، فرهنگ و هنر بود و مراکز علمی و تحقیقی در آنجا تأسیس شد.

مؤلف محترم در این کتاب تعداد بیست و چهار تن از بزرگان علم و ادب و فضیلت در

منطقه خراسان که نهج البلاغه را به خراسان آوردند و استنساخ نمودند و مورد بحث قرار دادند

را معرفی کرده و اظهار داشتند نخستین کسی که نهج البلاغه را به خراسان آورد یعقوب بن

احمد نیشابوری بود، او کتاب نهج البلاغه را به مردم معرفی کرد و از آن جایی که خودش اهل



ویدئو: گزیده ای از کتاب نهج البلاغه، اثر ابوالفضل عطاءالله عطاردی

ادب بوده آن را برای ادیبان قرائت می کرده است. سایر افراد عبارت اند از:

حسن بن یعقوب نیشابوری، علی بن احمد فنجانگردی نیشابوری، علی بن زید ابوالحسن بیهقی، محمد بن حسین قطب الدین کیدری بیهقی، علی بن ناصر سرخسی، ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری، فخرالدین رازی، حسن بن محمد صنعانی ابوالفضائل، مسعود بن عمر تغتازانی، یحیی بن حمید طائی بخاری، امیر علی شیرنوبی، محمد بن حسین بهاء الدین عاملی، سلطان محمود طوسی، محمود بن محمد تقی مشهدی، محمد رفیع جیلانی، نزیل مشهد، محمد تقی هروی، محمد کاظم مشهدی، هادی بن حسین برجندی، حسن علی بجنوردی، مرتضی مطهری و حاج سید جواد مصطفوی.



غریب الحدیث فی تاج العروس (جلد ۱)

عزیزالله عطاردی، حیدرآباد، دکن - هند، چاپ اول، ۱۴۰۲ هجری - ۱۹۸۲م، ۴۸۰+... صفحه، وزیری.

کتاب تاج العروس حاوی لغات مشکل و نا آشنا (دیر فهمی) است که برای خواننده آن کمی زحمت به همراه دارد لذا برای سهولت در مطالعه این کتاب گرانقدر، مولف محترم لغات مشکل آن را گرد آورده و آن را «غریب الحدیث فی التاج العروس» نام گذارده است که در موضوع خویش کتاب مفید و سودمندی است.

این کتاب دارای دو ویژگی است؛

۱- آنکه در توضیح لغات نهایت اختصار را مراعات نموده و از هرگونه زیاده گویی و اطباب پرهیز نموده است.

۲- برای سهولت در دستیابی معانی لغات از روش الفبایی مرسوم استفاده کرده است و از ترتیبی که خود مولف تاج العروس بکار برده است پرهیز نموده بدین صورت که بعنوان مثال کلمات «علم» و «مدن» را به ترتیب در باب عین و میم آورده است، حال آنکه مولف کتاب تاج العروس آنها را در باب های میم و نون، آورده است و یادآوری می شود که مولف در مقدمه این کتاب اسامی یکصدوده تن از دانشمندان علوم بلاغت و صرف و نحو از قرن اول تا دوازدهم (قرن تولد مولف تاج العروس) همراه با مؤلفات آنان را آورده است.



فرهنگ خراسان: بخش طوس، مشهد مقدس، نوقان، طابران، تیاکان و رادکان (جلد ۱-۷)

عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۸۲. ۴۱۴ + ۶۲۲ + ۶۷۴ + ۶۸۴ + ۶۸۰ + ۷۲۲. صفحه، وزیری.



فرهنگ خراسان مجموعه ای است که بخش نخست آن در هفت جلد مفصل به چاپ رسیده و در آن اطلاعاتی در باب ابعاد گوناگون شهر مشهد، اعم از اوضاع علمی، فرهنگی، سیاسی و هنری و سیر تاریخ این شهر درج گردیده است. بخش نخست این مجموعه مربوط به طوس بوده که در برگزیده مشهد مقدس، نوقان، طابران، تباکان و رادکان است. در دو جلد اول کتاب اطلاعاتی در باره سوابق تاریخی، اوضاع جغرافیایی و فرهنگی، بنای شهر مشهد، اماکن متبرکه، مساجد، مدارس، دانشگاهها، کتابخانهها، کشاورزی، دامداری، صنعت، بهداشت و درمان، هنر و صنایع و سازمانهای خدماتی درج شده، سپس در پنج جلد بعدی شرح حال و آثار و اقدامات رجال علم و ادب، عرفان، هنر و سیاست مشهد و یا شخصیت هایی که در طول تاریخ در مشهد بوده اند و یا از خود در این شهر اثری باقی گذاشته اند آورده شده است.

جلد اول از بخش نخست «فرهنگ خراسان» شامل سیزده فصل است ۱- طوس، نوقان، طابران، رادکان. سناباد ۲- مشهد مقدس و تحولات آن از زمان بنای آن تا زمان حاضر ۳- اماکن متبرکه (قبر مطهر امام، ضریح، حرم، گنبد رضویه، مناره ها، رواق دارالشکر، رواق دارالسیاده، رواق دارالسلام، رواق دارالذکر، سایر رواق ها، صحن کهنه، نو، بست ها، کتابخانه ها، موزه، مدارس دینی، مهمان سرا) ۴- فضاهای زیارتی در ادوار مختلف (از قرن نهم تا چهاردهم) ۵- احداث فلکه اول ۶- تخریب بزرگ سال ۱۳۴۵، ۷- طرح توسعه حریم رضوی، ۸- طرح مسکن سازان خراسان، ۹- خیابان ها، میدان ها، بزرگراه ها، زیرگذرها و محلات مشهد، ۱۰- مساجد مشهد مقدس، ۱۱- حسینیه ها و تکیه های مشهد مقدس، ۱۲- مزارات مشهد مقدس، ۱۳- آثار تاریخی منطقه طوس (هارونی در طوس و رباط طرق). کتاب با عکس هایی رنگی از آثار تاریخی و اماکن دینی و چشم اندازهای مشهد و حوالی آن همراه شده با نمایه اسامی به پایان می رسد.

در جلد دوم از بخش نخست مجموعه فرهنگ خراسان اطلاعاتی در باب اوقاف، مراکز فرهنگی و مؤسسات علمی و تمدنی درج شده که از آن جمله است: موقوفات مشهد مقدس (شامل موقوفات فرهنگی، کشاورزی و دامداری، باغ ها، صنعتی، درمانی و بهداشتی، امدادی، مهمانسرا، مستغلات واقفان مشهد، منابع و مأخذ موقوفات)؛ مدارس علوم دینی مشهد (دو در، پریزاد، نواب، عباسقلی خان، خیرات خان، میرزا جعفر، رضوان، بالاسر، فاضل خان، حاج حسن، عبدالله خان، قدمگاه، ملاتاجر و مدارس دیگر، خصوصیات حوزه های علمیه مشهد)؛ آموزش و پرورش مشهد مقدس (شامل معرفی دبستان ها، راهنمایی ها، دبیرستان ها، دانشراها و تربیت معلم)؛ دانشگاه مشهد و دانشگاه آزاد؛ کتابخانه های مشهد (کتابخانه رضویه، کتابخانه مدرسه نواب، کتابخانه مسجد گوهرشاد، فرهنگ، مدرسه خوبی، مدرسه میرزا جعفر، مدرسه سلیمان خان، مدرسه خیرات خان، دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات، دانشکده ادبیات و کتابخانه های سایر دانشکده ها و دانشگاه های مشهد)؛ روزنامه های مشهد از آغاز تا امروز؛ چاپخانه های مشهد از آغاز تا امروز؛ صدا و سیمای مشهد؛ هنر و صنایع دستی؛ آموزشگاه های حرفه ای و فنی؛ منابع آب؛ برق مشهد؛ تجارت؛ کشاورزی و دامداری؛ صنایع و کارخانجات؛ مخابرات و پست؛ جهاد سازندگی؛ بنیاد مسکن؛ تربیت بدنی؛ شهرداری؛ هلال احمر؛ بیمارستان ها؛ درمانگاه ها و مراکز درمانی و بهداشتی مشهد؛ بنیاد شهید؛ مؤسسات و سازمان های خیریه؛ صندوق های قرض الحسنه؛ انجمن ها از آغاز تا عصر حاضر؛ احزاب و گروه های سیاسی؛ تالارهای و باشگاه ها؛ سینماها و تماشخانه ها؛ وسایل نقلیه موتوری؛ هواپیما و فرودگاه؛ راه آهن؛ پایانه مسافری؛ سازمان اتوبوسرانی؛ مهمانخانه ها و مسافرخانه ها؛ باغ ها و بوستان ها؛ آب انبارها و یخچال ها؛ آسیاب های مشهد؛ گرمابه های مشهد؛ نفت و گاز در مشهد؛ راه های ارتباطی مشهد؛ بیلاق ها؛ خوار و بار و مواد غذایی؛ ملیت ها؛ انقلاب اسلامی در مشهد؛ مشهد در دفاع مقدس؛ اسامی شهدا و ایثارگران؛ جهانگردان خارجی در مشهد؛ بخش طبقه از توابع مشهد؛ شهرستان چناران؛ شهرک گلپهار؛ غارهای ناحیه مشهد. صفحات پایانی به نمایه اسامی و مکان ها اختصاص یافته است و در صفحات میانی نیز عکس های رنگی از اماکن علمی مؤسسات معرفی شده، و جاهای دیدنی و مذهبی و گذرگاه ها و میدان ها و ... مشهد به چاپ رسیده است.

جلد سوم از این مجموعه در برگزیده حروف «آ» تا «ج» است. تنی چند از شخصیت های معرفی شده در این جلد عبارتند از: آقابزرگ، ابراهیم قطیفی، ابراهیم میرزا صفوی، ابوالحسن حافظیان، ابوسعید گورکانی، ابوعلی سیمجور، ابوالقاسم کاشانی، حاج میرزا احمد خراسانی، احمد طوسی، احمد بهار، احمد بهمنیار، احمد علی خان راجه محمودآباد، احمد گلچین معانی، احمد بن محمد غزالی، ارسلان جاذب، ارغون خان در مشهد، اسماعیل صفوی در مشهد، اعتمادالسلطنه، القاص میرزا، الله وردی خان، اللهیار خان آصف الدوله، آب ارسلان، الغ بیک تیموری، امامقلی خان، امیر چوپان، ایرج میرزا، بابر، بایسنغر، تکش خوارزمشاه، جابر بن حیان طوسی، سید جلال الدین تهرانی، جمال الدین اسدآبادی، میرزا جواد آقا تهرانی، جواد خامنه ای و جواد فلاطوری. صفحات پایانی به فهرست مطالب و نمایه اشخاص و مکان ها اختصاص دارد. این جلد حاوی ۴۵۳ شرح حال است.

در جلد چهارم از بخش نخست مجموعه فرهنگ خراسان شرح حال و اقدامات و آثار برخی دیگر از مشاهیر و حکام و والیان مشهد، به ترتیب الفبای نام تنظیم شده است. این جلد در برگزیده حروف «ح» تا «ص» است. تنی چند از مشاهیر معرفی شده در این جلد بدین قرارند: حاج میرزا حبیب الله مشهدی، حسام السلطنه، حسن خان سالار، حسن زوزی، حاج آقا حسن طباطبایی، شیخ حسنعلی اصفهانی، حسنعلی میرزا حاکم خراسان، حسن بن اسحاق فردوسی خالق شاهنامه، حسن بن علی نظام الملک طوسی، حسین خان سپهسالار، حسین صفوی، حسین طباطبایی قمی، حسین میرزا نیرالدوله، سلطان حسین میرزا باقرآقا، حمزه میرزای قاجار، حمید بن عبدالحمید طوسی، حمید بن قحطبه، حیدرخان عموآغلی قفقازی، خسرو میرزا، خلیل میرزا، رافع بن هرثمه، ربع بن خثیم، رضاشاه و اقدامات او در مشهد، رضاقلی میرزا، سبکتکین، سلیمان صفوی، سنجر سلجوقی، شاهرخ تیموری، شاهرخ نادری، شهاب الدین غوری، صادق خان شقاقی، صادق رضوی، صدرالدین صدر، صدرالدین شیرازی، صدیق الدوله، صفا اصفهانی، شاه صفی صفوی و صمصام السلطنه بختیاری. صفحات پایانی به نمایه اشخاص و مکان ها اختصاص دارد. در این جلد ۴۲۸ شرح حال آمده است.



پنجمین جلد از بخش اول مجموعه فرهنگ خراسان شامل شرح احوال و آثار و اقدامات ۴۵۵ تن از مشاهیر مشهد و یا شخصیت‌هایی که در مشهد بوده و یا اثری از خود در مشهد باقی گذاشته‌اند، می‌باشد که به ترتیب الفبای نام اشخاص تدوین شده است. جلد حاضر در برگیرنده حروف «ط» تا «ف» است. مشاهیر و رجال علمی سیاسی، تاریخی، مذهبی، اجتماعی و ادبی معرفی شده در این جلد عبارتند از: طالب الحق، طغا تیموریان، طهماسب صفوی، عابدزاده، شاه عباس صفوی، عباس میرزا قاجار، شیخ عباس قمی، علامه عبدالحسین امینی، عبدالحمید موسوی، عبدالرحمان خان در مشهد، عبدالعالی کرکی، عبدالعزیز طباطبایی، عبدالعظیم ولیان، عبدالکریم هاشمی نژاد، عبدالله شوشتری، عبدالله خان ازبک، عبدالله شیرازی، عبدالله قندهاری، عبدالله جزائری، عبدالمؤمن خان، عبدالوهاب آصف الدوله، عبیدخان ازبک، عسکری امام جمعه مشهد، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، سیدعلی خان مدنی، علی شاه افشار، علی شریعتی، علی شیرنوی، غازان خان، غلامحسین تبریزی، غیاث الدین غوری، فتحعلی خان قاجار، فتحعلی شاه قاجار، فتح‌الله پاک‌روان، فضائلی اصفهانی، فضل‌بن حسن طوسی، فضل‌بن ربیع، فضل‌بن روزبهان. صفحات پایانی به فهرست مطالب و نمایه اشخاص و مکان‌ها اختصاص دارد.

در جلد ششم از بخش نخست مجموعه فرهنگ خراسان شرح احوال، آثار و اقدامات ۴۶۵ تن از مشاهیر مشهد، از ادامه حرف «ف» تا نیمه حرف «م» بر اساس نام کوچک افراد فراهم آمده که برخی از آنان بدین قرارند: فضل‌بن محمد طوسی، فیض‌الله تفرشی، قحطبه‌بن شیبیب، گوهرشاد، م، مأمون عباسی، مؤید آبه، مؤیدالاسلام، مؤید الملک طوسی، حاج‌شیخ مجتبی قزوینی، محدث ارموی، محسن صدرالاشراف، محسن فیض‌کاشانی، محقق واعظ، محمد خدابنده، محمدباقر داماد (میرداماد)، محمدباقر رضوی، محمدباقر مجلسی، محمدتقی بهار، محمدتقی جعفری، محمدتقی مصطفوی، محمدخان شیبانی، محمدخان قاجار، محمدخان دولو، محمدرضا شاه و مشهد، شهید محمدرضا سعیدی، محمدشاه قاجار، محمدعلی حزین، محمد قوام الدوله، محمدکاظم آخوند خراسانی، محمدکاظم ملک‌التجار، محمدمحسن آغابزرگ تهرانی، محمد مهدی استرآبادی، محمد مهدی بحرالعلوم، محمد مهدی شهید، محمد ولی خان اسدی، محمدولی میرزا، محمدهادی میلانی، محمد همایون تیموری و محمدبن حسن حر عاملی. در پایان نمایه اسامی و جاها درج گردیده است.

در آخرین جلد از بخش نخست مجموعه «فرهنگ خراسان» شرح حال و آثار و اقدامات ۳۵۱ نفر از مشاهیر و رجال علمی سیاسی، تاریخی، مذهبی، اجتماعی و ادبی مشهد از نیمه حرف «م» تا «ی» آمده که برخی از آنان عبارتند از: محمدبن حسن ابوجعفر طوسی (شیخ الطائفه)، محمدبن حسین عاملی (شیخ بهاء‌الدین)، محمدبن علی ابوجعفر صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی عمادالدین، محمد تبادکانی، محمدبن محمد خواجه نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد غزالی طوسی، محمود جم، محمود حلبی مشهدی، محمودخان ناصرالملک، سلطان محمد غزنوی، محمود فرخ، محی‌الدین طوسی، مرتضی مطهری، مرشدقلی خان مسعود میرزا ظل‌السلطان، مسیح تهرانی، ملک‌شاه سلجوقی، منوچهر اقبال، موسوی عزالدین زنجانی، مهدی غروی اصفهانی، مهدی خراسانی واعظ، نادرشاه افشار، ناصرالدین شاه، نورالله شوشتری، واعظ طبسی، هارون الرشید، هاشم نجف‌آبادی، یعقوب لیث صفاری و یونس اردبیلی. صفحات پایانی به فهرست منابع، فهرست مطالب و نمایه اسامی اختصاص دارد.

گردآورندگان سخنان امیرالمومنین قبل از سید رضی
 عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۲، ۵۷ صفحه،
 رقعی.

از امیرالمومنین خطبه‌ها و سخنان فراوانی و نیز نامه‌ها و فرمان‌هایی در کتب تاریخ و اخبار و آثار روایت شده است. این خطبه‌ها در موضوعات مختلف وارد شده‌اند. بعضی در توحید و خداشناسی و صفات الهی، بعضی درباره پیامبران و سفیران خداوند، پاره‌ای از خطبه‌ها نیز درباره فضایل اخلاقی و آداب اجتماعی و فردی مسلمانان و... می‌باشد. از زمان امیرالمومنین گروهی خطبه‌های آن حضرت را ثبت نموده و در مجموعه‌هایی گردآورده‌اند. هدف آنها از چنین اقدامی آن بود که آیندگان نیز از سرچشمه‌های فضیلت و دانش سیراب نمایند و مسیر رشد و تکامل را برای آنان هموار

سازند. مولف محترم در این کتاب مختصراً به معرفی هشتاد تن از محدثانی که قبل از سید رضی به جمع‌آوری خطبه‌ها و سخنان امام علی همت گماردند پرداخته که نخستین کسی که خطبه‌های امام علی را جمع‌آوری کرده و کتابی در این زمینه تالیف نموده «حارث اعور همدانی» می‌باشد.

گوهر خاندان امامت یا زندگانی سیده نفیسه

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۲، ۱۰۵ صفحه، رقعی

یکی از زیارت‌گاه‌های مشهور و معروف شهر بزرگ و باستانی قاهره، پایتخت کشور مصر بارگاه مقدس سیده نفیسه دختر حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابیطالب و همسر اسحاق مؤتمن (فرزند حضرت امام صادق) است. این روضه منوره بیش از هزار و دو بیست سال است که زیارت‌گاه اهالی مصر بوده و دوستان اهل بیت پیغمبر اکرم در آن مقام مقدس و مکان پاک به عبادت و پرستش خداوند متعال می‌پردازند.

نگارنده در سال ۱۳۵۳ پس از انجام مناسک حج و دیدار از یمین برای تحقیق و مطالعه در کتابخانه‌های مصر وارد قاهره شد و در ضمن زیارت مشاهده مشرفه مصر، روضه مبارکه سیده نفیسه را نیز زیارت نموده و پس از مراجعت از مصر با توجه به عدم وجود کتاب فارسی در حالات و خصوصیات این بانوی بزرگ مبادرت به تألیف کتاب فوق نموده است.

در این کتاب به اختصار مطالبی پیرامون شرح زندگانی و فضایل اخلاقی و کرامات معنوی و نیز خصوصیات آرامگاه سیده نفیسه بیان گردیده که اهم عناوین مطرح شده عبارتند از:

تولد سیده نفیسه، تربیت سیده نفیسه، ازدواج سیده نفیسه، موقعیت سیده نفیسه در مکه، نفیسه در بیت المقدس، سیده نفیسه در مصر، فضایل سیده نفیسه، گفته‌های علمای درباره نفیسه، وفات سیده نفیسه، روضه مبارکه سیده نفیسه، توجه اولیاء به مشهد نفیسه، تاریخ بنای روضه سیده نفیسه، کرامات سیده نفیسه، سخنان جهان‌گردان، حسن بن زید پدر نفیسه، مادر سیده نفیسه، برادران سیده نفیسه و اسحاق مؤتمن شوهر نفیسه.

اللغات الفارسیه المعربه فی تاج العروس

عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۴، ۱۷۶ صفحه، وزیری.

اگرچه ارتباط کشورها با همسایگانشان در گذشته به سهولت امروز نبوده است ولی امپراتوری ایران با توجه به اینکه در مقاطعی از تاریخ یکی از چند قدرت برتر جهان بوده و در طول تاریخ به عنوان سرزمین مستقلی بوده است که ممالک و قبایل همسایه در تحت نفوذ و سیطره آن بوده‌اند. بنابراین فرهنگ و زبان فارسی در بسیاری از فرهنگ‌های جهان گسترش یافته است و کم‌نیستند واژه‌ها و کلمات فارسی که در زبان عربی و هندی و اروپایی راه یافته و جزئی از آنها شده‌اند خصوصاً با توجه به لشکرکشی‌های سلطان محمود غزنوی به هندوستان و پس از آن هجوم شاعران و ادیبان پارسی‌گویی که قند پارسی را به بنگاله بردند.

(شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگال می‌رود) و همچنین دانشمندان مسلمانی که برای ترویج اسلام از ایران به هندوستان کوچ کردند سبب شیوع اصطلاحات و کلمات فارسی در هندوستان شدند و مولف تاج‌العروس نیز که خود ادیب و دانشمند بزرگی است و از این خوان گسترده بهره‌ها برده است، وی چون مؤلفات خویش را به عربی نگاشته است این اصطلاحات فارسی را به تعریب در تاج‌العروس آورده است. و برای خواننده ناآشنا یا کسی که آشنایی اندکی به این سابقه دارد، برخورد با این اصطلاحات شگفت می‌نماید. لذا مؤلف این کتاب بر آن شده است که لغات فارسی معرب تاج‌العروس را با توجه به ریشه و واژه‌ها از منابع و مأخذ مربوطه استخراج و به ترتیب الفبا در علاقمندان به تاریخ و تأثیر نفوذ زبان فارسی در جهان قرار داده و در مقدمه نیز شرح حال کامل مؤلف کتاب «تاج‌العروس» را آورده است.

مسند فاطمه الزهرا

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۴۱۲ هجری، ۶۱۵ صفحه، وزیری.

اثر فوق از سلسله موسوعه «مسانید اهل بیت» است، احادیث و اخبار این مجموعه از مصادر موثق و مورد اعتماد شیعه و سنی جمع‌آوری شده است. کتاب «مسند فاطمه الزهرا» در سه فصل کلی تشکیل شده است.

فصل اول: شرح مفصل زندگانی حضرت فاطمه زهرا مانند: ولادت



حضرت زهرا عبادات حضرت زهرا جایگاه و مقام ایشان در نزد پدرش، فضایل و مناقب حضرت زهرا، ازدواج حضرت زهرا، مصحف فاطمه مقام و منزلت ایشان در محشر، آنچه اتفاق افتاده برای ایشان در ماجرای سقیه و فدک، وفات حضرت زهرا و ...

فصل دوم: مجموع روایات و احادیث وارده از حضرت فاطمه زهرا در مسائل مختلف مانند: علم، امامت، فضایل اهل بیت، غیبت امام (عج) فضایل شیعه، صفات مومن، دعا، حرز فاطمه، مناظرات، نماز، حج، حکمت‌ها و مواعظ‌ها و ... که بر اساس موضوع تنظیم شده‌اند.

فصل سوم: در این فصل اسامی تعداد بیست و نه تن از روایانی که از حضرت زهرا حدیث کرده‌اند بر اساس حروف الفبا همراه با شرح حال اندکی از آنها فراهم آمده است.

مسند الامام المجتبی

عزیزالله عطاردی،

تهران، عطارد، چاپ اول،

۱۳۷۲، ۸۰۲ صفحه، وزیری.

اثر فوق از سلسله موسوعه

«مسائید اهل بیت» است که حاصل تلاش و

سخت‌کوشی دانشمند ارجمند جناب استاد عزیزالله عطاردی می باشد

احادیث و اخبار این مجموعه از مصادر موثق و مورد اعتماد شیعه و سنی جمع آوری شده

است. کتاب «مسند الامام المجتبی» در سه فصل کلی تقسیم شده

است. فصل اول، در زندگانی امام حسن و فضائل و مناقب ایشان و

نصوصی که بر امامت آن حضرت دلالت دارد و همچنین وقایع

اتفاق افتاده میان امام حسن و معاویه و بویژه صلح امام با معاویه،

جریانات رخ کرده بین امام و اصحاب ایشان و نیز شهادت حضرت و

فرزندان و همسران و اصحاب ایشان، فصل دوم، روایاتی که از امام حسن در مسائل

مختلف مانند: توحید، امامت، احکام و سنن و آداب که بر اساس موضوع و باب چیده و تنظیم

شده‌اند که اولین موضوع «عقل» و آخرین موضوع «الحکم والاداب» می باشد. فصل سوم،

معجم روایانی است که از امام حسن حدیث کرده‌اند، چه اینکه این احادیث مرسل باشند و

چه متصل، در این بخش اسامی تعداد ۱۳۸ راوی همراه با شرح حال اندکی از آنها به شکل

حروف الفبا فراهم آمده است.

مسند الامام الشهدید ابی عبد الله الحسین بن علی (جلد ۱-۲)

عطاردی، عزیزالله، تهران، انتشارات عطارد با همکاری رابطه الثقافة والعلاقات

الاسلامیه وبنیاد شهید انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶، ۵۲۱+۵۷۱+۵۰۴ صفحه.

مطالب کتاب از سه بخش تشکیل شده است: ۱- زندگی و قیام و

شهادت امام و کسانیکه با او شهید شدند. ۲- احادیث امام. ۳- معجم

روایت‌کنندگان از امام. از این رو کتاب حاضر در شمار کتاب‌های

تاریخی - روایی و رجالی به شمار می رود.

جلد اول کتاب درباره فضایل آن حضرت و قیام اوست و برخی از

عناوین آن چنین است: نام‌ها و القاب آن حضرت، امامت آن حضرت، «سیدالشهدا» بودن

آن حضرت، امتناع آن حضرت از بیعت، فرستادن مسلم‌بن عقیل به کوفه، رخدادهایی در

مسیر مکه و قادسیه، وارد شدن آن حضرت به کربلا و محاصره آن حضرت.

جلد دوم با بحث از رخدادهای شب و روز عاشورا آغاز می شود و در ادامه از شهادت آن

حضرت و اصحاب و خانواده‌اش سخن رفته است. آن‌گاه روایات درباره رخدادهایی بعد از

شهادت و اسارت اهل بیت آمده و سپس روایات در باب زیارت آن حضرت و متن چند زیارت

و پاداش گریستن نقل شده است.

جلد سوم با روایاتی درباره پاداش یادکردن امام حسین، فضیلت کربلا، دست اندازی‌هایی

به قبر امام و تعداد فرزندان و مدت حیات او آغاز می شود. آن‌گاه ذیل عنوان «باب النوادر فی

قیام الحسین» نظر چند تن از اعلام (عبدالله بن جعفر، ربیع بن خثیم، سلیمان بن سرد، میثم

تمار و ...) درباره آن حضرت و قیام او آمده است. سپس احادیث آن حضرت، به صورت موضوعی ارائه شده است و در ادامه، مختصری به شرح حال روایت‌کنندگان از امام پرداخته است. پایان بخش کتاب مرثیه‌های شاعران در سوگ آن حضرت است.

مسند الامام السجاد (جلد ۱-۲)

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۱، ۵۴۴+۵۲۴

صفحه، وزیری.

نویسنده در این کتاب به شرح گوشه‌هایی از

زندگی، مناقب، فضایل و کرامات حضرت امام

زین العابدین پرداخته است. کتاب از «باب

ولادته» آغاز می شود و با باب «باب الرواه» به

پایان می پذیرد. وی با استناد به روایات و حکایات متعدد، مطالبی

درباره ولادت، نص امامت، علم، مناظرات امام با

ابوحنیفه، عبدالله بن حسن، عمر بن علی، حسن بن

حسن و جابر به چاپ رسیده و

همچنین به عبادات، دعاها و

مناجات آن بزرگوار اشاره شده

است.

در مجموع از حضرت سجاد ۱۶۶ حدیث

نقل شده است و از ۲۳۷ تن از یاران و اصحاب و روایان آن

حضرت سخن رفته است.

مسند الامام الباقر: ابی جعفر محمد بن علی (جلد ۱-۶)

عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۵۵۶+۵۴۰+۵۹۲

صفحه، وزیری.

«مسند الامام الباقر» مجموعه‌ای از احادیث و روایات شیعه در باب

اعتقادات، معارف و مسائل فقهی اسلام، به ویژه مکتب تشیع است که در

جلد نخست آن، این موضوعات درج گردیده است: عقل، علم، توحید،

انبیاء، امامت و غیبت امام زمان (عج). این کتاب به زبان عربی تدوین

شده است. در جلد دوم از «مسند الامام الباقر» احادیث دیگری در ارتباط با فضایل اهل بیت،

اصحاب پیامبر و فضایل شیعه درج گردیده است. همچنین برخی احادیث نیز با موضوع ایمان

و کفر، آداب و معاشرت در آن جمع آمده است. مطالب پایانی کتاب درباره مواعظ و تفسیر

قرآن است. جلد سوم این مجموعه، متضمن احادیث و روایاتی در ارتباط با آیات قرآنی و

دعاهای مختلف است که در پی آن چند احتجاج و گفت‌وگو میان امام باقر و اشخاص دیگر

درج گردیده و سپس روایاتی نیز در باب طهارت آورده شده است.

در جلد چهارم «مسند الامام الباقر» احادیث و روایاتی در این موضوعات فراهم آمده

است: نماز، روزه، معیشت، سفر، حج، زیارت، جهاد و نکاح. بدین ترتیب، طی مباحث

کتاب، به احکام مربوط به موضوعات یادشده اشاره می شود.

جلد پنجم از «مسند الامام الباقر» احادیث و روایاتی چند با این موضوعات جمع

آمده است: اولاد، تجمل و زینت، دواب (حیوانات)، اطعمه، اشر به، عتق (آزادکردن

بنده)، صید و ذبح، قضاوت و شهادت، ایمان و نذور، حدود، دیه، وصیت، موراث و

مانند آن. در جلد ششم از «مسند الامام الباقر» روایاتی از امام باقر - که از جانب

فرقه‌های زیدیه، اسماعیلیه و اهل سنت نقل شده - درج گردیده است. این روایات در

ارتباط با پاره‌ای از احکام شرعی و فقهی است.

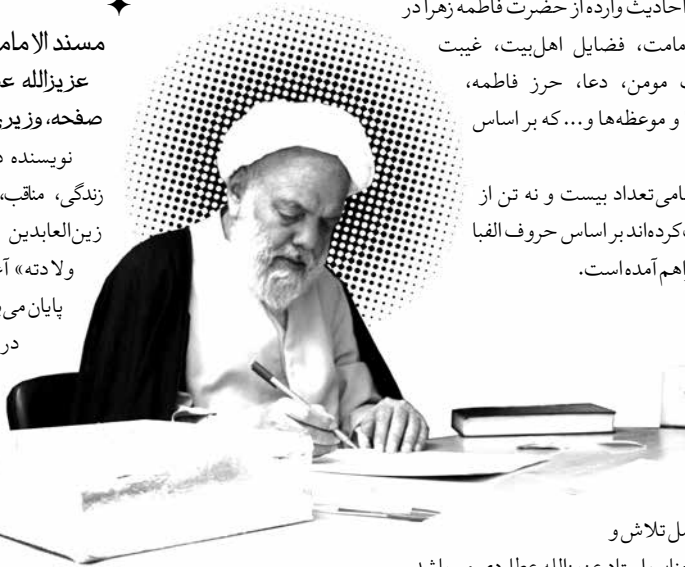
مسند الامام الصادق (جلد ۱-۲)

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۸۴، وزیری.

مجموعه عظیم «مسند الامام الصادق» به تاریخ زندگانی امام

صادق و فضائل و مناقب و اخبار و روایات رسیده از ایشان می پردازد

که از سه بخش کلی تشکیل شده است.



بخش اول: زندگانی امام ششم و فضایل و مناقب ایشان و نصوصی که بر امامت آن حضرت دلالت دارند و همچنین وقایع اتفاق افتاده میان امام صادق و حاکمان زمانش و نیز شهادت آن حضرت و فرزندان... بخش دوم: احادیث و روایاتی که از امام صادق در مسایلی مختلف وارد شده براساس موضوع تنظیم شده‌اند. بخش سوم: معجم روایاتی که از امام صادق حدیث کرده‌اند طبق حروف الفبا و همراه با شرح حال اندکی از آنها فراهم آمده است.



مسند الامام الکاظم ابن الحسن موسی بن جعفر (جلد ۱-۲)

عزیزالله عطاردی، مشهد، کنگره جهانی حضرت امام رضا، چاپ اول، ۱۴۰۹ هجری، ۵۲۱+... صفحه، وزیری.



کتاب حاضر از سلسله «مسانید اهل البیت» است که به تاریخ زندگانی امام هفتم و فضایل و مناقب و اخبار و روایات رسیده از ایشان می‌پردازد. کتاب سه جلدی «مسند الامام الکاظم» از سه بخش کلی تشکیل شده است. بخش اول: زندگانی امام هفتم و فضایل و مناقب ایشان و نصوصی که بر امامت آن حضرت دلالت دارد و همچنین وقایع اتفاق افتاده میان امام کاظم و حاکمان زمانش منصور، مهدی و رشید و نیز شهادت حضرت و فرزندان و برادران ایشان و... بخش دوم: احادیث و روایاتی که از امام موسی کاظم در مسائل مختلف مانند: توحید، علم و معرفت، عقل، امامت و ولایت، ایمان و کفر و... و سنن و آداب که براساس موضوع تنظیم شده‌اند. بخش سوم: معجم روایاتی که از امام کاظم حدیث کرده‌اند که براساس حروف الفبا و همراه با شرح حال اندکی از آنها فراهم آمده است.



مسند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی (جلد ۱-۲)

عزیزالله عطاردی، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ اول، ۱۴۰۲ هجری - ۱۹۸۲م، ۶۰۵+... صفحه، وزیری.



مطالب کتاب «مسند الرضا» از چند بخش تشکیل شده است. نویسنده در مقدمه با اشاره به لزوم تمسک به اهل بیت در شناخت اسلام، فضیلت دانش حدیث و تدوین حدیث در مذهب اهل بیت به تبیین طرق روایی خود از عالمان شیعه و سنی پرداخته و سپس با تکیه بر متن روایات با فشرده‌گی و دقت تمام زندگانی حضرت رضا را از ولایت تا شهادت شرح نموده است. بخش دیگر کتاب اختصاص به احادیث و روایات وارده از امام رضا در مسائل مختلف مانند: عقل و علم و فضیلت کسب دانش، خداشناسی و صفات ثبوتی و سلبی و مسایل مربوط به توحید، حالات پیامبران الهی و زندگی و خصوصیات آنها، امامت و خلافت و خصوصیات امام برحق و منصوص از اهل بیت، فضایل اخلاقی و خصال پسندیده و ناپسند، آداب و مواعظ، تفسیر قرآن و معانی آیات شریفه، ادعیه، احتجاجات و مناظرات و... دارد که براساس موضوع تنظیم شده‌اند و مجموع روایات وارده از حضرت رضا در این بخش حدود دوهزار و چهارصد و پنجاه حدیث است.

بخش پایانی معجم روایاتی است که از امام رضا حدیث کرده‌اند چه اینکه این احادیث مرسل باشند و چه متصل، در این بخش اسامی تعداد سیصد و سیزده راوی همراه با شرح اندکی از آنها به شکل حروف الفبا فراهم آمده است.



مسند الامام الجواد

عزیزالله عطاردی خبوشانی، بیروت، دارالصفوة، چاپ دوم، ۱۴۱۲هـ، ۱۹۹۲م، ۲۵۵ صفحه، وزیری.

گردآورنده کوشیده است همه احادیثی را که به امام منسوب است در یکجا گردآورد و به این ترتیب راه محققان این حوزه را هموار سازد. این کتاب جزو سلسله‌ی مسانید اهل بیت است که همه احادیث معصومان را به تفکیک در بر خواهد گرفت. کتاب حاضر دارای چهل باب است که هر یک به احادیثی خاص در یک موضوع اختصاص یافته است و از احادیث مربوط به ولادت امام آغاز می‌شود و به باب مواعظ و حکم حضرت پایان می‌یابد.

پس از این ابواب چهل‌گانه، روایان حضرت یکایک معرفی شده‌اند. در این قسمت گزارش احوال یکصد و بیست و یک تن آمده است. شرح حال برخی در حد چند سطر و



ویدئو، رگ‌انداز، استند، خط، برآورد، عطاردی

برخی نیز بیش از چند صفحه است. برای مثال شرح حال عبدالعظیم حسنی نزدیک به ده صفحه و ابوصلت حدود دوازده صفحه و دعبیل خزاعی چهار صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است. پایان بخش کتاب فهرست منابع است. گفتنی است که این کتاب به مناسبت و با حمایت‌های معنوی کنفرانس جهانی امام رضا فراهم آمده و اینک به چاپ دوم رسیده است.



مسند الامام الهادی

عزیزالله عطاردی، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا، چاپ اول، ۱۴۱۰ هجری، ۴۰۰ صفحه، وزیری.



مطالب کتاب از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول، شامل شرح زندگانی امام هادی و فضایل و مناقب و نصوصی که دلالت بر امامت ایشان دارد و نیز ماجراهایی که بین ایشان و خلفاء زمانش اتفاق افتاده و همچنین شهادت آن حضرت و اولاد و برادرانش می‌باشد. بخش دوم، اخبار و احادیثی که از امام هادی در موضوعات مختلف مانند توحید، امامت، آداب و سنن و...

که براساس موضوع و باب تنظیم شده که اولین آن «باب التوحید» و آخرین آن «باب الحکم و الآداب» می‌باشد. بخش سوم، معجم روایاتی که از امام هادی حدیث نقل کرده‌اند که تعداد آنها به ۱۸۰ نفر می‌رسد همراه با شرح کوتاهی از آنان فراهم آمده است.



مسند الامام العسکری

عزیزالله عطاردی، بیروت، دارالصفوة، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق، ۱۹۹۲م، ۲۷۱ صفحه، وزیری.



کتاب حاضر از سلسله «مسانید اهل بیت» است که به تاریخ زندگانی امام حسن عسکری و فضایل و مناقب و اخبار و روایت رسیده از ایشان می‌پردازد. کتاب «مسند الامام العسکری» از سه فصل کلی تشکیل شده است. فصل اول در زندگانی امام حسن عسکری و فضائل و مناقب ایشان و نصوصی که بر امامت آن حضرت دلالت دارد و همچنین وقایع رخ کرده میان ایشان و خلفاء زمانش و نیز شهادت حضرت و برادرانش. فصل دوم، احادیث و روایاتی که از امام حسن عسکری درباره توحید، امامت، احکام و سنن و آداب که براساس موضوع و باب تنظیم شده‌اند که اولین باب «باب التوحید» و آخرین باب «باب الحکم و الآداب» می‌باشد. فصل سوم، معجم روایاتی است که از امام حسن عسکری حدیث کرده‌اند که تعداد آنها ۱۴۹ نفر می‌باشند. در این بخش اسامی روایان براساس حروف الفبا مرتب و در شرح حال آنها اندکی قلم زده شده است.



مسند حضرت عبدالعظیم حسنی

عزیزالله عطاردی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۲۱۱ صفحه، وزیری.



این اثر مجموعه احادیثی است که حضرت عبدالعظیم حسنی از ائمه اطهار نقل و روایت کرده است. حدیث مسند آن است که سلسله‌سند حدیث به پیامبر یا امامان معصوم برسد. این مجموعه که با عنوان «مسند عبدالعظیم حسنی» تدوین شده شامل ۱۲۰ حدیث است که با تفحص از مصادر اولیه حدیثی گردآوری شده و ترجمه فارسی هر روایت مقابل آن آمده است. در ابتدای کتاب، شرح حال عبدالعظیم حسنی و چهل تن از مشایخ حدیث او آمده و در پایان نیز فهرس فنی از جمله فهرست موضوعی برای مطالب تهیه شده است.



مشایخ فقه و حدیث در جماران، گلین و دُرُشت

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۲، ۲۴۶ صفحه، رقعی

مؤلف در آغاز کتاب با استفاده از متون تاریخی و اسلامی به بررسی تاریخچه شهرستان ری و نیز فتح ری بدست مسلمانان پرداخته است. و سپس موقعیت تجاری، سیاسی، فرهنگی شهر ری و علل توسعه و پیشرفت تشیع در ری و بویژه نقش بزرگ حضرت عبدالعظیم حسنی در نشر احکام و ترویج مذهب تشیع اشاره نموده است.

کتاب از سه بخش تشکیل گردیده است. بخش اول «مشایخ حدیث در جماران»

نویسنده در این بخش به شرح نام جماران در کتب حدیثی و جایگاه مسلمانان جماران و نقش آنها در هنگام تصرف ری و نیز جماران در حال حاضر پرداخته و سپس مشایخ جماران مانند: ابو عبیدالله جمارانی، عمران بن موسی، سهل بن زیاد رازی و... را معرفی نمودند.

«مشایخ کلین» عنوان بخش دوم است که نویسنده ابتدا به ویژگی جغرافیایی آبادی کلین و نیز کلین در کتب جغرافیایی و رجالی پرداخته و آنگاه توضیحاتی درباره مشایخ منطقه کلین چون: یعقوب بن اسحاق کلینی، محمد بن یعقوب کلینی، احمد بن ابراهیم کلینی، علی بن محمد بن ابراهیم کلینی و... ارائه داده است. در بخش سوم، وی ضمن بیان موقعیت جغرافیایی درشت و ذکر نام درشت در کتب حدیثی به سابقه تاریخی درشت اشاره نموده است و سپس به معرفی فقها و مشایخ اهل درشت پرداخته که اسامی برخی از آنها عبارتند از: محمد بن احمد درشتی، جعفر بن محمد درشتی، حسن بن جعفر درشتی، ابوتراب درشتی و...»

معجم البلاد والأمكنه (جلد ۱-۲)

عزیزالله عطاردی،

جغرافیا و شناخت کشورها و سرزمینها از قدیمی ترین دانشی است که مسلمانان بدان روی آورده و درباره آن کتب زیادی نوشته اند. اما از آنجاکه بسیاری از اصطلاحاتی که آنان در نگارش خویش از آن استفاده می کردند امروزه به فراموشی سپرده شده است یا اینکه بسیاری از اسامی مکان های مرور زمان دچار تغییر و تحول شده است و برای محقق و جوینده ای که از ابلا می متون قدیمی بدنبال آشنایی با سرزمین ها و ممالک می باشد امری مشکل است مؤلف را بر آن داشته که جهت استفاده هر چه بهتر پژوهندگان و محققین از کتب گذشته گان بویژه کتاب ارزشمند «تاج العروس» اصطلاحات و لغات جغرافیایی آن و نیز اسامی تمام اشخاص و مکان ها و کشورهای را که در کتاب «تاج العروس» آمده به ترتیب حروف الفبا استخراج و با سبکی روان به شرح و تفسیر آن بپردازد. یاد آور می شود نویسنده محترم در مقدمه مفصل خود بر این کتاب اسامی چهل نفر از دانشمندان مسلمان از قرن اول تا قرن دوازدهم (قرن تولد مؤلف تاج العروس) که در موضوع جغرافیا و شناخت کشورها تألیفاتی داشته اند همراه با آثار آنان و همچنین زندگی نامه مؤلف تاج العروس و ویژگی های علمی و شخصیتی و اساتید، تألیفات و سفرهای علمی ایشان را ذکر کرده است. و نیز برای آشنایی محققین هشتاد و پنج اصطلاح جغرافیایی که امروزه کمتر استفاده شده یا به فراموشی سپرده شده است را توضیحاتی ارائه داده است.

مفتاح تفسیر گازی یا فهرست جلاء الاذهان و جلاء الأحران

عزیزالله عطاردی، ناشر: سید جلال الدین محدث، چاپ اول، ۱۳۸۱ هجری - ۱۳۴۱ شمسی، ۱۷۶ صفحه، وزیری.

تفسیر شریف «جلاء الاذهان و جلاء الأحران» معروف به تفسیر «گازر» تألیف ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی، از بهترین تفاسیر شیعه به زبان فارسی محسوب می شود در این تفسیر در ذیل آیات به تناسب، مطالب بسیار ارزشمندی در موضوعاتی چون: قصص انبیاء، تاریخ پیشینیان، فتوحات صدر اسلام، موضوعات فقهی، حوادث تاریخی، گفتارهای اخلاقی، مباحث ادبی، شأن نزول آیات و سخنان سودمندی از محدثین و مفسرین گنجانده شده است. اما این تفسیر همانند بیشتر کتب گذشتگان فاقد هر نوع فهرستی بود. نویسنده محترم جناب آقای عطاردی جهت استفاده بیشتر محققین و سهولت دستیابی به محتوای آن تفسیر شریف به نگارش فهرست های ذیل اقدام نموده است.

- ۱- فهرست سور قرآن، که آغاز تفسیر هر سوره با شماره صفحه و جلد آمده است.
- ۲- فهرست قصص و موضوعات، که فهرست موضوعات نغز و قصه های گوناگونی است که در ضمن تفسیر بیان شده است.
- ۳- فهرست نام های اشخاصی که در این تفسیر ذکر شده است.
- ۴- نام های شهرها و مکان ها، که در این تفسیر آمده است.
- ۵- فهرست لغات و اصطلاحات که در پاورقی ها معنی شده است.
- ۶- فهرست کتاب های متن و حاشیه که مفسر و مصحح از آن نام برده اند.

◆◆◆

ترجمه ها

ایمان و کفر (ترجمه جلد ۱۵ بحار الانوار)

محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، ترجمه: عزیزالله عطاردی فوجانی، تهران،

عطاردی، چاپ اول، ۱۳۷۱، جلد ۲، ۶۶۲ + ۶۸۰ صفحه، وزیری.

اثر فوق ترجمه جلد پانزدهم بحار الانوار (از چاپ قدیم) یا کتاب ایمان و کفر است. حاوی روایت های ائمه معصوم: در زمینه های مختلف ایمان و کفر، که در ۴۵ فصل گردآوری و تنظیم شده است. مترجم در مقدمه طولانی به تاریخ تدوین حدیث در عصر حضور و عصر غیبت تا دوره علامه مجلسی پرداخته و بخشی را نیز به علامه مجلسی و کتاب بحار الانوار اختصاص داده است. روش مترجم (در ترجمه فارسی)، آوردن نام های راوی اصلی و معصوم و حذف نام های راویان دیگر است. نیز گاهی توضیحات تحلیلی، ذیل برخی احادیث آورده است. موضوع های ۱۴۵ فصل این کتاب را می توان در چند عنوان زیر خلاصه کرد: ویژگی ها و ابعاد ایمان و کفر، صفات مؤمنین و فضائل آنها، خصوصیات کفار، ایمان شیعیان، اعمال و کردار و رابطه آن با ایمان و کفر، مکارم اخلاق، رذائل و مفاسد، منجبات و مهلکات.

◆

چهره خونین حسین سید الشهداء یا داستان کربلا

سید عبدالرزاق المقرم، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات جهان، چاپ

سوم، ۱۳۶۸، ۴۸۰ صفحه، رقعی.

قیام حضرت سید الشهداء یکی از مهم ترین حوادث تاریخی جهان و بزرگ ترین وقایع عالم اسلام است. درباره این حادثه جانگداز ده ها هزار کتاب و مقاله نوشته شده، مورخین و نویسندگان مسلمان و غیر مسلمان در این موضوع بررسی های لازم را کرده اند. یکی از کتاب هایی که حادثه کربلا را به خوبی بررسی کرده و اطراف و جوانب، نهضت امام حسین را تحقیق نموده کتاب «مقتل الحسین» تألیف مرحوم علامه محقق سید عبدالرزاق موسوی مقرم می باشد که جناب آقای عطاردی با قلمی روان و زیبا متن این کتاب ارزشمند را از عربی به فارسی برگردانده است.

◆

حدیث کساء از طرق اهل سنت

علامه سید مرتضی عسکری، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات

عطاردی، چاپ اول، ۱۳۷۲، ۲۶ صفحه، رقعی.

اثر فوق ترجمه کتاب «حدیث کساء از طریق اهل سنت» تألیف علامه سید مرتضی عسکری است که مؤلف با استفاده از روایات وارده از اهل سنت به «اثبات حدیث کساء» پرداخته است.

◆

رهبر انقلاب خونین کوفه زید بن علی بن الحسین

سید عبدالرزاق الموسوی المقرم، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات

جهان، چاپ اول، ۱۳۹۶ هجری ۲۱۲ صفحه، رقعی.

قیام کربلا و شهادت امام حسین خونخواهی ها و انقلاب های خونین را بدنبال داشته است که برای انتقام خونخواهی امام حسین برپا شدند که یکی از آنها قیام زید بن علی بن الحسین در کوفه می باشد.

درباره قیام زید کتاب های زیادی به فارسی نوشته نشده است ولی به عربی خصوصاً در یمن کتب زیادی در این موضوع به چاپ رسیده است. یکی از کتب عربی پیرامون قیام زید بن علی بن الحسین کتاب زید شهید نوشته سید عبد الرزاق الموسوی المقرم نویسنده عراقی است که توسط آقای عطاردی به سبکی زیبا و روان ترجمه شده است.

◆

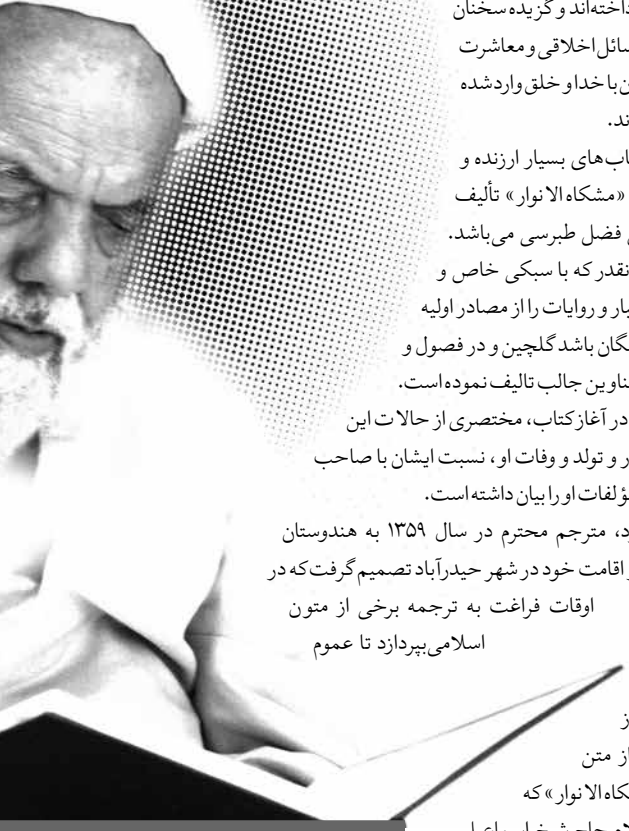
زندگی چهارده معصوم: ترجمه کتاب اعلام الوری بأعلام الهدی

امین الاسلام طبرسی، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات

اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ۶۱۱ صفحه، وزیری.

کتاب حاضر ترجمه کتاب «اعلام الوری» یکی از مشهورترین کتب شرح حال و سیره رسول اکرم و اهل بیت اطهار تألیف امین الاسلام شیخ طبرسی است. مطلب کتاب در چهار بخش تنظیم شده است. بخش اول اختصاص به شرح زندگی، حالات و خصوصیات، جنگها، صفات و معجزات رسول گرامی اسلام و نیز تاریخ زندگی، دلایل بخش دوم به زندگانی امیرالمومنین و دلایل امامت ایشان و معجزات، مناقب و فضایل و شهادت ایشان پرداخته است. بخش سوم به تبیین زندگانی، امامت، مناقب، معجزات، شهادت و... امام حسن مجتبی تا امام عسکری می پردازد. بخش چهارم در





امامت ائمه دوازده گانه و زندگی امام دوازدهم حضرت ولی عصر (عج) است که عناوین موضوعات آن عبارتند از:

اخبار و روایات عامه درباره ائمه دوازده گانه، روایات شیعه در عدد ائمه اثنا عشر، دلائل دیگری در امامت ائمه اطهار، امامت حضرت صاحب الزمان (عج)، دلیل امامت حضرت صاحب الزمان (عج)، اشخاصی که خدمت امام زمان (عج) رسیده اند، نصوص وارده بر غیبت حضرت صاحب (عج)، نصوص امامت حضرت صاحب از طریق پدر بزرگوارش، توقعات حضرت صاحب الزمان (عج)، علامات خروج صاحب الزمان (عج)، حکومت حضرت صاحب (عج)، شمائل حضرت مهدی (عج) و شبهات وارده در پیرامون غیبت. مترجم محترم در آغاز کتاب ضمن اشاره به توجه مسلمین به سیره نبی اکرم (ص) در عصر آن حضرت و در قرون گذشته و معرفی تعدادی از مهم ترین سیره نویسان چون؛ واقدی، یعقوبی، دینوری، طبری، به تبیین زندگی و خصوصیات علمی، فرزندان و احفاد و تالیفات طبرسی، مشایخ طبرسی، تلامیذ و روایان و... پرداخته و بیان داشته است که فضل بن حسن امین الاسلام طبرسی یکی از مفاخر شیعه است و درباره او هر چه گفته شود کم است. طبرسی یکی از محققین بی نظیر است که با گذشت چند قرن هنوز زنده و جاودان است. او در کلیه علوم و فنون عقلی و نقلی و معارف اسلامی دست داشته است و در هر رشته از فرهنگ و فضیلت متعهد بوده است. طبرسی فقیهی ارجمند، ادیبی چیره دست، مفسری بی نظیر، مورخی بیمانند، محدثی عالیقدر، متکلمی توانا و نویسنده بزرگ می باشد.

الغارات و شرح حال اعلام آن

ابراهیم بن محمد ثقفی، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۲۷۲، ۶۲۵ صفحه، وزیری

کتاب شریف «غارات» یکی از کهن ترین متون عربی و اسلامی است که اخبار و حوادث ایام امام علی را پس از جنگ صفین و قضیه حکمین جمع آوری کرده و در یک جا گرد آورده است و اکنون یکی از مأخذ و منابع مهم تلقی شده از آن جایی که هدف مؤلف در این کتاب آن بوده که غارت هایی که بعد از جنگ صفین و قضیه حکمیت به قلمرو امیرالمؤمنین و سرزمین های تحت تصرف او از طرف معاویه شده، یاد کنند آن را «الغارات» نامیده است که در این جا به معنی شبیخون و حمله غافلگیرانه می باشد.

مؤلف کتاب محدث بزرگوار حافظ عظیم الشان ابراهیم بن محمد ثقفی از بزرگان علماء و روایان و مصنفان گران قدر شیعه است و نام گرامی او در کتب رجال و تذکره های علماء و مصنفین آمده است. کتاب فوق از زمان های پیشین و ادوار گذشته مورد استفاده علمای بزرگ اسلام بوده و دانشمندان نامی و برجسته فریقین مطالب آن را در کتب خود نقل نموده اند تا آنجا که ابن ابی الحدید معتزلی بغدادی در شرح نهج البلاغه بسیاری از قصص و روایات آن را درج کرد و بر سایر کتب تاریخ مقدم شمرده است.

طبق تصریح علامه مجلسی و شیخ حر عاملی و محدث نوری و جمعی دیگر از فحول علمای ما این کتاب، مورد قبول و اعتماد فرقه حقه امامیه بوده و در شمار کتب معتبره به شمار رفته و احادیث و روایات آن در میان ایشان محل تمسک و مأخذ احکام واقع شده است. مترجم محترم در سال ۱۳۶۰ برای مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعات مورد نظر خود عازم هندوستان شدند تا در کتابخانه های آن کشور پهناور و سرسبز و خرم، مطالعات خود را تکمیل کند. در یکی از کتابخانه و در میان انبوه کتاب های فارسی، عربی و انگلیسی به کتاب «غارات» برخورد و از آن جایی که قبلاً با متن آن آشنایی داشته این کتاب نظرش را جلب کرده و تا آن روز هم کسی آن را ترجمه نکرده بود و سپس عازم منطقه کشمیر شده و به ترجمه کتاب شریف «الغارات» اقدام نموده است.

از مهم ترین مطالب کتاب می توان به خطبه حضرت علی بعد از جنگ نهروان، روش آن حضرت نسبت به اموال، روش آن حضرت نسبت به خودش، کارگزاران آن حضرت، ولایت قیس بن سعد بر مصر، ولایت محمد بن ابوبکر بر مصر، شهادت مالک اشتر، شهادت محمد بن ابوبکر و... اشاره کرد.

ترجمه مشکوٰۃ الانوار در اخلاق و مواعظ

علی بن حسن طبرسی؛ ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۲۷۴، ۲۲۲ صفحه، وزیری.

دانشمندان و محدثان شیعه از همان قرن اول هجری به جمع آوری اخبار و روایات وارده از خاندان عصمت و طهارت پرداختند و مجموعه های زیادی در این موضوع گرد آوردند. در میان این محدثان و محققان کسانی هستند که فقط به جمع آوری اخبار و احادیث وارده در مواعظ و آداب و سنن و زهد و عبادت پرداخته اند و گزیده سخنان اهل بیت را که در مسائل اخلاقی و معاشرت با مردم و رابطه انسان با خدا و خلق وارد شده جمع آوری نموده اند.

یکی از این کتاب های بسیار ارزنده و مفید کتاب شریف «مشکاه الانوار» تألیف علی بن حسن بن فضل طبرسی می باشد. وی در این اثر گرانقدر که با سبکی خاص و اسلوبی جامع، اخبار و روایات را از مصادر اولیه که مورد اعتماد همگان باشد گلچین و در فصول و ابواب متعددی با عناوین جالب تألیف نموده است.

مترجم محترم در آغاز کتاب، مختصری از حالات این محدث جلیل القدر و تولد و وفات او، نسبت ایشان با صاحب مجمع البیان و نیز مؤلفات او را بیان داشته است.

یادآور می شود، مترجم محترم در سال ۱۳۵۹ به هندوستان مسافرت کرده و در اقامت خود در شهر حیدرآباد تصمیم گرفت که در اوقات فراغت به ترجمه برخی از متون اسلامی بپردازد تا عموم

مردم بتوانند از آن استفاده کنند. از این رو نسخه ای از متن کتاب شریف «مشکاه الانوار» که توسط حجه الاسلام حاج شیخ اسماعیل رجبی، امام جماعت مسجد ایرانیان بمبئی در اختیار ایشان قرار گرفته و وی اقدام به ترجمه آن به فارسی نموده است.

ترجمه مواعظ صدوق (رحمه الله علیه)

عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول، ۱۲۷۲، ۱۵۸ صفحه، رقعی کتاب حاضر ترجمه «مواعظ صدوق» است که مترجم جهت تکمیل تاریخ خراسان و تحقیق و بررسی در کتابخانه های هند و پاکستان در سال ۱۳۴۵ رهسپار آن دیار گردید و به مدت هشت ماه در آن کشور به تحقیقات پرداخته و ضمن مطالعه و تحقیق در کتابخانه «ناصریه» هند رساله ای خطی از آثار شیخ صدوق (رضوان الله علیه) نظرش را جلب کرده و سپس اقدام به ترجمه روان آن نموده است.

مترجم، در آغاز کتاب ضمن بیان مختصری از حالات شیخ صدوق به تبیین زندگانی و مسافرت های ایشان به بغداد، شهر ری و خراسان و نیز سفرهای علمی به بلاد شرق و غرب جهان اسلام و دیدار با محدثین و رجال بزرگ در شهرهای سرخس، مرو رود، بلخ، بخارا، سمرقند و همچنین به دلایل انتساب این کتاب به شیخ صدوق پرداخته است. عناوین و سرفصل های کتاب عبارت اند از:

وصایای حضرت رسول به امیرالمؤمنین، سخنان حضرت رسول، سؤالات مردشاهی از امیرالمؤمنین، سؤالات زید بن صوحان از امیرالمؤمنین، وصیت امیرالمؤمنین به محمد حنفیه، مواعظ، وصیت ها، روایات و سخنانی از امام صادق، سخنی از حضرت سجاد، سخنی از موسی بن جعفر، سخنی از حضرت رضا، سخنان امیرالمؤمنین و روایتی از حضرت رضا در صفات امام.



النصائح الكافية يا اندرز به هواداران معاويه

محمدبن عقيل حصرمی؛ ترجمه: عزيز الله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۲، ۲۶۲ صفحه، وزیری.

این اثر ترجمه فارسی کتاب «النصائح الكافية لمن يتولى معاويه» تأليف سيد محمدبن عقيل علوی حصرمی است. کتاب حاضر در تاريخ زندگانی معاويه است. انگیزه نویسنده پاسخی است به برخی از شبهات در لعن بر معاويه و برخی از فضایل جعلی و دروغین او، مؤلف به شیوه توصیفی و با استناد به منابع تاریخی و با بیانی صریح، تاریخ زندگانی معاويه را بررسی کرده و به برخی از جنایات او، به ویژه در جنگ صفین و کشتن یاران رسول خدا و قتل و غارت شهرها و بدعت‌های او پرداخته است. وی همچنین به دیدگاه صاحب نظران اهل سنت از صدر اسلام تا به حال درباره معاويه اشاره کرده و نتیجه گرفته است که معاويه از همان ابتدا دنبال مطامع دنیوی خود بوده و چهره مزورانه خویش را با زور و زور و تزویر نشان داده است.

یادآور می‌شود مترجم دانشمند در سال ۱۳۸۳ هنگام اقامت در

نجف اشرف یکی از

مبارکه امیرالمؤمنین در محضر پرفیض علامه جلیل‌القدر و محقق مجاهد شیخ محمد باقر عابدی (رضوان الله علیه) مؤلف «الغدیر» و مؤسس کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف، ضمن گفت‌وگو با حضرت علامه متذکر شدند که در نظر دارنده کتاب «النصائح الكافية لمن يتولى معاويه» را ترجمه نمایند تا فارسی زبانان نیز از مندرجات این کتاب بهره‌مند گردند. علامه امینی تصمیم ایشان را پسندیده و به ترجمه آن تشویق و ترغیب فرمودند. سپس شخصاً از پشت میز کارش حرکت فرموده و به منزل خودشان تشریف بردند و یک نسخه از کتاب نامبرده را از کتابخانه شخصی خود آوردند و در اختیار مترجم محترم گذاشتند. مترجم دانشمند جناب آقای عطاردی در مقدمه با ارزش خود ضمن معرفی نویسنده بزرگ کتاب «النصائح الكافية» به جایگاه علمی و فضایل شخصی و نیز آثار و تألیفات او اشاره دارد.

♦♦♦

تصحیحات و تحقیقات

استناد نهج البلاغه للآستاذ امتیاز علیخان العرشى

(مقدمه و انتشار)، عزیزالله عطاردی، تهران، مطبعه الحیدری، چاپ دوم، ۱۳۹۲

هجری. ۸۷ صفحه، رقعى.

در این کتاب نویسنده به شبهات و اراده به نهج البلاغه و مؤلف آن سید شریف‌الرضی را با ادله محکم و فراوان پاسخ داده و مستندات نهج البلاغه را بررسی و تبیین نموده است. یادآور می‌شود مؤلف کتاب فوق «امتیاز علیخان عرشى» یکی از فضلا و محققان اسلامی است و در شهر رامپور هندوستان زندگی می‌کند. وی ریاست کتابخانه «سید مرتضی علیخان نواب رامپور» را به عهده دارد. ایشان کتاب ارزشمند «استناد نهج البلاغه» را به زبان انگلیسی نوشته و در هند چاپ کرده است و سپس این اثر را به زبان عربی ترجمه نموده است. جناب آقای عطاردی در سال ۱۳۷۸ هـ. که به هندوستان سفر کرده بود جناب آقای امتیاز علیخان

عرشى یک نسخه از این کتاب به ایشان اهدا نموده و آقای عطاردی نیز با نوشتن مقدمه‌ای بسیار با اهمیت بر این کتاب در ایران اقدام به چاپ و نشر آن نموده است.

♦

اعلام نهج البلاغه:

علی بن ناصر السرخسی، تحقیق: شیخ عزیزالله عطاردی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.، ۲۷۱ صفحه، وزیری، عربی.

نهج البلاغه از آغاز تدوین، مورد توجه عموم اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است، هرکسی در آن از زاویه‌ای نگریسته و هر صیادی در این دریای بی‌کران معرفت و دانش به صید مطلوب خویش دست یازیده است. کتاب فوق که به همت دانشمند ارجمند جناب آقای عطاردی تحقیق و به رشته تحریر درآمده است، شرحی دیگر بر نهج البلاغه است که از عالمی بزرگ از خطه خراسان به نام علی بن ناصر الحسینی السرخسی به زیور طبع آراسته گردیده است. آقای عطاردی تصحیح این شرح مختصر را بر پایه دو نسخه، یکی مربوط به کتابخانه ملی کلکته هند که به قلم یحیی بن احمد بن علی روشی در سال ۱۰۷۶ نوشته شده و در یک جلد به دستداران نهج البلاغه هدیه کرده است.

از زندگی شارح اطلاعات فراوانی وجود ندارد و بسیاری از زوایای زندگی مؤلف روشن نیست از نامه‌ای که فخرالدین رازی به وی می‌نویسد و آقای عطاردی متن نامه و پاسخ آن را در مقدمه کتاب آورده است، چنین پیداست که وی فردی حکیم و متکلم و از سادات و نقبای قرن ششم بوده است. با توجه به محتوای کتاب وی فردی ادیب و نکته‌سنج و دقیق بوده و این شرح را بیشتر به انگیزه توضیح و شرح کلمات مشکل نهج البلاغه و تبیین نکات بلاغی و ادبی آن تدوین کرده است. وی از هر خطبه قسمت کوچکی را آورده است و قسمت‌های برگزیده شده چنان ظریف و دقیق است که گویی مؤلف در پی استخراج قطعه‌های ضرب‌المثل و حکم از لابه‌لای خطبه‌ها در رساله‌های آن بزرگوار بوده است. در واقع این کتاب گزینش قطعه‌های بلیغ از دریای بلاغت نهج البلاغه است. مؤلف در خطبه‌هایی که مربوط به مسأله توحید است، تأمل بیشتری کرده و با تفصیل بحث کرده است. از این روی شرح خطبه اول نهج البلاغه و خطبه ۱۵۲ آن صفحات بیشتری را به خود اختصاص داده است. شرح از حد شرح لفظ و بیان لغات مشکله خارج و به بحثی کلامی - فلسفی کشانده شده و صبغه حکمی مؤلف بیشتر نمود پیدا کرده است.

استاد عطاردی با نگارش مقدمه‌های سودمند ضمن معرفی اجمالی مؤلف، بحثی در خصوص روایان نهج البلاغه و نکاتی در خصوص پاسخ پاره‌ای از اشکالات به ظاهر عملی و تحقیقی در مورد اصالت نهج البلاغه، آورده است که برای خوانندگان کتاب مفید و پر بهره است.

♦

التدوین فی اخبار قزوین (جلد ۱-۴)

عبدالکریم بن محمد رافعی، تحقیق: عزیزالله عطاردی، بیروت، دارالکتب العلمی، ۱۹۸۷ م. ۴۰۸/اق ۵۰۰+۵۰۸+۵۰۴ صفحه، وزیری.

«التدوین فی اخبار قزوین» از کاملترین کتابهای تاریخ رجال و محلی ایران است. که توسط محقق ارجمند جناب آقای عطاردی تصحیح و تحقیق گردیده و در بیروت به شکلی زیبا و مطلوب به چاپ رسیده است.

رافعی «التدوین» را به زبان عربی نگاشته و مقدمه آن را به چهار فصل تقسیم کرده است ۱- در فضائل قزوین و خصوصیات آن ۲- درباره نام قزوین ۳- در کیفیت بنای قزوین ۴- درباره مساجد، مقابر، و مدارس شهرستان قزوین، مؤلف سپس به ذکر کسانی که از اصحاب رسول خدا (ص) و تابعین پرداخته که به قزوین وارد شده‌اند. پس از این مقدمات رافعی به متن اصلی کتاب و ذکر رجال منطقه قزوین پرداخته است. ایشان در فهرست بندی نام رجال، دو عامل اصلی را ملاک کار خود قرار داده است. نخست: ترتیب الفبائی نام شخص. دوم: ترتیب الفبائی نام پدر.

یکی از فوائد مهم این کتاب ذکر نام و استفاده از کتابها و منابعی است که به هر مناسبت از آنها یاد کرده است بنابراین چنانچه این کتابها به طور دقیق و کامل از «التدوین» استخراج شود، خود رساله کتابشناختی مستقل و با اهمیتی را تشکیل خواهد داد که در رشته‌های مختلف علوم قرآنی، کلام، حدیث و عرفان حاوی اطلاعات سودمند و مفیدی می‌تواند باشد. یکی دیگر از فوائد «التدوین» ذکر خاندانهای کهن چون اسماعیلیان، دیلمیان، لنگریان، مسافریان، خاندانهای کرجی، جستانیان، سالاریان کا کویان جبال، ترکان،



خزران، ... همچنین ذکر مشاهیر حکمت و عرفان و ادب چون: ابو حامد غزالی، ابن فارس لغوی و (کتابخانه معروف او)، فخرالدین رازی، ابوسعید ابی الخیر، خاقانی شاعر، ابو حامد غزنای سیاح مشهور اندلسی، حافظ ابوالعلا عطار همدانی، اعلام و محدثان سده ششم و نیز ذکر اسامی بسیاری از بلاد، روستاها، مساجد، مدارس، رودها و قنوت منطقه قزوین که در جای خود مهم و سودمند است. «التدوین» در عین حال که یک اثر رجالی و تاریخی بزرگ به شمار می رود، از فوائد ادبی و فقهی و روانی نیز خالی نیست و مباحث فقهی به بهانه های مختلف در التدوین مطرح شده است.



جغرافیای نیمروز

ذوالفقار کرمانی: تصحیح: عزیزالله عطاردی، تهران، عطار، با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۴

کار آمارگیری و جمع آوری اطلاعات آماری در ایران به طور رسمی ظاهر از زمان ناصرالدین شاه قاجار آغاز شده است. حکومت مرکزی برای کسب اطلاع از تعداد نفوس، خانوار، دام، و سایر امور طبیعی و انسانی کشور افرادی را به مناطق گوناگون می فرستاد تا از نتیجه تحقیق و بررسی آنها استفاده کند. البته ناگفته نماند که این افراد معمولاً از میان فارغ التحصیلان دارالفنون که در آن زمان تنها مرکز رسمی علوم و فنون نوین بشمار می آمد انتخاب می شدند. از جمله کسانی که به چنین کاری گماشته شد، جواد بن موسی خراسانی بود که پس از مطالعه و تحقیق در منطقه خراسان، نتایج مطالعات خویش را در کتاب اشراق السیاحه گرد آورد.

در همان زمان شخص دیگری به نام «مهندس ذوالفقار کرمانی» به همین منظور راهی سیستان شد تا با ترسیم حدود این ولایت، خصوصیات جغرافیایی آن را تبیین کند. وی طی سفری پر مخاطره به سیستان، اطلاعات مربوط را در کتاب جغرافیای نیمروز به ثبت رساند. نسخه ای از این کتاب که ظاهرًا منحصر به فرد باشد و با خط نستعلیق نگاشته شده است، توسط یک زرتشتی به نام «بنده یزدان مانکچی درویش فانی» وقف انجمن زرتشتیان بمبئی شده و در کتابخانه «ملا فیروز» این شهر نگهداری می شود. محقق گرامی جناب آقای عزیزالله عطاردی با تهیه میکروفیلمی از این نسخه به تصحیح آن همت گماشته، آن را برای چاپ آماده کرده است. همانگونه که از مقدمه مصحح محترم بر می آید، به گفته برخی از آگاهان و متخصصان آماری، نخستین کتابی که در مورد اطلاعات آماری در ایران نوشته شده، همین کتاب است و به همین جهت از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

یادآوری مجدد این نکته ضروری است که جغرافیای نیمروز ضمن در بر داشتن اطلاعاتی دقیق پیرامون سرزمین سیستان (از قبیل تعیین حدود جغرافیایی این ولایت، ذکر کوهها، جلگه ها، کویرها، آبها، مردابها، باتلاقها، جنگلها، بیشه ها، مرتعا، شهرها، آبادیها، آثار باستانی، دژها و قلعه ها، عشایر و قبایل گوناگون، پیشه ها و حرفه ها، نوع محصولات کشاورزی و تعداد و نوع دامها، تعداد خانوارها و نفوس و خصوصیات انسانی و جغرافیایی و...) از آنجاکه به شیوه یادداشت روزانه و گزارش گونه نوشته شده است می تواند به عنوان سفرنامه ای علمی معرفی گردد.



حداث الحقایق فی شرح نهج البلاغه (جلد ۲-۱)

قطب الدین الکیذری البیهقی؛ تحقیق: عزیزالله عطاردی، تهران، بنیاد نهج البلاغه؛ نشر عطار، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۶۹۸+۷۰۹ صفحه، وزیری.

«حداث الحقایق فی شرح نهج البلاغه» تألیف دانشمند بزرگ قرن ششم علامه قطب الدین کیذری بیهقی است. این کتاب در نزد اهل علم و ادب از ارزش والایی برخوردار است به طوری که هر محقق بیخواد در باره نهج البلاغه تحقیق کند به این کتاب مراجعه می نماید. علماء و دانشمندان زیادی در کتب خود از این شرح استفاده نمودند من جمله: ابی الحسن علی بن زید بیهقی در کتاب معارج نهج البلاغه، قطب راوندی در منهاج البراعه و امام احمد بن محمد الوبری الخوارزمی در شرح خود. در این کتاب بسیاری از علوم و معارف الهی، آداب اسلامی مباحث کلامی، خلافت و امامت و... تبیین و نیز لغات و الفاظ مشکل نهج البلاغه در موضوعاتی چون: طب، نجوم، تاریخ و قصص، اخبار و روایات، اشعار و... تشریح گردیده است.



ویرایش: دکتر سید محمد تقی حسینی

محقق ارجمند و پرتلاش جناب آقای عطاردی در مقدمه پر محتوای ۶۲ صفحه ای خود بر این کتاب به نکات بسیار مهمی در باره کتاب ارزشمند نهج البلاغه و مؤلف آن و نیز مؤلف این کتاب «حداث الحقایق» اشاره نمودند که عنوان این عبارتند از:

ارزش و اهمیت نهج البلاغه، سخنان علماء و بزرگان در باره نهج البلاغه، موضوعات مطرح شده در نهج البلاغه، اجازات نهج البلاغه، شبهات در باره نهج البلاغه، علم غیب در نهج البلاغه، سجع در نهج البلاغه، اصطلاحات فلسفی، اصولی و کلامی در نهج البلاغه، مولف نهج البلاغه، سخنان نویسندگان در باره سیدرضی، ولادت، تربیت و تعلیم و دیانت سیدرضی، جایگاه سیدرضی در شعر و ادب، مناصب سیاسی و اجتماعی سیدرضی، آثار و تألیفات، اساتید، شاگردان، پدر و مادر سیدرضی و نسخه های نهج البلاغه. محقق در پایان مقدمه توضیحاتی در باره شارح و آثار علمی و ادبی ایشان و نیز اساتید و نسخه های «حداث الحقایق فی شرح نهج البلاغه» ارائه دادند.



شرح نهج البلاغه لشارح محقق من اعلام القرن الثامن

تحقیق و تصحیح: عزیزالله عطاردی قوجانی، ناشر: تهران، بنیاد نهج البلاغه؛ انتشارات عطار، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۵۲۰ صفحه، وزیری.



شرح و تفسیر برخی از خطبه های نهج البلاغه است. این کتاب که از روی نسخه منحصر به فرد آن در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی به زیور طبع در آمده است، از منابع قرن هشتم هجری است و نویسنده آن مجهول است. تنها در برخی از کلمات خود تصریح کرده که ملازم وزیر معروف سلطان محمد خدابنده رشیدالدین همدانی بوده است. نویسنده پس از ذکر متن خطبه ها و سپس ترجمه و تفسیر لغوی واژه ها، نکات صرفی و نحوی را به صورت جداگانه آورده است. در مرحله بعد معانی جملات آن حضرت مورد شرح و تفسیر قرار می گیرد. محقق در مقدمه مفصل خود به ویژگی های نهج البلاغه، شبهات و اجازات نهج البلاغه و مؤلف آن و نیز زندگانی و ویژگی های علمی و اخلاقی او پرداخته است.



کلمات مکنونه من علوم اهل الحکمه والمعرفه

محمد محسن فیض کاشانی، تصحیح و تعلیق: عزیزالله عطاردی قوجانی، تهران، فراهانی، ۱۳۴۲، ۲۵۵ صفحه، رقعی.

این اثر به سبک و روش اهل طریقت و عرفان نوشته شده، مطالب و موضوعات آن مبتنی بر اصول و عقاید عرفان و اهل باطن است. در این کتاب اخبار و روایاتی از کتب معتبره مانند کافی و تألیفات شیخ صدوق نقل شده لکن بر طبق روش اهل طریقت و عرفان تعبیر و تفسیر شده است و نیز اخبار و روایاتی از ائمه آورده شده است که در کتب حدیث و مشایخ روایت چه قدیم و چه جدید وجود ندارد. محقق و مصحح ارجمند جناب آقای عطاردی در مقدمه خود بر این کتاب ضمن تبیین جایگاه بلند علمی و عرفانی محقق بزرگ «فیض کاشانی» مطالب مختصری از زندگی ایشان و سخنان علمای بزرگی چون: شیخ حر عاملی، محدث نوری، محدث قمی، علامه امینی و... در باره فیض و نیز علامه فیض و صدرالمتألهین، محقق فیض و معاصرین، فیض و تصوف و عرفان و فیض و کلمات مکنونه بیان داشتند.



منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه شیخ الجلیل قطب الدین الراوندی (جلد ۱-۱) تحقیق و تصحیح: عزیزالله عطاردی

مصحح این کتاب را از روی سه نسخه خطی ۱. کتابخانه آستان قدس رضوی ۲. کتابخانه ملک تهران ۳. کتابخانه مجلس شورای اسلامی تصحیح نموده است.

مصحح در مقدمه طولانی بر این کتاب مطالب مفیدی را به شرح زیر آورده است که خود تألیف مستقلی است و بر ارزش کتاب افزوده است.

ابتدا سخنان عده ای از دانشمندان را پیرامون نهج البلاغه ذکر نموده و اجازات مؤلف نهج البلاغه را بیان نموده و سپس شبهاتی را پیرامون نهج البلاغه ذکر نموده و به پاسخ آنان پرداخته است. آنگاه به بیان زندگی نامه مؤلف نهج البلاغه شریف رضی و سخنان دیگران در باره وی و جایگاه علمی و ادبی و سیاسی و آثار و تألیفات و اساتید و شاگردان او پرداخته است. در پایان مقدمه نیز زندگی نامه و آثار علمی و مشایخ و تلامذه و فرزندان شارح نهج البلاغه و نویسنده کتاب «منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه» یعنی قطب راوندی فراهم آمده است.



گفت و گو با استاد عطاردی

- ◆ رونمایی از نخستین جلد «مسند امام علی (ع)» اثر استاد عطاردی
- ◆ مسند امام علی (ع)؛ آخرین مسند از مسانید اهل بیت (ع)، اثر استاد عطاردی
- ◆ مروری بر آثار استاد عطاردی در گفت و گو با ایشان

رونمایی از نخستین جلد «مسند امام علی (ع)» اثر استاد عطاردی

وی در بخش دیگری از سخنان خود به بیان سابقه و تاریخچه موسسه فرهنگی خراسان پرداخت و هدف آن را نشر آثار علمای خراسان عنوان کرد.

استاد عطاردی توضیح داد: این مرکز در سال ۱۳۷۰ تأسیس شده و اولین کتاب آن «تاریخ آستان قدس» بود که به خاطر امام رضا (ع)؛ دل و مغز خراسان منتشر شد و تاکنون نزدیک به ۸۰ جلد کتاب در این موسسه چاپ شده است.

وی تأسیس هیأت علمی و کسب مجوز انتشار مجله‌ای از سوی این موسسه را از اهداف خود بیان کرد و افزود: برای این کار نیازمند حضور جوانان و شخصیت‌های فرهنگی هستیم.

حجت الاسلام نورالهیان که اداره‌ی جلسه را به عهده داشت، از استاد عطاردی سئوالی مبنی بر اینکه به کدام اثر خود بیشتر علاقه دارید، پرسید که وی در پاسخ از نسخه نهج البلاغه خود نام برد.

همچنین دکتر «محمد رجبی» رئیس موسسه‌ی فرهنگی «اکو» آمادگی خود را برای ایجاد ارتباط بین علما و دانشمندان برخی از کشورهای عضو اکو و موسسه‌ی خراسان و استاد عطاردی اعلام کرد و گفت: استاد عطاردی به نوعی تاریخ گمشده‌ی این کشورها را زنده کرد.

استاد حاج شیخ عزیزالله عطاردی با بیش از نیم قرن تلاش خستگی ناپذیر علمی، در جهت اعتلای فرهنگ تشیع در ایران، کارنامه‌ای درخشان در عرصه‌ی پژوهش، تألیف، تصحیح و ترجمه دارد و با بیش از پنجاه عنوان اثر در یکصد مجلد، از نوادر روزگار به شمار می‌رود. قابل ذکر است با انتشار کامل مجموعه‌ی ۲۷ جلدی مسند امام علی (ع)، مجموعه مسندهای آستان عطاردی در باره‌نامه با ۷۰ جلد به پایان می‌رسد.

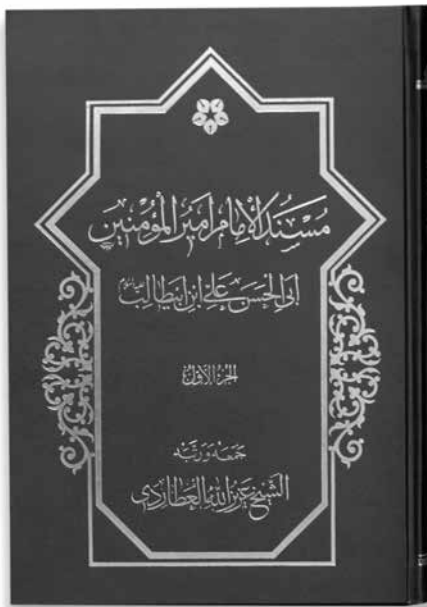
گروه‌اندیشه: مراسم رونمایی از نخستین جلد مسند ۲۷ جلدی امام علی (ع)، اثر استاد «عزیزالله عطاردی» ششم مرداد ۱۳۸۶ در موسسه فرهنگی خراسان برگزار شد. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، در این مراسم علاوه بر استاد عطاردی، حجت الاسلام «نورالهیان» رئیس سازمان مدارس و حوزه‌های عملیه خارج از کشور، «احمد مسجدجامعی» رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران، «احمد جلالی» رئیس کتابخانه ملی و نماینده سابق ایران در یونسکو، مهندس «باقریان» رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه و مشاور حجت الاسلام خاتمی، «طه عبدخدایی» اولین رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، «مرتضی رضایی‌زاده» معاون خبرگزاری قرآنی ایران و تعدادی از مدیران حال حاضر و سابق فرهنگی کشور حضور داشتند.

استاد عطاردی در ابتدای این جلسه با بیان این مطلب که مسندنویسی مختص به اهل سنت نبوده و در بین علمای شیعه نیز مرسوم بوده است، به بیان تاریخچه‌ای از آن پرداخت.

وی تصریح کرد: جریان‌های فکری و سیاسی قرن سوم و چهارم که بیشتر تحت تأثیر خلفای بنی عباس بودند، در مسیر این حرکت انحرافی به وجود آوردند.

این محقق و پژوهشگر در بخش دیگری از سخنان خود درباره‌ی منابع و کتب مورد استفاده در تألیف مجموعه‌ی مسند امام علی (ع) توضیحاتی ارائه کرد.

عطاردی، کتاب‌های تاریخ و سیره‌نامه، کتب بزمی و... را از جمله‌ی منابع این اثر ذکر کرد و افزود: تمام منابع این مسند و دیگر مسانید اهل بیت (ع)، منابع اصیل اسلامی و کتب علمای قدیم بوده است.



مَسْنَدُ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ

آخرین مسند از مسانید اهل بیت (ع)، اثر استاد عطاردی

گروه‌اندیشه: «مسند امام علی (ع)» نام آخرین مسند از مسانید اهل بیت (ع)، اثر استاد «عزیزالله عطاردی» است که خود نخستین جلد از یک مجموعه ۲۷ جلدی است. بانگارش این مجموعه، مسندهای ائمه (ع) با ۷۹ جلد به پایان می‌رسد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، استاد عزیزالله عطاردی با بیش از نیم قرن تلاش خستگی‌ناپذیر علمی، در جهت اعتلای فرهنگ تشیع در ایران، کارنامه‌ای درخشان در عرصه‌ی پژوهش، تألیف، تصحیح و ترجمه دارد و با بیش از پنجاه عنوان اثر در یک صد مجلد، از نوادر روزگار به شمار می‌رود.

مراسم رونمایی از نخستین مجلد «مسند امام علی (ع)» آخرین مسند از مسانید اهل بیت (ع)، اثر ایشان، چندی قبل در مؤسسه‌ی فرهنگی خراسان برگزار شد.

در این نشست که حجت‌الاسلام «نوراللهیان» رئیس سازمان

مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور اداره‌ی آن را به عهده

داشت، شخصیت‌هایی از جمله «احمد مسجدجامعی»

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر تهران،

«احمد جلالی» رئیس کتابخانه‌ی ملی و نماینده سابق

ایران در یونسکو، مهندس «محمد باقریان» رئیس سابق

سازمان امور اداری و استخدامی کشور، «طه عبدخدایی»

اولین رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و

گردشگری و «مرتضی رضائی‌زاده» معاون خبرگزاری قرآنی

ایران (ایکنا) حضور داشتند و استاد عطاردی توضیحاتی در رابطه با تاریخچه مسندنویسی در بین علمای شیعه، چگونگی نگارش مسند امام علی (ع) و خاطراتی از سفرهای شان جهت نگارش و تألیف دیگر آثار ارائه داد.

متن ذیل حاصل گفت‌وگوی حاضران در این مراسم با استاد عطاردی است که از خاطراتان می‌گذرد.

حجت‌الاسلام نوراللهیان: لطفاً از خاطرات خود از این کتاب بگویید. مسندنویسی بیشتر کار اهل سنت بوده، چه طور شد شما به این فکر افتادید؟



تاریخچه مسندنویسی

«البته ما (شیعه) هم در قدیم مسندنویسی داشته‌ایم، ولی گم شده و از بین رفته است. در قدیم کلمه‌ی «مسند» بوده است، ولی کم‌کم اسامی دیگر آمد. «تهدیب»، «استبصار»، «کافی»، «من لایحضره الفقیه» و... نوشته شد. البته کتب حدیثی (اهل سنت) نیز همه مسند نیستند، آن‌ها صحاح دارند؛ صحیح «بخاری» دارند، صحیح «مسلم» دارند. سنن «ترمذی» دارند، سنن «سجستانی» دارند. آن‌ها کتاب‌هایی به نام «مصنف» دارند. آن‌طور که من اطلاع دارم، کتاب‌نویسی و جمع‌آوری اخبار و احادیث در آغاز اسمش «مصنف» بوده است؛ مثل مصنف «ابن ابی شیبه»، مصنف «عبدالرزاق» بعد مدتی اصطلاح «مسند» آمد؛ مثل «مسند ابن حنبل»، «مسند «طبالسی»، «مسند «اسحاق بن راهویه»، «مسند «دارمی» و پس از مدتی کلمه «صحاح» آوردند، به قول خودشان اخباری که صحیح و

درست است؛ مثل صحیح «بخاری» و صحیح «مسلم»، بعضی عنوان «سنن» به آن دادند؛ مثل «نسائی»، «ترمذی» سنن «ابوداود سجستانی»، سنن «ابن ماجه قزوینی»، این آثار همه به جمع روایات و آثاری از پیامبر (ص) و قدیم هم از اصحاب برمی‌گردد.

«ولی خوب عواملی در زمان بنی عباس پیدا شدند که جریان‌های فکری و سیاسی پیش آمد و این جریان‌ها بر مؤلفین اثر گذاشت؛ مثلاً نخستین کتابی که مادر میان اهل سنت داریم،

مصنف «عبدالرزاق» است. این کتاب در ۱۴ مجلد حدود ۲۰ سال پیش در آفریقای

جنوبی چاپ شده است و تاکنون چاپ نشده بود.»

«همچنین «عبدالرزاق صنعانی» که یک مسلمان معتدل بوده، در مصنف خود

از اهل بیت (ع) از حضرت علی (ع)، امام جعفر صادق (ع) و امام محمدباقر (ع)

حدیث نقل کرده است یا «ابوبکر بن ابی شیبه» یک کتاب در ۱۴ جلد دارد که اسمش

«مصنف» است. ایشان هم در اواخر قرن دوم به دنیا آمده و در اوایل قرن سوم این کتاب

را نوشته است.»

«این‌ها تعدد همه‌گونه روایات داشته‌اند، ولی بعد عواملی پیش می‌آید و این دو کتاب

را به خاطر جریان‌های فکری یا سیاسی از صحنه بیرون می‌کنند. حالا چه جریان‌های

فکری یا سیاسی بوده، به خاطر این‌که در این کتاب‌ها اخبار و احادیثی بوده که گروهی از

رهبران زمان از اصحاب فکر و اندیشه یا از اصحاب سیاست نخواستند این اخبار باشد و

بعد میدان را برای «محمد بن اسماعیل بخاری»، «مسلم بن حجاج نیشابوری» و «ابو

عبدالرحمن نسائی»، «ابوداود سجستانی» و «ابن ماجه قزوینی» که همه ایرانی هستند



باز کردند. آن دو عرب بودند، ولی این ها همه ایرانی هستند. از این ها یک نفر سیستانی، سه نفر خراسانی، یک نفر هم قزوینی هستند و کتاب هایشان مقتدای اهل سنت است.»
 «تمام این فسادها نیز از دربار خلفای بنی عباس بیرون می آمده. اشخاص خود فروخته در آن جا جمع شده بودند و صاحبان اندیشه را منحرف و تحریم می کردند.»
 «این دو کتاب اصلاً در جامعه ای اسلامی مطرح نشد؛ یعنی مصنف «عبدالرزاق» و «ابن ابی شیبیه» اصلاً روی صحنه نیامد و متروک شد. تعجب است که این کتاب را در دهه ۴۰ یک هندی به نام «عبدالرحمن ندوی» در بمبئی چاپ کرد. ندوی های یک خانواده در هند هستند که این کتاب را چاپ کردند، مراکز حساس از این کتاب خوش شان نمی آید و حالا این هندی چه اندیشه ای داشت که آن را چاپ کرد، نمی دانم.»

«کتاب «عبدالرزاق صنعانی» را عده ای حدود ۳۰ تا ۳۵ سال پیش در آفریقای جنوبی چاپ کردند؛ یعنی این دو کتاب نه در مصر چاپ شده، نه در بیروت، نه در کشورهای عربی، نه سعودی، بلکه یکی در هند و یکی در آفریقای جنوبی چاپ شده است. بنابراین این ها حاصل یک جریان های فکری و سیاسی بوده است. از قضا راوی «عبدالرزاق صنعانی» یک شخص تهرانی از ری به نام «محمد بن حماد تهرانی» و از قدیمی ترین محدثین است که جزو شاگردان «عبدالرزاق» بوده است.»

«این کتاب ها در حوزه های علمیه وارد شدند. شما اگر به هر حوزه از حوزه های علمیه اهل سنت بروید، می بینید که «صحیح بخاری» می خوانند، «صحیح مسلم» می خوانند و همه «صحاح سته» می خوانند، و این جور کتاب ها اصلاً مطرح نیست. بعدها افراد دیگری هم کتاب نوشته اند؛ مثلاً ما یک «ابو عبدالله نیشابوری» داریم به نام «حاکم». این «حاکم نیشابوری» مردی بسیار بزرگ و از علمای اواخر قرن چهارم است. این شخص در حدیث درجه ی اول است و کتابی به نام «مستدرک الصحیحین» نوشته است؛ یعنی روایاتی را نقل کرده که «بخاری» و «مسلم» نقل نکرده اند. این کتاب در حیدرآباد حدود صد سال پیش چاپ شده است و اخیراً هم در بیروت افست شده است که من آن را دارم.»

«این مرد بزرگ با چه شهامت و جسارتی وارد میدان شده و چهار جلد رحلی بزرگ به نام «المستدرک علی الصحیحین» چاپ کرده است. این مرد حرفش این است که این روایت ها که من در این کتاب نقل کرده ام، براساس روشی که صحیحی داشته اند، تمام رجالی است که آن ها به آن رجال استناد کرده اند ولی چرا آن ها را نقل نکرده اند؟ می گوید: شما که در صحیح بخاری به این سند و روایت همه را نفع و مقبول القول می دانید، به چه دلیل این احادیث را نیابورده اید؟ اگر آن ها آدم خوبی بوده اند، چرا این احادیث را نیابورده اید؟ اگر بد بودند، چرا آنجا آورده اید؟ علی شرط الشیخین در واقع رسوا کردن این دو تاشیخ است که معنی آن این است که شما غرض داشته اید، حاکم نیشابوری در این کتاب بسیاری از فضائل علی (ع) را نقل می کند، اخباری از امام جعفر صادق (ع) و امام محمد باقر (ع) نقل می کند. می گوید: هر چه من نقل می کنم، علی شرط شیخین است؛ یعنی شما این طریق روایات را قبول دارید، ولی چرا آن جا آوردید، این جا نیابوردید.»

«روی هم رفته جریان های فکری که در قرن سوم و چهارم هجری بوده و جریان هایی سیاسی که اغلب از دربار خلفای بنی عباس و حکام و امرایی که سیاست آن ها را تعقیب می کردند، در این کتاب ها راه پیدا کرده و این کتب در جامعه آمده و جا افتاده است.»



مصادر مسند امام علی (ع)

«مادر این کتاب (مسند امام علی)، اخبار علی (ع) را از همه مصادر نقل کرده ایم. ما ۶ کتاب صحیح داریم، تعدادی هم مسند داریم؛ مثلاً مسند «احمد بن حنبل» ۶ جلد دارد و با خطر بیز نوشته شده است که من تمام اخبار علی (ع) را از آن نقل کرده ام. در میان این ها از همه منصف تر «احمد بن حنبل» است. «احمد بن حنبل» احادیث زیادی از علی (ع) نقل کرده و بسیاری از فضائل ایشان را مطرح کرده است، به قول مرحوم «طباطبایی (ره)» اگر «احمد بن حنبل» این ها را جمع نکرده بود، از بین می رفت. از این جهت از «احمد بن حنبل» همیشه به نیکی یاد می کرد، چون صاحبان «صحاح ست» این اخبار را نوشتند، ولی «احمد» نوشته، کمی شهامت داشته، چون خیلی مطالب دارد که ما از آن نقل کرده ایم. «احمد بن حنبل» معاصر با مأمون بوده و اصالتاً مروزی بود. اصلاً خودش خراسانی است و بعضی گفتند بچه بود که به بغداد رفت و روی



و من و غیره، گاه الفت است و شیخ، بر ابی طالب مطهری

هم رفته با پدراناش ساکن مرو بودند و در زمان مأمون ساکن بغداد شدند.»

«همچنین کتاب های دیگری هست که دیگران نوشته اند؛ یکی از محدثین از طبران شام یا از فلسطین است، (طبریه الان هم هست، جزو فلسطین است.) یک نفر از این طبریه در قرن ۴ و ۵ پا گذاشت و چند کتاب به نام «معجم کبیر»، «معجم صغیر» و «معجم اوسط» نوشت. این ها از کتاب های بسیار معتبر در میان اهل سنت است و تمام این کتاب ها را در یک جا به نام «مجمع الزوائد» جمع کرده است. اهل سنت کتب دیگری به نام مسند «ابو یعلی» و مسند «بزاز» دارند. این ها کتاب های مختلفی است که بعد از «صحاح سته» نوشته شده و همه این ها را شخصی به نام «نور الدین علی الهیثمی» که اهل شام است، جمع کرده است و با حذف سند در کتابی به نام «مجمع الزوائد» گرد آورده است، من از همه این کتاب ها استفاده کرده ام؛ یعنی همه متون احادیثی که مورد اعتبار و توجه حوزه های اهل سنت است را در این کتاب (مسند امام علی) ملحوظ کرده ام.»

«همچنین مجموعه هایی در قدیم بوده که علما و رجال از قدیم داشته اند و خارج از این کتاب ها است. اخبار آن ها در این کتاب ها نیامده و در جزوه هایی بوده که از قرن دوم و سوم هجری در دسترس علما بوده است. گروهی، از این جزوه ها استفاده کرده اند، مقداری از این جزوه ها را صاحب «التدوین» در قزوین داشته و مقداری هم فرد دیگری داشته، من این اخبار پراکنده را از همین مصادر موجود در آورده ام بنابراین هر آن چه در کتب روایی از علی (ع) نقل شده است، بیرون کشیده ام.»

«اما این ها که عرض کردم همه کتب حدیثی است. از امام علی (ع) یک سلسله روایت ها و شرح زندگی در کتاب های تاریخی؛ مثل «تاریخ طبری»، کتاب «اخبار الطوال» اثر «ابوحنیفه دینوری»، کتاب «الامامی و السیاسی»، تاریخ «مروج الذهب» مسعودی، «مغازی» و «واقعی»، «سیره ابن هشام»، کتاب «یعقوبی» که مورخ معاصر امام رضا بوده است و غیره که من تمام اخبار علی (ع) را از این کتاب ها خارج کرده ام.»

«نکته مورد توجه درباره «واقعی» این است که نوشته هایش بسیار مورد قبول خاورشناسان است. وی معاصر مأمون بوده است و به تمام سرزمین هایی که پیامبر (ص) بوده و یا جنگ کرده اند، سفر کرده و آن ها را از نزدیک با چشم خود دیده بود. شخصی می گوید: من «واقعی» را در مکه دیدم که مقداری آذوقه به همراه داشت و گفت: می خواهم به حنین بروم تا مکانی را که پیامبر در آن جا جنگیده از نزدیک ببینم.»

«پس من همه کتب حدیث، سیره، تاریخ، مغازی و در واقع امهات کتبی که در این باره در اسلام اعم از شیعه و سنی وجود دارد را دیده و از آن ها نقل کرده ام.»

«کتاب های دیگری که از علی (ع) در آن بحث شده است، «اخبار بلدان» است. در بین مسلمان ها از قدیم رسم بوده که هر طیف برای شهر خود تاریخ می نوشته است، از آن ها تعدادی مانده و بسیاری هم گم شده است؛ مثلاً شهرهای خراسان اغلب تاریخ داشته اند، من فهرستی دارم که ۳۶ کتاب

- برای خراسان
 بوده است، بخارا
 ۳ تاریخ،
 سمرقند ۲
 تاریخ، ترمز،
 خوارزم، ابیورد و
 نیشابور، نساء
 و ...
 همه



کتاب داشته‌اند ولی از بین رفته است. الان آن چه که در دست مانده و استفاده می‌کنیم، اخبار اصفهان و... است. اگر چه اسم آن، تاریخ اصفهان است، ولی به مناسبت در آن جازا شخصی نام برده شده که از علی (ع) حدیث نقل می‌کنند.»

«از جمله کتب اخبار بلدان، «التدوین» رافعی است که درباره‌ی قزوین نوشته شده یا تاریخ «جرجان» که تاریخ گنبد کاووس است (اسم اصلی جرجان برای گنبد کاووس است نه این گرگان فعلی. اسم اصلی گرگان استرآباد بود. ما یک گرگان داشتیم و یک گرگانک. گرگانک که به عربی می‌شود جرجانیه و الان بخش قدیم آن در ترکمنستان است و بخش بعدی آن در ازبکستان است.) در این‌ها نیز از علی (ع) احادیث بسیاری روایت شده است؛ مثلاً در «التدوین» رافعی نزدیک به چهارصد حدیث از علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام محمدباقر (ع)، امام جعفر صادق (ع) و امام رضا (ع) داریم که به مناسبت‌هایی در این کتاب نقل شده است و من از همه این روایت‌ها استفاده کرده‌ام.»

«یکی از کتاب‌هایی که از علی (ع) زیاد حدیث نقل کرده‌اند، کتب «بزمی» است. کتاب‌های بزمی؛ کتاب‌های ادبی و حاوی سخنان فصحا، شعرا و دانشمندان (که حرف‌های آن‌ها در سطح بالایی بوده) در مجالس امرا، حکما، شعرا و ادبا در شب نشینی‌های معروف به مجالس بزمی است که این کتاب‌ها واقعاً خواندنی هستند.»

«کتاب «البیان» جاهز از قدیم‌ترین این کتب است. بعد از آن «رسائل» خود جاهز است، بعد می‌رسیم به... بعد «الکامل»، بعد «عیون الاخبار» ابن قتیبه‌ی که ۴ جلد است و بعد «نهایه‌ی العرب» نویدی که ۱۸ جلد است.»

«صاحبان این آثار سخنان علما، فصحا و شخصیت‌های درجه اول شعر و نثر را جمع کرده‌اند. یکی از سخنانی که در این مجالس خوانده می‌شد، سخنان حضرت علی (ع) بود؛ چون زیبا سخن گفته است. شما نباید فقط نهج البلاغه را ببینید، نهج البلاغه یک صدم سخنان علی است، این ادعای بنده نیست، ایشان (سید رضی) به مناسبت‌هایی، یک تکه را انتخاب کرده و خودش هم گفته است که گزینش کرده است. سخنان علی (ع) یکی از سخنانی بوده که در مجالس فصحا و بلغا و ادبا خوانده می‌شده است، در این کتب بزمی از ایشان کلمات زیادی نقل شده و من هم سطر به سطر این کتب را دیده‌ام.»

«من این‌ها همه را دیده و سخنان علی (ع) را از آن‌ها استخراج کرده‌ام و حاصل آن، این مجموعه به نام «مسند امام علی (ع)» شده است، در این کتاب همه طرق و مسانید را آورده‌ام؛ یعنی براساس سنت‌هایی که علمای قدیم داشتند، مثلاً یک حدیث تکرار شده، ولی در سند فرق می‌کند، در سند آن حدیث، شخصی است که در دیگری نیست، یا متنی چاپ شده که متن با آن اختلاف دارد و یا یک جمله کوتاه اختلاف دارد، من این را تکرار کرده‌ام. از همه مسانید آورده‌ام؛ مثلاً جنگ صفین هزار حدیث دارد، یک جلد این کتاب مربوط به صفین است. یک دریا مطلب است که همه را از کتب اصیل و مورد عنایت اهل تحقیق آورده‌ام و کسی نمی‌تواند در این

کتاب‌ها حرف بزند، همه از منابع اصیل است.»



علت گرایش استاد عطاردی به مسندنویسی

«این‌ها همه از برکت امام رضا (ع) بود، من که در فکر مسندنویسی نبودم، من روی خراسان کار می‌کردم، یکی از کتب بنده درباره علی بن موسی الرضا است و همیشه گفته‌ام: سلطان خراسانی، شاه خراسان، سید خراسانی. در هر قرون و اعصار این مزار این‌جا می‌درخشید. مستقلاً برای ایشان یک کتاب نوشتم که در سال ۵۲ به نام «مسند الامام ابوالحسن رضا» چاپ شد، یک جلد از آن را به مرحوم آیت‌الله میلانی هدیه کردم، ایشان گفت: «دوست دارم در مورد امام محمدباقر نیز چنین کتابی بنویسید، کتابی که شما نوشته‌اید بسیار خوب است و خوب تنظیم شده است و من همه‌عناوین آن را دیده‌ام» از این‌جا بوده که من تصمیم گرفتم مسند همه امامان را بنویسم.»



نگارش تاریخ آستان قدس رضوی

«اما کار خراسان که به دنبال آن هستم، ۴ و ۵ سال عمر می‌خواهد. جلد جدید تاریخ خراسان تا عید مربوط به بخش شمالی از جاجرم تا خموشان چاپ خواهد شد که در پنج یا شش جلد است. برنامه دیگر من نوار مرزی است؛ نوار مرزی بین ما و ترکمنستان که قسمت شمالی سلسله جبال هزارمسجد (در گذشته خوارزم خاوران می‌گفتند و حال ترکمنستان شده است)، است. من در این باره مطلب بسیار دارم. آنجا نسا است، شهرستان، دهستان... تا سرخس، این‌ها جزو برنامه است. مطالب استخراج شده، فقط باید تنظیم شود و به حروفچینی برود. من این کارها را در جوانی انجام داده‌ام.»



تأسیس مرکز فرهنگی خراسان

«من عمری دویده‌ام، از سال ۱۳۴۰ در مسافرت بوده‌ام، مطالب زیادی جمع‌آوری کرده‌ام، کتاب‌ها نوشته‌ام، ترجمه کرده‌ام، متونی تحقیق کرده‌ام، فیش‌ها و مطالب زیادی راجع به خراسان و سیستان جمع‌آوری کرده‌ام و برای این‌که این‌ها از بین نرود، از سال ۷۰ در ذهن خود یک مرکز ذهنی پدید آورده‌ام، در منزل خود در امامزاده قاسم این کار را شروع کردم. بعد اولین کتابی که به نام مرکز چاپ کردم، تاریخ آستان قدس بود؛ یعنی خراسان را از امام رضا (ع) شروع کردم؛ گنبد امام رضا؛ دل و مغز خراسان است. من از قبر امام رضا شروع کردم.»

«تا حالا حدود ۸۰ جلد کتاب از من چاپ شده است و برای این‌که از بین نرود مرکز خراسان را تأسیس کردم، دیدم سایر مؤلفین آثار آن‌ها بعد از خودشان از بین می‌رفت و پراکنده می‌شد و دست هر ناشری می‌افتاد، خواستم این نوشته‌ها از بین نرود. من خیلی رنج برده‌ام. من قله‌های هندوکش را دیده‌ام تا طحارستان و بدخشان و هزارمسجد رفته‌ام. این‌ها نباید از بین برود. من از سیحون تا نیل، از خلیج فنلاند تا خلیج بنگال را دیده‌ام و یک روز هم این لباس (لباس روحانیت) را عوض نکرده‌ام؛ یعنی اگر به میان کمونیست‌ها در شوروی رفته‌ام، با همین لباس بوده‌است، پیش خاورشناسان با همین لباس رفته‌ام و آن‌ها خیلی هم خوششان آمده‌است.»



استاد عطاردی؛ احیاگر تاریخ گمشده کشورهای تازه استقلال یافته

در ادامه این مراسم، مهندس «رجبی» رئیس مؤسسه فرهنگی اکو، در سخنانی با اشاره به این مطلب که سفرا و رایزنان فرهنگی کشورهای که در قدیم جزو خراسان و ماوراءالنهر بوده‌اند و امروز تحت عنوان اکو قرار گرفته‌اند، با تحقیقات و فعالیت‌های استاد عطاردی تا حدی آشنا هستند، گفت: برای کتابخانه‌ها و مراکز اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی این کشورها احتیاج مبرم به آثار استاد عطاردی خواهد بود.

رجبی خطاب به استاد ادامه داد: شما با این کاری که انجام داده‌اید، عملاً تاریخ گمشده کشورهای را که تازه استقلال پیدا کرده و به شدت نیاز به شناخت پیشینه خود دارند، زنده کرده‌اید.

استاد عطاردی ادامه داد: «من از اول تنها هستم؛ یعنی موضوع کتاب را خودم انتخاب



می‌کنم، خودم جمع‌آوری می‌کنم، خودم تنظیم می‌کنم، خودم ویراستاری و حروفچینی می‌کنم، به چاپخانه می‌فرستم، تصحیح می‌کنم و خودم می‌فروشم.»

«یک روز در اجتماعی که خاورشناسان همه در تاشکند بودند، همه از یک بودند و فارسی زبان. آنجا صحبت طالقان خراسان شد، من گفتم: طالقان خراسان الان جزو اتحادیه جماهیر شوروی است، گفتند: نه در افغانستان است. من حد آن را هم گفتم و برای شان شرح دادم که زیر ولایت جوزجان در کنار مرز افغانستان و شوروی است و قسمتی از آن هم داخل خاک شوروی است. این شهر در زمان مغول‌ها خراب شده، ولی آن طالقان قدیم، طالقان خراسان است. گفتند: نه در افغانستان است. من اهل جدل نیستم و آن‌ها رفتند، روز بعد جوانی آمد و گفت: آقا شما راست می‌گویید، من دیشب نقشه‌ای را که برای صد سال پیش است پیدا کردم، دیدم طالقان جزو شوروی است. یعنی من از آن‌ها بیشتر کشورشان را می‌شناسم. چون من روی خراسان قدیم کار می‌کنم، من به «یاقوت حموی» نگاه می‌کنم که می‌گوید طالقان کجاست و دیگر کاری به این خاورشناسان ندارم.»

«روی هم رفته من مشکلی ندارم که با آن‌ها حرف بزنم. الان این فرهنگی که ما داریم در آن جا حاکم نیست، آن‌ها اصلاً «انوری» و «نسائی» و... نمی‌شناسند، به شاعری به نام چی چی قلی افتخار می‌کنند. از بکستان همه زبانی‌ها دارند و به «امیر اردشیر نوایی» افتخار می‌کنند و بهترین میدان و بهترین ایستگاه مترو به نام او است؛ چرا؟ چون ایشان دیوان از یکی دارد. اصلاً آن‌ها در این وادی نیستند، زبان آن‌ها از یکی است. این‌ها هم زبانی ترکمنی دارند، فقط در تاجیکستان چون با ما هم‌زبان هستند، هنوز فرهنگ ما در آن جا برقرار است.»

«دیگر اسم‌ها عوض شده، خطشان این خط نیست، زبانشان این زبان نیست، چه کسی دیگر «انوری» می‌فهمد؟ چه کسی به دنبال «ابوسعید ابوالخیر» است. اگر خدا سلامتی به من بدهد، من ۵۰۰۰ صفحه راجع به «مرو» خواهم نوشت که این مرو چه شهری است و این خوارزم چه منطقه‌ای است. امروز خوارزم بین سه کشور تقسیم شده است. جنوبش ترکمنستان، مرکز دست از یک‌هاست و شمالش دست قزاق‌ها است. این منطقه که اغلب ریگستان است.»

«من در سال ۶۶ در ترکمنستان بودم، وقت بسیار کمی به من داده بودند. گفته بودم که می‌خواهم نسا را ببینم، ولی نگذاشتند مرو و ابوبورد را ببینم. یک روز شخصی ترکمن و بسیار خوش صحبت در کمال ناراحتی به من گفت: ما سال‌هاست که از زیارت «قزل‌امام» محروم هستیم. منظور از قزل‌امام، امام رضا است، این مرد رئیس آکادمی علوم ترکمنستان بود. پس آن‌ها با فرهنگ ما آشنا هستند.»

حجت‌الاسلام نوراللهیان: فرمودید که مسند قبلاً هم بین علمای شیعه سابقه داشته، چیزی یادتون هست؟

«بله در کتاب «الذریعه» در حرف «میم» هست، نگاه کنید.»
 نوراللهیان: اگر خداوند عمر دوباره‌ای به شما می‌داد، چه راهی را انتخاب می‌کردید؟
 «همین راهی که الان دارم، همین تحقیق و مطالعه، تألیف و تصنیف. بهتر از این کاری نیست، تا آخر عمر هدف من همین است، هیچ چیز دیگری نمی‌خواهم.»

شرح حال فردوسی توسط استاد عطاردی؛ جامع‌ترین شرح حال

نوراللهیان: این یعنی ایمان به راه. شما صد و چند صفحه درباره فردوسی نوشته‌اید آن‌هم با یک نگاه جدید و عمیق که نشان می‌دهد چندین بار فردوسی را مرور کرده‌اید.

«بله ۱۲۰ صفحه در فرهنگ خراسان در شرح حال فردوسی نوشته‌ام؛ یعنی مشهورترین شرح حال مربوط به فردوسی است. زندگی ما در خراسان زندگی عشیره‌ای بود و عشیره مادری و پدری ما از زمان صفویه اسمشان در تاریخ است. در میان عشایر قدیم رسم بوده که به بچه‌های خودشان فنون رزم یاد می‌دادند؛ اسب‌سواری جزو کار اصلی آن‌ها بود، بعد تیراندازی و شمشیربازی.»

«در خانواده ما شاهنامه فردوسی همیشه بود. پدر بزرگ من خودش شاهنامه خوان خوبی بود، پدرم من هم علاقه داشت و برای من هم یک شاهنامه خرید. من از ۵ سالگی با شاهنامه آشنا بودم، یاد می‌آید که پدرم برای من یک تفسیر قرآن مترجم و یک تاریخ معجم خرید که در آن تاریخ ایران از زمان پیشدادیان تا اسلام به طور فهرست‌وار آمده

است. همچنین یک «معراج‌السعاده» خرید که کتاب اخلاقی است. آن روز کتاب «معراج‌السعاده» را همه می‌خواندند ولی امروز حتی بیشتر افرادی که دکترهای ادبیات دارند آن را نمی‌فهمند چون نثرش، نثر ۱۵۰ سال پیش است. پدر برایم کتاب‌های مرثیه هم خریده بود و چند تا هم کتاب داستانی.»

«من از کودکی با شاهنامه آشنایی داشتم، ولی بعد که می‌خواستم روی فرهنگ خراسان کار کنم، بار دیگر به عنوان یک محقق به این کتاب نگاه کردم؛ لذا فکر می‌کنم شرحی که برای فردوسی نوشته‌ام، جامع‌ترین شرح حال فردوسی است و باید اهلش آن را بخوانند. این شرح را از خود کتاب در آورده‌ام و شما در هیچ مأخذی نمی‌بینید.»



کاربروری نهج البلاغه؛ رضایت‌بخش‌ترین کاربری استاد عطاردی

نوراللهیان: کدام یک از کارهایتان بیشتر شما را خرسند و راضی کرده است؟
 «یکی از کارهایی که از انجامش خیلی خوشحال شدم، آن کارهایی بود که از سال ۵۶ روی نهج البلاغه انجام دادم. بنده یک متن از نهج البلاغه چاپ کرده‌ام که برای اولین بار با قدیم‌ترین نسخه‌ها مقابله کرده‌ام. ما چون نزدیک هزارمین سال تألیف نهج البلاغه بودیم (سید رضی در سال ۴۰۰ نهج البلاغه را تمام کرد و در سال ۴۰۶ هم فوت کرده است) رفتیم تا نسخه‌های خوب را ببینیم، از سال ۵۶ من این کار را شروع کردم. قدیم‌ترین نسخه در قم در کتابخانه سید «شهاب‌الدین مرعشی» پیدا شد که ایشان آن را از یک عتیقه‌فروش خریده بود. آن را من دست یک عتیقه‌فروش در بازار تهران دیده بودم، ولی پول گزافی می‌خواست. نسخه بعد از آن در کتابخانه «فخرالدین نصیری» است که کتاب فروش بود. یک نسخه قدیمی هم در مدرسه نواب مشهد پیدا کردم که متعلق به سال ۵۴۸ بود و هم اکنون در آستان قدس است. یک نسخه ۵۲۸ در دانشگاه «علیگر» در هندوستان پیدا کردم. یک نسخه ۵۱۰ هم در «لک‌نهو» در کتابخانه «ممتازالعلماء» - از علمای شیعه - یافتم. من این ۵ نسخه قدیم را کنار هم گذاشتم و یک نسخه براساس آن‌ها چاپ کردم.»

«من قدیمی‌تر از این نسخه‌ها پیدا نکردم. من به مخازن همه کتابخانه‌ها رفته‌ام؛ مخازن استانبول، پاریس، مسکو، مکه، مدینه، یمن و صدها مخزن دیگر را دیده‌ام و از این‌ها قدیم‌تر پیدا نشد.»

«این فخرالدین نصیری که گفتم، خانواده‌ای بودند که جداً کتاب‌های نفیسی داشتند. همانطور که گفتم یک نسخه قدیمی از نهج البلاغه داشت. این نسخه در شهر «لک‌نهو» بود، صاحب کتابخانه آن را نشان نمی‌داد، من چندبار به کتابخانه رفتم ولی نشان نداد تا این که جوان عالمی به نام «کلب صادق» - که الان استاد دانشگاه «علیگر» است - آن جا بود که نزدی رفتیم و مشکل را به ایشان گفتم و با هم نزد صاحب کتابخانه که خود روحانی و از علمای شیعه بود رفتیم، باز زبان اردو به وی جملاتی گفت و ایشان شرم‌منده شد و سریعاً کتاب را برام آورد.»
 استاد عطاردی در این هنگام، عکسی از یکی از نسخ قدیمی نهج البلاغه را به حضاران در جلسه نشان داد و گفت: «این عکس خیلی قدیمی است، مال ۵۱۰ است. در دانشگاه علیگر بیش از ۱۰ هزار کتاب خطی وجود دارد، حدود ۱۰۰،۲۰۰ کتاب نفیس را در یک صندوق نسوز در اتاق رئیس بخش خطی کتابخانه گذاشته‌اند؛ یعنی باید در اتاق رئیس بنشینم و پیش خودش کتاب‌ها را نگاه کنی، من که از ایران به آن جا رفته بودم، دیدم دو نفر دیگر هم در ایت اتاق نشسته‌اند؛ یکی، یک آلمانی بود که روی یکی از کتاب‌های «ابوریحان بیرونی» کار می‌کرد، دیگری هم یک «رضوی» نامی بود که فارسی هم بلد بود، گفت: من استاد دانشگاه در استرالیا هستم - اخیراً از وی یک کتاب در ایران ترجمه شده است - ما سه نفر در اتاق رئیس کتابخانه نشستیم و مطالعه کردیم.»

«حال این عکس برداری خودش به صورت معجزه‌آسا درست شد؛ من به رئیس کتابخانه گفتم که من یک عکس از این کتاب می‌خواهم، به عکاس زنگ زد، عکاس آمد و گفت: این کار دو سال طول می‌کشد؛ یعنی دو سال دیگر این عکس را به شما می‌دهم، گفتم: آقا من با این عکس کار دارم، گفت: این جا نوبتیه، تقاضا زیاد داریم، مانده بودم چه کنم، ناگهان به فکر رسید که در حیدرآباد حدود هفده، هیجده جلد کتاب چاپ کرده بودم، فوراً با قطار به دهلی آمدم و ظرف ۲۴ ساعت به حیدرآباد رفتم و کتاب‌ها را بسته‌بندی کردم و با قطار سریع‌السیر به دهلی آمدم و از دهلی به علیگر رفتم، پیش رئیس کتابخانه آقای سیدمحمد رضوی، رفتم و کتاب‌ها را جلوی ایشان گذاشتم، من زبان اردو و انگلیسی بلد نبودم، وی



گفت: من فارسی خوب بلد، اما نمی‌تونم حرف بزدم پس هر چه بگویم می‌فهم، من توضیح دادم که از ایران آمده‌ام، دو سال در هند مقیم شدم و این کتب را در حیدرآباد چاپ کرده‌ام و می‌خواهم یک دوره هم به شما هدیه کنم.»

« ۸ جلد از این کتب شرح نهج البلاغه بود؛ نهج البلاغه کیدری، راوندی، نهج البلاغه قرن هشتم و چند تا کتاب هم قریب الحدیث ادبی بود، وقتی این‌ها را جلوی میزش گذاشتم، گفت: من باید چه کاری انجام دهم؟، گفتم: در کتابخانه‌ی شما یک نسخه از نهج البلاغه متعلق به سال ۵۳۸ است که من می‌خواهم از آن عکسی داشته باشم تا بتوانم روی متنی از آن کار کنم و تا الان هم این‌ها را چاپ کرده‌ام، شروع کار است، فوراً به رئیس بخش کتاب‌های خطی زنگ زد و گفت که نسخه را نزد من بیاورید، رئیس بخش خطی نسخه را آورد، بعد زنگ زد عکاس هم آمد. همان جوانی که گفته بود که دو سال طول می‌کشد به وی گفت: از این عکس بگیر، من به گفت: چه مدت می‌خواهی؟ گفتم: یک هفته، به عکاس گفت: ایشان روز دوشنبه از دهلی می‌آید تا عکس را دریافت کند، قرار شد تا درخواست بنویسم، چون آن‌جا هر کس عکس می‌خواست باید درخواست می‌نوشت، گفتم: من انگلیسی نمی‌دانم، گفت: فارسی بنویس، ما افتخار می‌کنیم خط شما در پرونده ما باشد، ما خودمان ترجمه می‌کنیم. حال این همان عکس است.»

«بنابراین بر اساس این نسخه‌ها بود که این کتاب را چاپ کردم و آن زمان من انتشاراتی نداشتم تا این که سال ۷۰، آقای «دین پرور» رئیس بنیاد نهج البلاغه، این کتاب را به این صورت چاپ کرد.»

«مادر مسند امام علی (ع) همه کتاب را آورده‌ایم، ولی سیدرضی از هر خطبه‌ای یک تکه‌های را نقل کرده‌است، از هر نامه تکه‌ای نقل کرده، ولی مادر مسند امام علی (ع) همه را آورده‌ایم یعنی اگر ایشان ۴ صفحه آورده ما ۲۰ صفحه آورده‌ایم. یک مصادری هم داشتند که نقل نکرده، ولی من نقل کرده‌ام، ولی من این‌ها را بخش کرده‌ام، آن‌ها که درباره توحید است در باب توحید آمده، آن‌ها که امامت، است در امامت و آنچه نبوت است در باب نبوت آمده، آنچه در اخلاق و آداب هر چیز در باب خودش آمده و پراکنده شده در این ۲۳، ۲۴ جلد کامل آن اینجا است.»

«من ۴ شرح نهج البلاغه را چاپ کرده‌ام؛ نهج البلاغه «راوندی» - آن که قبرش در قم است -، نهج البلاغه «قطب‌الدین کیدری» که اهل کیدری بیهق است، نهج البلاغه «علی بن ناصر سرخسی» که نسخه آن را در کلکته و رامهر دیدم. شرحی هم از یک نویسنده ناشناس که مربوط به قرن هشتم هجری است چاپ کردم. آن نسخه منحصر به فردش در کتابخانه «اصغر مهدوی» است.»



مصادر کلمات قصار حضرت علی (ع)

عبد خدایی: آیا مصادر «غررالحکم ودرالکلم» تألیف «ارنوی»، قطعی است؟ «این کتاب مشتمل بر کلمات قصاری است که از حضرت علی (ع) در دست داریم و خیلی هم زیاد است، حدود ۳۰ هزار کلمه از شیعه و سنی رسیده است. این کلمات قصار از همین حدیث‌ها گرفته شده است، اشخاصی علاقه‌مند بوده و از هر حدیثی چیزی را انتخاب می‌کردند، نه این که این‌ها مستقل هستند. خود بنده «مسند الرضا» نوشته‌ام و چاپ کرده‌ام و از امام رضا ۴۰۰ حدیث گزینش کرده‌ام. این‌ها جدید نیست. این‌ها اشخاصی بوده‌اند که از این اخبار، بر اساس سلیقه خودشان کلماتی گزیده‌اند. مصادر ندارد. این‌ها ذوق یک نویسنده است. «ابن ابی الحدید» در شرح خودش می‌گوید: من ۱۰۰۰ کلمه پیدا کردم. اولین کسی که این کار را کرده است، «جاهز» - معاصر مأمون - است. با این که خودش عثمانی بود، ولی به حضرت علی (ع) از نظر علمی و ادبی احترام می‌گذاشت.»



ترجمه «الغارات»: محصول سفر به کشمیر

نوراللهیان: چرا «الغارات» کتاب «ابراهیم تقفی کوفی» را ترجمه کردید؟ «الغارات کتاب بسیار مهمی است، قدیم‌ترین کتاب شیعه است، ابراهیم تقفی کوفی در سال ۲۸۴ فوت کرده است، حدود ۲۴ سال بعد از غیبت صغری. این کتاب

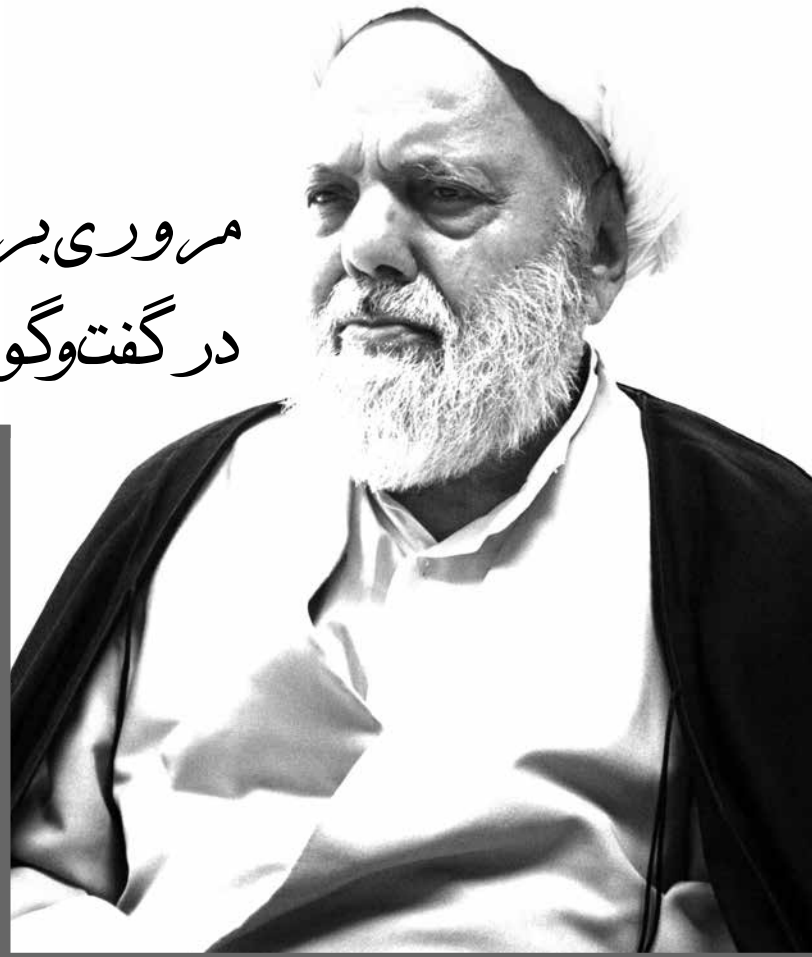
مطالب درجه اول زیاد دارد و از زمانی که صاحب آن فوت کرده است، مورد استفاده علما چه سنی و چه شیعه بوده است. این کتاب را مرحوم «محدث» چاپ کرده است.»

«ترجمه «الغارات» داستانی دارد که در مقدمه آن نوشته‌ام؛ روزی در سال ۶۲ در هندوستان در خانه نشسته بودم، هوای داغ خردادماه دهلی، سرم دوران می‌زد، دانشجویانی که آن‌جا بودند، گفتند: حاج آقا حال شما اصلاً خوب نیست، به ایران بروید و هوایی تازه کنید. گفتم: کار دارم نمی‌توانم بروم، بالاخره مرا وادار کردند تا بروم چون بچه‌ها تهران بودند و من آن‌جا تنها بودم و در یک خانه فرهنگ زندگی می‌کردم.»

«گفتم: بلیط کجاست؟ گفتند: الان تایلستان است و تمام پروازهای «سری نگر» پر است و تهیه بلیط هم کار بسیار مشکلی است. برخی گفتند: شما مقداری از مسیر را با قطار بروید و از آن‌جا با اتوبوس به کشمیر بروید، یکی از دانشجویان گفت: نه این جاده کوهستانی است، خسته می‌شوید علاوه بر این که مانع شما می‌شوند چون نمی‌گذارند کسی به کشمیر برود، یکی گفت: با هم می‌رویم از آن‌جا فرار می‌کنیم، گفتم: من نمی‌خواهم از این طریقی که شما می‌گویید بروم، من می‌خواهم آزاد بروم، اگر پلیس من را با این لباس ببیند، زشت است. یکی از دانشجویان گفت: راهی جز این نیست که به سفارت، نزد کارمند هندی بروید، نزد وی رفتیم، من رامی شناخت، گفت: بلیط برای فردا ظهر آماده است، چون می‌خواستیم چند روزی در کشمیر بمانم به کتابخانه فرهنگی (در دهلی) سرزدم، همه قفسه‌ها را گشتم تا کتابی برای ترجمه پیدا کنم و مشغول باشم.»

«الغارات را پیدا کردم، تا آن زمان ترجمه نشده بود. این کتاب را امانت گرفتم و به کشمیر رفتم، آن‌جا آقای بی‌نام «مختار شاهی» زندگی می‌کرد. وی اهل سبزوآباد بود، بعد به نجف و بعدها به کشمیر رفت و آن‌جا ازدواج کرد. بدون اطلاع قبلی به آن‌جا رفتم، یک اطاقک بود، یک نفر پرسید: کجا می‌روید؟ گفتم: منزل مختار شاهی، می‌شناخت، به یک راننده تاکسی زنگ زد و گفت: این آقا را به این منزل می‌بری و نتیجه را به من اطلاع می‌دهی. ۲۰ روز آن‌جا بودم، بهشت بود، نیمی از این کتاب (الغارات) را آن‌جا ترجمه کردم، این کتاب محصول کشمیر است.»

مروری بر آثار استاد عطاردی در گفت‌وگو با ایشان



ساعت یا بیشتر در روز همراه ایشان بودم. از سال ۱۳۴۰ به طور مستقل شروع به کار کردم. در این دوره من باروش کار در کتاب کافی و کتاب های شیخ صدوق و مفید و طبرسی که از متون احادیث شیعه است، آشنا شده بودم و این کار من را هر چه بیشتر با اصول و مبانی آشنا کرد. در ضمن مطالعات کتاب‌ها متوجه شدم اخبار و روایاتی از حضرت عبدالعظیم (ع) وجود دارد. بنده تا آن روز حضرت عبدالعظیم (ع) را یک شخصیت علمی - فقهی و حدیثی هم نمی دانستم و فقط او را یک امام زاده می دانستم ولی هنگام کار بر این کتاب‌ها معلوم شد که ایشان یک محدث و راوی مورد اعتماد امامان زمان خودش بوده است. این موجب شد که انگیزه‌ای در من پیدا شود که اخبار این بزرگوار را جمع کنم. با تحقیق در تمام کتب، هفتاد و چند حدیث پیدا کردم و برای این که فارسی زبانان هم بتوانند استفاده کنند آن را ترجمه کردم. به این صورت که متن عربی را آورده و در زیر آن را به فارسی ترجمه کردم.

در سال ۱۳۴۲ کتاب مسند حضرت عبدالعظیم (ع) به عنوان اولین اثر تألیفی مستقل بنده چاپ شد. در آغاز این کتاب شرح حالی از خود حضرت عبدالعظیم (ع) تا زید بن الحسن المجتبی - علیه السلام - نوشته‌ام زیرا نسبت ایشان با چهار واسطه به امام حسن مجتبی - علیه السلام - می رسد. در بخش دوم کتاب، اساتید و مشایخ و شاگردان ایشان را نوشتم. در بخش بعد درباره باغی که حضرت عبدالعظیم (ع) در آن دفن شدند توضیح دادم که چه کسی باغ را به این صورت در آورد، گنبد و اتاق‌ها را چه کسی ساخت. این کتاب در حدود ۳۵۰ صفحه چاپ شد و مورد استقبال زیادی واقع شد و در واقع برکت و منشأ فواید علمی، معنوی و مادی زیادی برای کارهای بعدی من در آینده شد.

دومین اثر بنده ترجمه کتابی با عنوان «زندگانی چهارده معصوم» است. این کتاب ترجمه کتاب اعلام الوری نوشته طبرسی است که عربی آن را قبلاً با همکاری آقای غفاری چاپ کرده بودیم و با توجه به شناختی که نسبت به این کتاب پیدا کردم و آن را یک متن خوب و قوی می دانستم، تصمیم به ترجمه آن گرفتم. کارنامه تألیفی من تا سال ۱۳۴۵ یک کتاب تألیف و یک کتاب ترجمه را در خود داشت.

اولین کاری که در زندگی به تنهایی شروع کردم، کتاب فرهنگ خراسان بود. در واقع نقطه آغازین این کتاب از سال ۴۰ در من به وجود آمد یعنی زمانی که من به دنبال رجال و اشخاص برای تحقیقات بودم متوجه شدم، علما و رجال زیادی در طول تاریخ متعلق به خراسان هستند. در قرن سوم و چهارم و پنجم هجری این سرزمین مملو از ادب و فرهنگ است؛ افرادی مثل بیهقی، نیشابوری، خوارزمی، مروزی، طوسی، سمرقندی، بخارایی که بیش از صد نفر اهل خراسان هستند. این کار نوری را در دل من تابید که در این زمینه تلاش کنم.

من در سال ۱۳۴۴ برای اولین بار به عتبات عالیات و زیارت قبور اهل بیت مشرف شدم. در آن جا با مرحوم شیخ آغابزرگ تهرانی صاحب الذریعه، آشنا شدم. البته قبلاً ایشان را در تهران دیده بودم و ایشان را می شناختم. خدمت ایشان رفتم و نسخه‌ای از کتاب مسند حضرت عبدالعظیم (ع) در نجف به ایشان هدیه دادم. روزی به ایشان گفتم که من قصد کار کردن روی خراسان را دارم، ولی کاری سنگین است که به من گفتند: «شما جوان هستی همت کن». راهنمایی که این عالم بزرگوار در من اثر گذاشت و شروع به کار کردم.

از جمله مشوقان من به این کار مرحوم شیخ عبدالحسین امینی صاحب الغدیر و مرحوم مرتضی مطهری، جلال الدین همایی و مرحوم شهاب الدین مرعشی نجفی بود که ایشان همیشه از من درباره این کتاب سؤال می کرد تا آن جا که حتی تا آخرین روزهای حیات شان هم پیگیر این کتاب بود.

من درباره خراسان کار خود را با فیش برداری شروع کردم. در مرحله اول کار، محدوده خراسان را از کتب جغرافیایی قدیم متعلق به قرن سوم و چهارم به دست آوردم. در مرحله

گروه اندیشه: بنده تا امروز به تنهایی در حدود ۱۲۰ جلد کتاب را چاپ کرده‌ام، چرا که معتقدم کار خودم را خودم باید انجام دهم و همیشه برای انتخاب موضوع کتاب‌ها و جمع‌آوری مطالب و تحلیل و شرح آن‌ها آزاد بوده‌ام. کتاب‌هایم را خودم ویرایش و صفحه‌گذاری می‌کنم و خودم آن‌ها را روخوانی می‌کنم.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، متن فوق بخشی از سخنان استاد عطاردی نویسنده و محقق است که با بیش از نیم قرن تلاش خستگی‌ناپذیر علمی، در جهت اعتلای فرهنگ تشیع در ایران، کارنامه‌ای درخشان در عرصه پژوهش، تألیف، تصحیح و ترجمه دارد و با بیش از پنجاه عنوان اثر در یک صد مجلد، از نوادر روزگار به شمار می‌رود. برای آشنایی هر چه بیشتر با این روحانی محقق و در عین حال ساده‌پوش و ساده‌زیست و ساده‌گو در محضرش زانو زدیم تا جرعه‌ای از آن در دای بیکران را برای ما به تصویر بکشد و استاد این‌گونه شروع کردند:

من صحبت‌های خودم را از آغاز ورود به مسائل علمی و تحقیقی شروع می‌کنم. در آذرماه ۱۳۳۱ از مشهد مقدس به تهران مهاجرت کردم و در مدرسه مرحوم شیخ عبدالحسین در بازار تهران حجره گرفتم. چون از دوره کودکی و جوانی علاقه مند به مسائل علمی و فرهنگی بوده و روحیه کتابخوانی داشتم، در تهران با تعدادی از ناشران و محققان و مؤلفان آشنا شدم که یکی از آن‌ها مرحوم علی اکبر غفاری بود.

همکاری من با ایشان در تصحیح متون، با چاپ کتاب کافی شروع شد. این کتاب تا دهه ۳۰ چاپ حروفی نشده بود و تنها چاپ سنگی قدیم بود. این برای من برکتی بود که وارد کارهای تصحیح متون شدم. حدود ۵ سال با ایشان همکاری داشتم. برخی از کتاب‌هایی که در آن‌ها با ایشان همکاری کردم عبارت‌اند از: کتاب فروع کافی در ۶ جلد، برخی از آثار شیخ مفید و شیخ صدوق مثل اختصاص و معانی الاخبار، کتابی از طبرسی به نام اعلام الوری با اعلام الهدی که قبلاً چاپ سنگی بود و آن را چاپ سربی و حروفی کردیم و در اواخر دهه سی چاپ شد. انجام این کارها موجب شد که من با منابع و مأخذ و کتب حدیثی، تاریخی، رجال، لغت، ادب، جغرافیا و انساب آشنا شوم.

من تا سال ۱۳۴۰ مقیم مدرسه شیخ عبدالحسین بودم و چند ساعتی از روز را در کتاب‌فروشی به ایشان کمک می‌کردم. البته هر روز به آن جانمی رفتم و بیشتر در مواقعی که کتابی چاپ می‌شد برای مقاله کردن آن کتاب به آن جا مراجعه می‌کردم. گاهی ۲ - ۳

بعدامکنه، شهرها و قرا و قصبات را در این محدوده از کتب جغرافیایی استخراج کردم که بیش از دو هزار مورد به دست آمد. در سومین مرحله، به استخراج رجال این مناطق مثل نیشابور، بیهق، سرخس، نیشابور، خوارزم، ابیورد، نساء، جوین، جاجرم، قومس، بسطام، گناباد، هرات، سمرقند، بخارا، جوزجانان، بدخشان و بلخ و... پرداختم.

من برای انجام این کار دو نکته در نظر بود؛ یکی این که، انتهایی برای آن قرار ندادم و دوم این که مراجعه به همه کتاب ها اعم از کتاب های چاپی و خطی را آغاز کردم. کار را با مطالعه کتاب های موجود در ایران در شهرهای قم، اصفهان، یزد، شیراز، اهواز، تبریز، خوی، مراغه، ارومیه، همدان شروع کردم و ده ها کتابخانه را بررسی کردم. در آخر به این نتیجه رسیدم که نباید به این ها کفایت کرد و باید رحل سفر بست و به خارج از کشور رفت.

نخستین سفر خود را از مکه مکرمه و مدینه منوره در نوروز ۱۳۴۵ شروع کردم. دو ماه در آن جا اقامت کرده و از کتابخانه های حرمین شریفین استفاده کردم. چندین سفر به هندوستان رفتم و در پاکستان از شهرهای کراچی، لاهور، حیدرآباد، پیشاور و ده ها شهر در جنوب و مرکز آن دیدن کردم. سفر دیگری به یمن و مصر و سوریه و لبنان رفتم. سفر دیگر به اروپا و شهرهای پاریس و لندن و استانبول داشتم و در سفری نیز به مسکو، سن پترزبورگ، بخارا، سمرقند، تاشکند و دوشنبه رفتم. به همه جای افغانستان سفر کردم، چون بخش اعظم آن متعلق به خراسان قدیم بوده است. همه کتابخانه ها را دیدم و با علما و دانشمندان و رجال دیدار کردم و آثار تاریخی را دیدم. در واقع تا سال ۱۳۷۰ دائم السفر بودم و در طی سی سال مشغول جمع آوری اسناد و مدارک بودم.

از سال ۷۰ سفرها را به پایان رسانده و شروع به تنظیم مطالب جمع آوری شده کردم. در مرحله بعد نوشته ها را تنظیم کردم. ناگفته نماند که بنده بین سال های ۴۰ تا ۷۰ کارهای دیگری را نیز انجام داده ام، کار اصلی من کار خراسان بوده است ولی در این سفرها، شب ها از وقت استفاده کرده و کتاب های عربی را ترجمه کردم. اعلام الوری را در مشهد، کتاب مقتل الحسین نوشته مقرر را در تهران، کتاب زید شهید را نیز ترجمه کردم. کتاب الغارات نوشته ثقفی را که متوفای ۲۷۴ است در کشمیر ترجمه کردم. این کتاب از کتب معتبر شیعه است، کتاب النصایح الکافیة را در نجف، کتاب ایمان و کفر جلد ۱۵ بحار الانوار را در دو جلد ترجمه و چاپ کردم.

کارهای نهج البلاغه مقارن با سال ۱۳۵۶ بود. مصادف با هزارمین سال تألیف نهج البلاغه از روی ذوق شخصی شروع به جمع آوری نسخه های خطی نهج البلاغه کردم. ۲ - ۳ نسخه خطی از نهج البلاغه را در تهران و چند نسخه دیگر را نیز در هندوستان پیدا کردم و با مقایسه نهج البلاغه موجود با نسخه های قدیم، کتاب جدید چاپ شد. کار دیگر بنده چاپ چند شرح از نهج البلاغه دوره کهن متعلق به قرن ششم تا هشتم است که از جمله این ها شرح نهج البلاغه قطب الدین کبیری و شرح نهج البلاغه قطب الدین راوندی است. شرح نهج البلاغه علی بن ناصر سرخسی متعلق به اوایل قرن هفتم را چاپ کردم، شرح نهج البلاغه قرن هشتم را هم خودم چاپ کردم.

از دیگر کارهای من استخراج چند کتاب از تاج العروس است که به ارشاد علامه امینی بوده است. این استخراج ها در رجال در ۴ جلد، غریب الحدیث ها در ۴ جلد، لغات فارسی در یک جلد، اعلام بلاد و امکنه و شهرها آماده به چاپ است که الحمد لله تمام شد. این کار در خلال سال ۴۰ تا ۷۰ انجام گرفته است.

مسانید اهل بیت از امام رضا علیه السلام - آغاز می شود. در فرهنگ خراسان، یکی از عناوین علی بن موسی الرضا (ع) است که خود حضرت برکت کارهای بعدی من شد. مسند امام رضا (ع) در کتابی مستقل در سال ۱۳۵۰ تنظیم و در دو جلد به عربی چاپ شد. در این مسند از تولد امام رضا (ع) تا شهادت از اخبار و روایاتی که از آن بزرگوار به ما رسیده است جمع کردم. چاپ این کتاب یک بار به صورت افست شده و یک بار هم در بیروت بدون اجازه من چاپ شده است. بعد از چاپ این مسند آقای میلانی من را تشویق کرد که در خصوص بقیه ائمه نیز مسند بنویسم و تشویق ایشان بالاخص درباره امام محمد باقر (ع) بود.

بعد از مسند حضرت رضا (ع)، یکی از کارهایم را نوشتن مسانید اهل بیت با استفاده از منابع شیعه و اهل سنت قرار دادم. مسند بعدی مسند امیرالمؤمنین (ع) بود که به دلیل طولانی بودن آن را برای آخر گذاشتم. بعد مسند حضرت زهرا. سلام الله علیها. و مسند تک تک ائمه را چاپ کردم، مسند امام حسن (ع) در یک جلد، امام حسین (ع) در سه جلد، امام سجاد (ع) در دو جلد، امام محمد باقر (ع) در شش جلد، امام صادق (ع) در بیست و دو جلد، موسی بن جعفر (ع) در سه جلد، امام رضا (ع) در دو جلد، امام جواد و امام هادی و امام حسن عسکری

علیهم السلام - هر کدام در یک جلد و مسند امام علی (ع) در بیست و هفت جلد چاپ شده است. مجموعه این مسانید به ۷۰ جلد رسیده است که تا سه ماه دیگر به صورت کامل چاپ خواهد شد.

البته درباره حضرت مهدی - عجل الله - مسندی نمی توان نوشت. چون درباره کتاب ایشان نمی توان کلمه مسند را به کار برد، چرا که مسند یعنی سنددار بودن مطلب و نیازمند شاگرد و استاد و داشتن حوزه درسی است. از ایشان به جز توقیعات، اخبار دیگری نداریم. البته در هر کدام از مسانید یک کتاب الغیبهی دارد که محتوای آن، اخباری است که امامان ما درباره حضرت مهدی - عجل الله - گفته اند. ائمه مروج دین جدشان هستند و امام رضا علیه السلام - می فرماید: «حدیثی، حدیث ابی و حدیث ابی، حدیث جدی و حدیث جدی حدیث رسول الله» است. بنابراین سرچشمه همه روایات پیامبر (ص) است. ما در مسانید، همه مصادر را از شیعه و سنی آوردیم.

بیشترین تحقیقات من درباره حضرت علی - علیه السلام - از اهل سنت است و این کتاب در سه بخش تنظیم شده است، بخش اول از ولادت تا شهادت، ایشان در چهار سالگی تحت تکفل و تربیت ایشان قرار گرفت و نخستین مسلمان، مؤمن و نمازگزار است که از اول در برابر اذیت هایی که به پیامبر (ص) می شد دفاع می کرد. بعد از یکسال در مدینه داماد پیامبر (ص) شد و در همه جنگ ها به جز جنگ تبوک با پیامبر (ص) بوده است. بعد از پیامبر (ص) نیز سال ها با ابوبکر، عمر و عثمان بوده است و بعد به خلافت رسیده و در این دوران جنگ های جمل و صفین و نهروان را داشته است و بعد هم به شهادت رسیده است.

در چهار جلد از این مسند، روایاتی درباره فضایل حضرت علی (ع) آورده شده است. در هشت جلد نیز روایاتی از شیعه و زیدیه و اسماعیلیه و در سه جلد و نیم نیز روایاتی از اهل سنت چاپ شده است. این کتاب به زبان عربی و برای علما و دانشمندان نوشته شده است. امتیاز امیرالمؤمنین (ع) این است که سخنان فصیح و بلیغ زیادی را دارد. در میان اهل بیت (ع) تنها کسی که نماز جمعه اقامه کرده، علی (ع) است و بعد از ایشان، امام حسن (ع) ۲ الی ۳ ماه نماز جمعه خوانده است.

بعد از تمام شدن مسانید به نوشتن فرهنگ خراسان ادامه دادم. کار خراسان از قبر ایشان که دل و مغز خراسان است، شروع می شود. بعد درباره رواق های حرم حضرت رضا (ع) مطالبی را آورده ام. بحث من از قبر اینگونه شروع می شود که حضرت رضا (ع) را در باغ حمید بن قحطبه که باغی دولتی در سناباد طوس بود در روز ۳۰ ماه صفر سال ۲۰۳ یا ۲۰۲ در این باغ به خاک سپرده شد. بعد درباره صندوق روی قبر بحث می شود و این که این صندوق در طول تاریخ بارها عوض شده است. ضریح روی این صندوق از قرن هشتم همزمان با دوره تیموریان قرار داده شده است.

بعد درباره گنبد بحث می شود که اولین گنبد را چه کسی ساخته است و این که گنبد حاتم خانی، گنبد الله وردی خان و گنبد حضرت رضا (ع) که از زمان غزنویان و از بناهای سلطان محمود غزنوی است که هزار و خرده ای سال از عمر گنبد می گذرد. بعد رواق ها را شرح می دهم و بعد همه کتیبه ها را خوانده و نوشته ام و همه نوشته های موجود در آستان قدس تا سال ۸۲ را در کتاب آورده ام و در ۱۰۰۰ صفحه چاپ شده است و همه این ها را مشاهده کرده و در کتاب نوشته ام.

در بخش بعدی تاریخ شهر مشهد مقدس، طوس، نوغان، تایباد آورده شده است و بعد شکل گیری شهر مشهد آمده است که بعد از رحلت امام رضا (ع) به دلیل رفت و آمد مردم برای زیارت قبر امام رضا (ع) این منطقه شهر شد. در دو جلد جغرافیای مشهد و در پنج جلد رجال مشهد نوشته شده است که الان هم بر روی بخش های شمالی خراسان شامل گرگان، اسفراین و جاجرم و... کار می کنم. مطالب را طوری جمع آوری کردم که اگر عمرم برای نوشتن این ها کافی نبود، مطالب استخراج شده چاپ شود. در مجموع ادامه کار کتاب فرهنگ خراسان ۶-۷ سال دیگر طول می کشد.

بنده تا امروز به تنهایی در حدود ۱۲۰ جلد کتاب را چاپ کرده ام، چرا که معتقدم من کار خودم را خودم باید انجام دهم و همیشه برای انتخاب موضوع کتاب ها و جمع آوری مطالب و تحلیل و شرح آن ها آزاد بوده ام. کتاب هایم را خودم ویرایش و صفحه گذاری می کنم و خودم آن ها را روخوانی می کنم و امسال فقط ۱۴۰۰۰ هزار صفحه را تصحیح و آماده به چاپ کرده ام و پروانه نشر کتاب به نام عطارد گرفتم و خودم نیز آن ها را می فروشم. بنده با این سبک به راحتی کار می کنم. الان نیز همه کتاب هایم به فروش رفته و تمام شده است.





گفت‌وگوهای درباره استاد عطاردی

- ◆ فعالیت استاد عطاردی در حوزه حدیث، مرتبط با قرآن است
- ◆ مسند نویسی بدون استفاده از ابزار نوین تحسین برانگیز است
- ◆ استاد عطاردی مرد میدان مشاهدات است
- ◆ مسانید استاد عطاردی، مجموعه‌ای از تفاسیر الائمة را در اختیار ما قرار می‌دهد
- ◆ بررسی روایات امام جعفر صادق (ع) در تفسیر قرآن بر اساس مسند الامام الصادق (ع)
- ◆ علم اندوزی؛ توصیه همیشگی پدرم
- ◆ استاد عطاردی از منظر حجت الاسلام مهدوی راد
- ◆ سخت‌کوشی و جدیت در کار، ویژگی ممتاز استاد عطاردی است
- ◆ بررسی امتیازات مسانید استاد عطاردی در گفت‌وگو با حجت الاسلام رحمان ستایش
- ◆ فرهنگ‌نامه موضوعی اندیشه‌های استاد عطاردی به زودی منتشر می‌شود

حجت الاسلام ایازی:

فعالیت استاد عطاردی

در حوزه حدیث،

مرتبط با قرآن است



گروه اندیشه: فعالیت استاد عطاردی در حوزه حدیث مرتبط با قرآن است که در واقع استخراج روایات تفسیری اهل بیت در کتاب مسانید به ویژه مسند امام صادق (ع) است بنابراین می توان گفت کارهایی که ایشان در این مسند و سایر مسانید انجام داده اند در حوزه تصحیح احادیث قرآنی است.

حجت الاسلام والمسلمین سید «محمدعلی ایازی» در گفت و گو با خبرنگار سرویس اندیشه و علم خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) درباره شخصیت علمی استاد عطاردی با بیان مطلب فوق گفت: کارهای استاد عطاردی بسیار متنوع است و گستردگی آن مشتمل بر حوزه تاریخ، کلام، حدیث و قرآن است که این آثار در قالب تحقیق، تألیف، ترجمه، تصحیح متون و اخراج منابع و فهرس فنی است. نویسنده کتاب «قرآن و تفسیر عصری» درباره فعالیت استاد در اخراج فهرست برای کتب گفت: یکی از کارهای ایشان تنظیم فهرست برای برخی از تفاسیر بوده است؛ مثل تفسیر «محاسن التأویل» که برای آن فهرست مستقلی استخراج کرده اند.

وی در ادامه به فعالیت ایشان در حوزه حدیث پرداخت و افزود: فعالیت ایشان در حوزه حدیث مرتبط با قرآن است که در واقع استخراج روایات تفسیری اهل بیت در کتاب مسانید است و من در باره روایات قرآنی و تفسیری آورده شده در مسند امام صادق — علیه السلام — کار کرده ام و مقاله ای نیز در این موضوع ارائه کرده ام. بنابراین می توان گفت کارهایی که ایشان در این مسند و سایر مسانید انجام داده اند در حوزه تصحیح احادیث قرآنی است.

نویسنده کتاب «سیر تطور تفاسیر شیعه» به نکته ای درباره تفسیر استاد از شاهنامه اشاره کرد و گفت: با توجه به این که شاهنامه کتابی ادبی — حماسی است، به تعداد زیادی از آیات قرآن به صورت تلمیح یا اقتباس اشاره کرده است و استاد عطاردی اشعاری که فردوسی، متأثر از آیات قرآن سروده است، در مجموعه ای گردآوری کرده است که این ماجرا نشان دهنده حساسیت ایشان در جهت کار کردن برای قرآن است. این استاد حوزه و دانشگاه درباره فعالیت استاد در تصحیح گفت: فعالیت ایشان در تفسیر، تصحیح و چاپ تفاسیر و آثاری است که به چاپ نرسیده اند. یکی از افرادی که با آقای «محمدباقر بهبودی» در تصحیح «بحار الانوار» همکاری کرده، آقای عطاردی است. در آنجا علامه مجلسی در هر فصلی آیات متناسب با آن موضوع را آورده است که آقای عطاردی با تصحیح شان این قسمت ها را احیا کرده است.

نویسنده کتاب «قرآن و فرهنگ زمانه» استاد عطاردی را یک مورخ و شخصیت نگار دانست و گفت: ایشان در اصل یک مورخ و شخصیت نگار است و در کتاب تاریخ رجال خراسان و دیگر کتب تاریخی که به مناسبت های مختلف نوشته اند؛ مثل تاریخ آستان قدس، تاریخ مشهد رضوی و... بارویکرد تاریخ دین به نگارش پرداخته و شخصیت های رجال دینی را معرفی کرده است.

مؤلف اثر «قرآن اثری جاویدان» سبک ایشان را به عنوان یک محقق تاریخ، گزارشگری دانست و گفت: ایشان قصد داشته است که یک تاریخ منهای فرهنگ دینی را بنویسد ولی نگاه های دینی بر ایشان تأثیرگذار بوده است. ایشان به عنوان یک محقق به اندازه توانشان در باره رجال خراسان، حضرت عبدالعظیم حسنی — علیه السلام — یا شخصیت های دیگر، به لحاظ تاریخی کار کرده است و در این زمینه کتاب و مقاله نوشته است.



۲۹



مسندنویسی بدون استفاده از ابزار نوین تحسین برانگیز است

گروه اندیشه: امروزه در اهمیت و سترگی مسندنویسی تردیدی نیست، اما وجود تکنولوژی آموزشی و نرم افزارهای حدیثی این کار را آسان تر کرده است در حالی که استاد عطاردی در دهه ۵۰ به تنهایی و بدون استفاده از ابزارهای نوین و بر اساس پژوهش های کتابخانه ای این کار را انجام داده اند.

«علی رضا هزار» در گفت و گو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) درباره استاد عزیزالله عطاردی با بیان مطلب فوق گفت: برای شناختن شخصیت های علمی در طول تاریخ، معیارهای مختلفی داریم؛ معیار اول معیار زمان حیات است. گاهی انسان به خاطر قرابت زمانی و هم عصری می تواند آن ها را از نزدیک ببیند و اما پاره ای از دانشمندان را که از جهت زمان از آن ها دور هستیم و از میان ما رفته اند فقط در آینه آثار علمی شان می توانیم بشناسیم. درباره آقای عطاردی هر دو اتفاق افتاده است، ما هم ایشان را در زمان حاضر از نزدیک می توانیم ببینیم و هم دوستان دیگری که سال های پیش با ایشان هم نشینی داشته اند، همکاری های علمی با ایشان کرده اند.

نویسنده کتاب «در تقاطع دنیستی» دومین معیار در شناخت شخصیت های علمی تاریخ را آثار آنان دانست و در تطبیق این معیار با استاد عطاردی گفت: معیار دوم، آثار و رفتارهای علمی این بزرگوار است که بنده در کارهای علمی به همراه دوستان دیگر در خدمت ایشان مشغول کار بودیم. به هر جهت یکی از ارجاعات جدی که از قدیم در کارهای تاریخی و حدیثی به آن برمی خوریم، آثاری است که از قلم و خامه عزیزالله عطاردی منتشر شده است، کارهایی که تألیف آن ها غالباً به دهه ۵۰ برمی گردد.

هزار در باره نحوه ارتباطش با عزیزالله عطاردی گفت: جدی ترین ارتباط من با آقای عطاردی زمانی بود که به مناسبت کنگره حضرت عبدالعظیم (ع) قصد تدوین مسند حضرت عبدالعظیم (ع) را داشتم و این نقطه شروع آشنایی من با آقای عطاردی بود.

نویسنده کتاب «آتشی در پیشه اندیشه ها» درباره مسندنویسی در دوره معاصر گفت: امروزه در اهمیت و سترگی مسندنویسی تردیدی نیست، اما با وجود تکنولوژی آموزشی و وجود نرم افزارهای حدیثی، علمی، دست انسان برای کار مسندنویسی بسیار گشوده شده است. وقتی ما کار مسندنویسی را برای کنگره حضرت عبدالعظیم (ع) دنبال می کردیم، دوستان بر اساس نرم افزارهای موجود قصد انجام این کار را داشتند در حالی که استاد به تنهایی در دهه ۵۰ یعنی در سال های تولد بنده بدون استفاده از ابزارهای نوین و بر اساس پژوهش های کتابخانه ای این کار را انجام داده اند. نویسنده کتاب «معدن الجواهر و ریاضه الخواطر» افزود: پس از تصویب این موضوع توسط دبیرخانه کنگره، خدمت ایشان رسیدیم و عرض کردیم که قصد نوشتن مسند حضرت عبدالعظیم (ع) را داریم. ایشان به جای این که بگویند ما این کار را قبلاً انجام داده ایم، شما دستی به سر و روی این کتاب بکشید و از نو این کتاب را به نام خودمان چاپ کنید، از باب سماحت و جوادیت علمی ای که داشتند فرمودند: «کار من، کار گذشته بود شما از نو کاری را انجام دهید.» لذا این بزرگواری ایشان برای من درس بزرگی بود و وقتی کتاب تنظیم شد آن را خدمت ایشان بردیم و ایشان از آن تقدیر کردند.

مدرس دانشکده علوم حدیث درباره مسند حضرت عبدالعظیم گفت: ایشان در مسند حضرت عبدالعظیم (ع) حدود ۸۰ روایت را جمع کرده بودند که بر اساس جست و جوی های رایانه ای و کارهای دیگر که ما انجام دادیم، ۱۲۰ روایت دیگر نیز به دست آمد یعنی ۴۰ روایت اضافه شد. در هر دوی این ها صرف تألیف در نظر بوده است و غالباً بحث های رجالی و فقه الحدیثی و لغتی، تقریباً اعمال نشده است و غالب کارهای مسندی همین است یعنی جمع آوری و بعد بقیه کار به دانشمندان دیگر واگذار می شود. روش کار آقای عطاردی و بنده یکی است؛ در واقع من از روش ایشان استفاده کرده ام و هر دو بر اساس تبویب کلینی در کافی نوشته شده است. از کتاب العقل و الجهل آغاز می شود و بعد توحید و حجت را می آورد و در آخر هم به احکام و روضه می رسد. در هر دوی این دو مسندنویسی آن چه انجام شده است بر اساس این موضوع بندی است.

مصحح و محقق کتاب «التذکره العظیمه» در تفاوت دو مسند حضرت عبدالعظیم حسنی، یکی اثر ایشان و دیگری اثر استاد عطاردی گفت: شاید تفاوت کار جدید با کار کهن در ترجمه احادیث است. قلمی که در آن دوره به کار برده می شد با قلم های فعلی متفاوت بوده است و تقریباً در همان چارچوب و غالبی که آقای عطاردی آورده اند، احادیث ما هم در همان چارچوب است و تنها تفاوتش این است که احادیث اخلاقی، تربیتی کار جدید بیشتر از کار قبلی است. بنده به صراحت می گویم اگر این کار قوتی دارد بر دوش آقای عطاردی قرار گرفته است و گرنه به خودی خود این کار ارزشی ندارد. آثار و مقالات این بزرگوار کاملاً علمی است.

یعنی وقتی ایشان وارد بحث‌های تاریخی می‌شود و مثلاً می‌خواهد تاریخ تولد یا وفات امامی را بیان کند آن چنان تاریخ را از زرف می‌کاوید که انسان احساس می‌کند ایشان مورخی است که عمرش را در تاریخ سپری کرده و دیگر آثارشان نیز به همین گونه است.

نویسنده مقاله «دینا و آخرت از منظر امام علی (ع)» درباره آشنایی با آثار علمی آقای عطاردی گفت: من به خاطر ارتباط شهری که با ایشان دارم - هر دو اهل خراسان هستیم - از قدیم به کارهای خراسان‌شناسی علاقه داشتم. ویژگی کارهای تاریخی و سفرنامه‌ی ایشان این است که غالب این آثار به شکل درایتی نوشته شده تا روایتی یعنی ایشان در تمام اتفاقات سعی کرده در آن محل‌های خاص حضور داشته باشد مثلاً اگر امام زاده‌ای را گزارش می‌کند و اگر فلان اتفاق دینی را در آن جا گزارش می‌دهد خودش در آن مکان حاضر بوده و در روایتی با آن حادثه آن را نقل کرده است. در بیشتر آثار آقای عطاردی دقت‌هایی دیده می‌شود که نشان‌دهنده روحیات تحقیق و پژوهش در این بزرگوار است حتی در همین دوره‌های اخیر که سنی از ایشان گذشته است و پاره‌ای از ضعف‌های جسمی نیز برایشان غالب شده است، کاملاً مشهود است که وقتی به یک موضوع می‌پردازد آن قدر ژرف و دقیق وارد آن می‌شود که تمام اضلاع و جوانب آن دیده می‌شود.

محقق کتاب «الإشراف علی فضائل الأشراف» درباره فایده مسانید اهل بیت (ع) گفت: بسیاری از احادیث ما از لسان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) ارائه شده است و فقه ما نیز از آن دو بزرگوار است و نکته قابل توجه این است که توانمندی‌های علمی و معنوی اهل بیت - علیهم‌السلام - را می‌توان از طریق آثار این بزرگوار درک کرد به طور مثال وقتی مسند امام کاظم (ع) منتشر شد حجم زیادی از نامه‌های علمی به دست ایشان می‌رسد که در آن‌ها گفته بودند: ما اطلاع نداشتیم که امام هفتم شیعیان مطالب علمی سنگین و فاضلی را داراست. محقق مؤسسه دارالحدیث دقت را از ویژگی‌های بارز آثار حدیثی ایشان دانست و افزود:

یکی از دوستان نقل می‌کردند که آقای عطاردی گفته‌اند: از افتخارات زندگی ام این است که دو دوره کتاب بحارالانوار مرحوم مجلسی را قرائت کردم. در میان علما دقت‌های مجلسی در تبویب آثارش مشهور است. چه بسا دقت‌های علمی و روحانی علامه مجلسی این تأثیر را در ایشان داشته است.

محقق کتاب «عین العبره فی غبن العتره» در ادامه افزود: عرض بنده این است که این کتاب‌ها در عین این که در شکل ظاهری تنها تقسیم و تبویب حدیثی بوده است اما در بطن و متن اصلی آن تأثیرات و اهداف عالی دیگری مترتب بوده است. آقای عطاردی در بقیه کارهایش شیوه کهن فقها را پیگیری می‌کند در واقع اگر بخواهید رویکرد ایشان را به مباحث حدیثی پیگیری کنید متوجه می‌شوید که ایشان دارای دقت‌های فقه‌اللغتی و رجالی و امثال این‌هاست.

وی یکی از فواید مسند نگاری را آشنایی با سخنان ائمه (ع) در باره قرآن دانست و گفت: «ما در خلال کار مسند حضرت عبدالعظیم (ع) متوجه شدیم روایاتی به نقل از حضرت عبدالعظیم (ع) در باره قرآن وارد شده است؛ مثلاً یکی از آن روایات از امام عسگری - علیه السلام - نقل شده است که ایشان فرمودند: «الشمس والقمر یقیان کل جدید الا القرآن: گردش روزگار و چرخش فلک همه چیز را کهنه می‌کند به جز قرآن» از این روایت می‌توان این‌گونه فهمید که آدمیان اگر قرآنی باشند. قرآنی که به ثقلین پیوند خورده باشد. آن‌ها نیز هیچگاه کهنگی و اندراس روحی و معنوی پیدا نمی‌کنند.

هزار در پایان سخنانش تعظیم شخصیت‌های علمی را عبادت دانست و گفت: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: شیوخ خود را گرامی بدارید. شیوخ در اینجا به معنی کبر سن است ولی معنای اتم آن به دانشمندی برمی‌گردد که عمر خود را در مسیر روایات و علوم اهل بیت سپری کرده‌اند.

حجت‌الاسلام عبداللّه‌ایان:

استاد عطاردی مرد میدان مشاهدات است



است و قضاوت‌هایی که راجع به تاریخ اسلام و به خصوص تاریخ ایران و خراسان دارد، حاصل مشاهدات وی است.

مدیرمسئول و سردبیر نشریه «آفاق نور» درباره مصادیق بارز این ویژگی استاد ادامه داد: ایشان درباره

شاهنامه فردوسی مقاله مبسوطی دارد، آنچه درباره این مقاله‌ها شاهکار به

حساب می‌آید این است که جایی که فردوسی رجزخواندن لشکریان را به میدان می‌آورد، خود به آن مکان‌ها سفر کرده و صحنه را مشاهده کرده است. این چنین کار مشاهده مستقیم و تحمل رنج سفر برای معلوم کردن یک بخش از تاریخ و اظهار نظر کردن کار آسانی نیست که هرکس بتواند آن را انجام دهد.

مدیرمسئول و سردبیر دومه‌نامه «بشارت» شیوه کار ایشان را مشاهده‌ای و میدانی دانست و در توضیح آن گفت: این شیوه زبربنای همه تحقیق‌ها و پیشرفت‌های جدید را تشکیل می‌دهد. فردی که در حوزه‌های علمیه رشد یافته و درس خوانده و بعد شیوه‌ای دیگر را انتخاب کند که به خاطر آن سخنی‌ها را تحمل کند و کوه و کمر و دشت و بیابان را طی کند و از طوس تا بخارا، سمرقند، افغانستان، هند، عربستان، حجاز و نقطه نقطه مرز ایران و خراسان قدیم را

گروه‌اندیشه: عطاردی مرد میدان مشاهدات است؛ یعنی اگر مطلبی را بیان کند حتماً آن را مشاهده کرده است و قضاوت‌هایش درباره تاریخ اسلام به‌ویژه تاریخ ایران و خراسان، قضاوت پس از مشاهده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین «محمد عبداللّه‌ایان» در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس اندیشه و علم خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، ضمن تقدیر و تشکر از این خبرگزاری درباره استاد عزیزالله عطاردی گفت: جناب آقای عطاردی شخصیت بزرگی هستند که باید زمان بگذرد و حجاب هم عصری عبور کند تا شخصیت ایشان نمایان شود و یکی از اشکالات ما این است که عادت نداریم از شخصیت‌های هم‌دوره خودمان تجلیل کنیم و آن‌ها را بشناسانیم.

عبداللّه‌ایان در ادامه افزود: آقای عطاردی به لحاظ شیوه کاری یک استثنا در میان روحانیون محسوب می‌شود. پژوهش‌ها و تحقیقات، به طور کلی جابه‌جا کردن متون و اسناد کتاب است و در آخر هم پژوهشگر تحلیلی بر آن اضافه کرده و آن را ارائه می‌دهد. متأسفانه جامعه علمی ایران به ویژه حوزه‌های علمیه به تحقیق‌های میدانی و مشاهده‌ای و به این سبک کار کردن عادت ندارند.

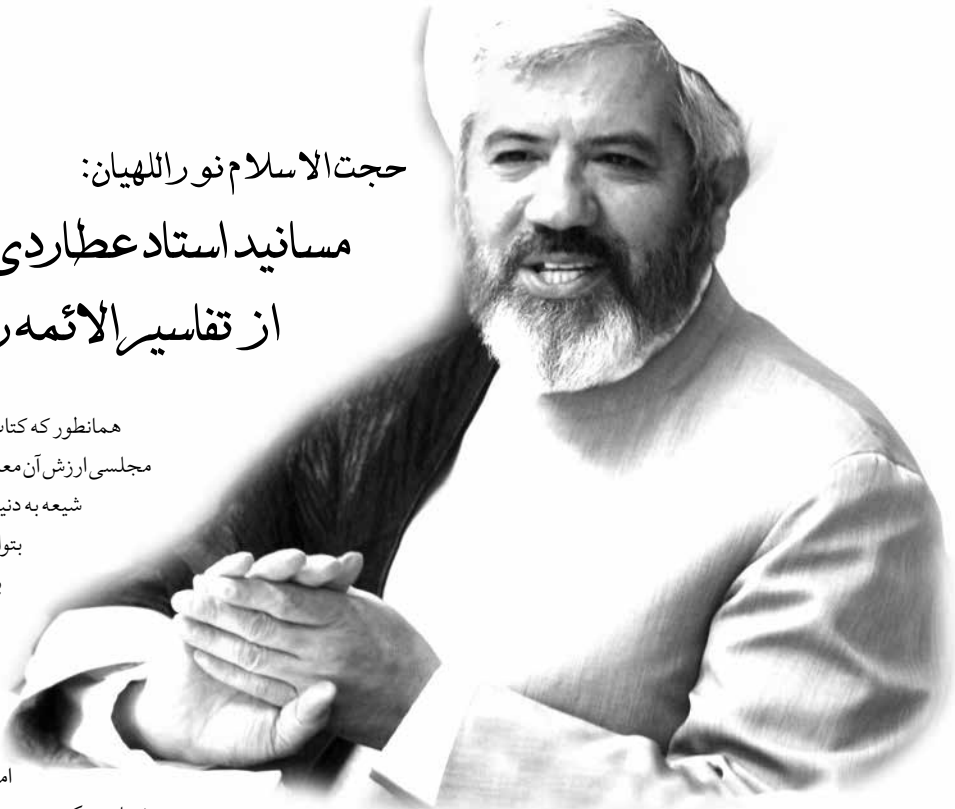
وی در ادامه ویژگی بارز استاد عطاردی را قضاوت پس از مشاهده برشمرد و گفت: آن‌چه که در مورد این مرد بزرگ قابل ذکر است این است که ایشان مرد میدان مشاهدات است؛ یعنی اگر مطلبی را بیان کند حتماً آن را مشاهده کرده

طی ۴۰ - ۳۰ سال بیماید و این شیوه را ادامه دهد، ارزش دارد. این شیوه اختصاص به این مرد سخت‌کوش اختصاص دارد و کمتر می‌توانیم کسی را پیدا کنیم که به سراغ چنین شیوه دشوار و سختی برود. مدیرمسئول و سردبیر فصل‌نامه «بینات» در پایان سخنانش بر شیوه استاد عطاردی تأکید کرد و افزود: آثار ایشان مبتنی بر مشاهده است که دشواری‌های زیادی به همراه دارد. به نظر می‌رسد که باید همایشی فقط برای شیوه‌کار استاد برپا کرد که در آن میزان سفرهای ایشان برای هر یک از آثارشان بیان شود تا درس‌الگویی برای پژوهشگران ما باشد که تلاش‌های خود را در راه علم به‌غایت انجام دهند.



حجت الاسلام نوراللهیان:

مسانید استاد عطاردی، مجموعه‌ای از تفاسیر الاثمه را در اختیار ما قرار می‌دهد



همانطور که کتاب بحارالانوار در زمان خودش شناخته شده نبود و بعد از علامه مجلسی ارزش آن معلوم شد، که این ارزش در واقع همان معرفی بنیان فکری و اندیشه‌های شیعه به دنیا است، کار آقای عطاردی نیز همین است یعنی؛ اگر استاد عطاردی بتواند آیات و روایات تفسیری ائمه را دسته‌بندی کنند و مانند کتاب بحارالانوار بیان‌هایی بر همین احادیث اضافه کنند، شاید این کتاب در حدود ۲۵-۳۰ جلد شود که از مجموعه اندیشه‌های اهل بیت درباره قرآن حکایت کند.

آقای عطاردی در مجموعه‌ای ۷۰ جلدی، سخنان و مکاتبات ائمه را جمع‌آوری کرده‌اند. ائمه عدل قرآن و یکی از دو ثقل و امانتی هستند که پیامبر -صلی‌الله‌علیه‌وآله- فرموده تا قرآن هست و شما تمسک به هر دو این‌ها دارید از هم جدایی نپذیرید و هدایت خواهید شد. به عنوان مثال اگر می‌خواهید بدانیم شرایط دوران امام جواد -علیه‌السلام- چیست، باید صحبت‌ها و بیانیه‌ها و مکاتبات ایشان را با اصحاب‌شان و حاکمیت زمان‌شان بررسی کرد. امروزه به برکت تلاش آقای عطاردی در مسانید، مجموعه‌ای از تفاسیر الاثمه را داریم که به ما این امکان را می‌دهد که به نگرش تفسیری تک‌تک ائمه در ذیل باب قرآن دست یابیم و این‌که امام راجع به این آیه، سوره و این بحث قرآنی چه نگاهی دارند، مطلبی است که مراکز و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه باید روی آن کار کنند.

آقای عطاردی با یک تتبع بسیار فراگیر در کتابخانه‌های عظیم دنیا توانسته سخنان، خطابه‌ها، نوشته‌ها و درس‌های یازده امام معصوم را جمع‌آوری کند.

گروه اندیشه: امروزه به برکت تلاش استاد عزیزالله عطاردی در تألیف مسانید اهل بیت (ع)، مجموعه‌ای از تفاسیر الاثمه از آیات قرآن کریم را داریم که به ما این امکان را می‌دهد که به نگرش تفسیری تک‌تک ائمه (ع) در ذیل باب قرآن مسانید ایشان دست یابیم. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، متن فوق بخشی از سخنان حجت الاسلام والمسلمین «محمد رضا نوراللهیان» رئیس سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور درباره استاد عزیزالله عطاردی است که برای آشنایی هر چه بیشتر با ویژگی‌های علمی و اخلاقی استاد عطاردی با وی به گفت‌وگو نشستیم. متن کامل این گفت‌وگو بدین شرح است:

ایکنا: دیدگاه شما درباره مسانید اهل بیت (ع)، تألیف استاد عطاردی چیست؟

استاد عزیزالله عطاردی بقیة السلف و باقی مانده تاریخ پرخیز و نورانی شیعه است که نمونه‌هایی همانند ایشان کم است. استاد عطاردی پژوهشگری با ۸۰ سال سن و قریب ۶۰ سال کار پرنمر و تحقیق است که همه تحقیقات‌شان را با تلاش و سخت‌کوشی ارائه داده‌اند. عصاره تلاش ایشان در دو کار بدیع خلاصه می‌شود؛ یکی «فرهنگ خراسان» و دیگری «مسانید اهل بیت (ع)» که مسانید اهل بیت (ع) در واقع یک دایرة المعارف ۷۰ جلدی است.

اندیشه‌های قرآنی علامه مجلسی به صورت مجزا قابل تبیین نیست. برای شناخت علامه مجلسی باید به واسطه کتاب «بحارالانوار» ایشان را شناخت. علامه مجلسی در هر مبحث با یک متد و روش زیبا و سیر منطقی و استناد در استدلال به قرآن وارد مباحث شده است. در ابتدا آیات آن بحث را آورده است و بعد روایات و بعد مباحث دیگر، شاید اندیشه‌های قرآنی علامه مجلسی را مانند علامه طباطبایی، مرحوم شعرانی و آیت‌الله معرفت نتوان بیان کرد ولی اگر تحقیق و مطالعه‌ای درباره مجموع ۱۱۰ جلدی بحارالانوار صورت بگیرد می‌توان به نظریه علامه مجلسی در ساحت قرآن دست یافت. در واقع کار آقای عطاردی، همانند کار علامه مجلسی در بحارالانوار است، که ایشان این کار را در قالب مسانید و شکل دیگری انجام داده است.

ایکنا: تجلی قرآن در اخلاق، آثار و زندگی ایشان چگونه است؟

از آن‌جا که ائمه، قرآن ناطق هستند، نگاه‌ها و دیدگاه‌های قرآنی که اهل بیت به هر کدام از شاگردان‌شان مثل ابن عباس گفته‌اند در واقع تفسیر ایشان است و در آن شرایط که ما می‌توانیم از مسانید ائمه، اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، اخلاقی، تاریخی، فقهی، رجالی، حدیثی و قرآنی ایشان را استخراج کنیم. من فکر می‌کنم که این خدمت استاد عطاردی در قرن‌های بعد برای شیعه شناخته خواهد شد. کارهای استاد عطاردی، بستر تحقیق را برای محققان آماده می‌کند و امروزه ما نیازمند پایان‌نامه‌هایی هستیم که درباره هر یک از این موضوعات کار کنند.

عظمت این مرد وقتی نمایان می‌شود که بدانیم تمام تلاش علمی ایشان به تنهایی انجام شده است. تنها کمک‌های انجام شده به ایشان در راستای تلاش‌های ایشان توسط دختر و همسر ایشان است که همسرشان ۶۰۰۰ صفحه را برای ایشان تایپ کرده‌اند. کار استاد عطاردی کاری است که یک مؤسسه قادر به انجام آن نیست. ایشان با تحمل رنج سفر و همت منحصر به فرد و تکیه به خدای متعال توانستند این کار عظیم را انجام دهند. در مورد سلوک قرآنی ایشان از این واضح‌تر چه می‌توان گفت که خانه، عمر و زندگی ایشان با قرآن و حدیث سپری شده است. گاهی سؤال می‌پرسم که فلانی چقدر قرآن می‌خواند؟ و برداشت‌های عرفانی و نکات جدید او از قرآن تا چه حد است؟ اما درباره آقای عطاردی باید گفت، همه زندگی ایشان قرآنی است. استاد عطاردی فردی بسیار



و مشاوره، گفت‌وگو، استفسار، تحقیق، تفسیر، تدریس، تالیف، ترجمه، تدوین، ویرایش، چاپ، توزیع، انتشار، مدیریت، و غیره

منظم، متعهد، ملتزم به هدایت قرآن مجید، در همه عمر بوده‌اند و حتی سفرهای ایشان نیز با هدایت قرآن بوده است. ایشان در محضر قرآن مؤدب و عاشق احیای آن بوده‌اند و هر وقت که صحبت از قرآن به میان می‌آید، ادب و تواضع و احترام ایشان به کلام خدا برای همه ما الگو است. ممکن است ایشان را دائم التلاوة قرآن نبینیم ولی ساعات عمر و روز و شب و ذکر و فکر ایشان در قرآن مجید سپری می‌شود. عطاردی مردی است که با ۶۰ سال تلاش در خدمت نشر معارف و اندیشه‌های قرآن از دیدگاه اهل بیت است و این نکته متمیزه استاد عطاردی نسبت به دیگران است. ضمن این‌که آقای عطاردی دارای کارهای خاص قرآنی نیز است که بخشی از آن تصحیح نسخه‌های تفسیری خاصی است که در دیگر کشورها به آن‌ها دسترسی پیدا کرده‌اند.

ایکنا: خاطرات ناگفته خود را از استاد عطاردی بفرمایید.

یکبار نماینده یونسکو خدمت آقای عطاردی آمده بود و ایشان حدود سه ساعت از فردوسی صحبت کرد و این نشان می‌دهد که شاهنامه خودش را به یونسکو نیز رسانده است و امروزه از شاهنامه ترجمه‌های مختلفی به زبان‌های مختلف شده است. شروع مختلفی بر شاهنامه نوشته شده است ولی تفاوت شرح استاد عطاردی با دیگران این است که با دقت سعی می‌کند، نگرش ملی‌گرایی به صورت افراطی جلوه نکند و فردوسی و شاهنامه را از ماده اصلی مذهب شیعه اثنا عشری جدا نکند.

چند وقت پیش، ایشان از موجی که از حدود ۶۰ سال قبل رشته‌های ادبیات را فرا گرفته است تا فردوسی را متهم به زرتشتی‌گری و سنی بودن کنند، ابراز ناراحتی می‌کردند.

آقای عطاردی از سن شش سالگی با شاهنامه انس داشته است. یک‌بار که پدر ایشان از قوچان به مشهد می‌آید و هدایایی را برای ایشان می‌خرد که در میان این هدایا، یک جلد شاهنامه نیز بوده است. در قدیم خانواده‌ها برای ایجاد روحیه سلحشوری، بزرگی روح، عزت، عظمت و مناعت طبع شاهنامه خوانده می‌شد که از همان جا به قهوه‌خانه‌ها نیز کشیده شد.

اگر با کار تحقیقی بیشتر به آثار آقای عطاردی نگاه موضوعی کنیم می‌توانیم چند جلد کتاب استخراج کنیم. آقای عطاردی مرد جامعی است که کارهای شان عمیق و علمی است. کاری که امروزه اگر با اینترنت انجام شود به راهنمایی فردی مانند ایشان نیاز دارد و نکته قابل توجه این است که حتی رایانه هم نمی‌تواند به آن سوی دنیا سفر کند. زمانی که ایشان به دره فرغانه، کوه‌های هندوکش افغانستان و در کتابخانه‌های مصر و مدینه به تحقیق می‌پرداختند، عظمت علمی شان معلوم می‌شد.

«احمد مسجدجامعی»، وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بنده تعریف می‌کرد که با آقای عطاردی و آقای محمدرضا حکیمی و تعدادی از نویسندگان اهل سنت به طائف و مکه و مدینه سفر کردیم. در این سفر هنگامی که برای بازدید وارد کتابخانه مدینه شدیم از رئیس کتابخانه پرسیدیم: شما چه تعداد کتاب فارسی دارید؟ در پاسخ گفت: ۶۰-۷۰ اثر فارسی داریم. آقای عطاردی که آن‌جا حضور داشتند، گفتند: من در حدود ۳۰ سال پیش، ۲۲۰ عنوان کتاب به زبان فارسی را فهرست کرده‌ام.

جامعیت، همت بلند و کم‌نظیر در کنار اخلاق پسندیده و خلوص برای تقرب به خدا از ویژگی‌های اخلاقی استاد عطاردی است که شاید در همایش سال گذشته مورد توجه قرار نگرفته است. آقای عطاردی در خانواده اسلام، مبارزی از نسل‌های گذشته است که با فکری باز و روشن در مسیر تعالی انسان با عدالت و برهان قاطع طبق هدایت‌های علوی حرکت کرده است و عمرشان را با بزرگانی مثل مرحوم مطهری، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله زنجانی و رهبر انقلاب گذرانده است. آقای عطاردی وقتی در مدرسه شیخ عبدالحسین حجره‌دار بودند، یکی از پایگاه‌های حضور، استراحت، درس، خواب و مطالعه مقام معظم رهبری، حجره ایشان بوده است. گاهی که آقای عطاردی را خدمت مقام معظم رهبری برده‌ام، مورد تکریم رهبر انقلاب واقع شده‌اند.

ایکنا: ویژگی‌های ممتاز علمی و اخلاقی استاد عطاردی از منظر شما چیست؟

استاد عطاردی در دوره ۲۰ ساله اقامتشان در نجف، شاگردی دو شخصیت بی‌نظیر علامه امینی و شیخ آقابزرگ تهرانی را کرده‌اند. زندگی ایشان همواره مستقل بوده است و ایشان وابسته به هیچ جریان فکری نبوده‌اند. ایشان در زندگی مرز اعتدال را رعایت کرده‌اند، استقلال رأی و تصمیم‌گیری‌های درست ایشان نشان دهنده این ویژگی ایشان است. آقای عطاردی محب امام خمینی هستند و ایشان را به پادارنده این نظام اسلامی می‌دانند.

امیدوارم آن‌چه گفته شد موجب رضایت خدای متعال واقع شود.

نظام، متعهد، ملتزم به هدایت قرآن مجید، در همه عمر بوده‌اند و حتی سفرهای ایشان نیز با هدایت قرآن بوده است. ایشان در محضر قرآن مؤدب و عاشق احیای آن بوده‌اند و هر وقت که صحبت از قرآن به میان می‌آید، ادب و تواضع و احترام ایشان به کلام خدا برای همه ما الگو است. ممکن است ایشان را دائم التلاوة قرآن نبینیم ولی ساعات عمر و روز و شب و ذکر و فکر ایشان در قرآن مجید سپری می‌شود. عطاردی مردی است که با ۶۰ سال تلاش در خدمت نشر معارف و اندیشه‌های قرآن از دیدگاه اهل بیت است و این نکته متمیزه استاد عطاردی نسبت به دیگران است. ضمن این‌که آقای عطاردی دارای کارهای خاص قرآنی نیز است که بخشی از آن تصحیح نسخه‌های تفسیری خاصی است که در دیگر کشورها به آن‌ها دسترسی پیدا کرده‌اند.

ناگفته‌ها درباره آقای عطاردی زیاد است ولی مقدار محدودی را در این مصاحبه می‌توان گفت که هدایتگر جوانان عزیز و مشتاقان به قرآن مجید باشد. آقای عطاردی در فرهنگ خراسان، مورخی است که انبوهی از اسناد تاریخی و اطلاعات و سنت‌های منحصر به فرد را در تاریخ خراسان وارد کرده است. اگر کسی جز آقای عطاردی به این کار نپرداخته بود ما به لحاظ تاریخی از این نوشته‌ها محروم بودیم. آقای عطاردی دست‌نوشته‌هایی از برخی بزرگان دارد که امروزه آن‌ها زیر خروارها خاک هستند مثل «ابوالحسن حافظیان» و مرحوم دکتر «اقبال» که تأثیرگذار بودند. آقای عطاردی تنها فرد مورد اعتماد در نزد استاد حافظیان است که دست‌نوشته‌هایش را به او می‌سپارد.

روزی من و فرمانده سابق نیروی انتظامی زاهدان که اظهار علاقه کرده بود، خدمت ایشان برسد، نشستی با آقای عطاردی داشتیم. آقای عطاردی در این جلسه تعریف می‌کردند که در خراسان جایی است به نام دهرسرخ که در نزدیک مرزها قرار دارد. زاندرمی به نام دهرسرخ در زمان حمله روس‌ها، تا آخرین تفنگ مقاومت می‌کند. آقای عطاردی ضمن بیان این ماجرا برای فرمانده سابق نیروی انتظامی زاهدان نشانه‌های سنگ قبر او را دادند و از ایشان خواستند که شما از این سرباز به عنوان فردی که در راه وطن این قدر سلحشورانه و به تنهایی دفاع کرد، تجلیل کنید و ایشان خواستند که قبر او را به عنوان نمادی از وطن دوستی احیا کنید. چنین مطلبی در تاریخ گم می‌شود ولی سرباز گمنام در همه جای دنیا شناخته شده و قابل احترام می‌کنند.

روزی به من می‌گفتند که در ایستگاه قطار مشهد که دارای لاین‌های مختلف است در انتهای لاین پنجم قبری وجود دارد که دارای سنگ قبری است که عمود بر قبر در حدود یک متر ارتفاع دارد و من دست‌نوشته‌های این سنگ را خوانده‌ام. ایشان تأکید کردند که این قبر در ریل‌گذاری‌های ایستگاه مشهد از بین نرود. من مطلب را از ایشان شنیدم و به رئیس راه آهن وقت آقای حجتی (ایشان بعدها در حادثه‌ای به شهادت رسید) گفتم: آیا شما می‌دانید که این‌جا چنین اثری وجود دارد؟ ایشان گفتند: نه و برای بازدید با موتور به آن جا رفتیم، رئیس راه آهن آن را دید و این اثر تاریخی حفظ و صیانت شد.

بعد از آقای عطاردی پرسیدیم که به نظر شما این قبر چه کسی است؟ و ایشان در پاسخ گفتند: این قبر را به افراد مختلفی نسبت می‌دهند ولی به نظر من این قبر متعلق به شاعری بزرگ به نام میلی مشهدی است که دیوان شعری داشته است. آن سنگ قبر با وجود صدمات زیاد حفظ شد تا این‌که بنده چندی قبل در مشهد دیدم که دیوان وی چاپ شد و تحقیق هم کرده بودند و با دقت زیادی روی سنگ قبر آسیب دیده را خوانده بودند و گفتند که این همان شعری است که درباره حضرت رضا گفته است و من دیوان را آوردم و دیدم آن صفحه شعر با این مطابقت می‌کند و بعد دیوان را برای استاد فرستادم.

شما در وطن دوستی و عشق به حفظ و جمع‌آوری اسناد تاریخی کشور مردی را می‌بینید که ۵۰ جلد تاریخ از اسناد ایران را نوشته است.

ایکنا: استاد عطاردی در کتاب «فرهنگ خراسان» فردوسی را چگونه به تصویر می‌کشید؟

آقای عطاردی در کتاب فرهنگ خراسان نزدیک ۹۰ صفحه از فردوسی مطلب آورده است. فردوسی‌شناسان، امروزه اصرار دارند که شیعه بودن فردوسی را انکار کنند و او را فرد



بررسی روایات امام جعفر صادق (ع) در تفسیر قرآن بر اساس مسند الامام الصادق (ع)

گروه اندیشه: از امام صادق (ع) روایات فراوانی از طریق منابع حدیثی شیعه درباره تفسیر قرآن نقل شده است. کافی است که به مسند الامام الصادق (ع) محقق معاصر عزیزالله

عطاردی جلد ششم، هفتم و هشتم مراجعه شود که بخش قرآن و تفسیر این مسند را تشکیل می دهد تا معلوم شود که تعداد این روایات در مقایسه با روایات منقول از دیگر معصومان از چه حجمی برخوردار است.

متن فوق بخشی از مقاله حجت الاسلام والمسلمین سید «محمدعلی ایازی» است که به مناسبت گرامیداشت استاد عزیزالله عطاردی در تالار شیخ صدوق واقع در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی ارائه شده و در نخستین جلد از گرامی نامه «استاد عطاردی» به چاپ رسیده است. متن کامل این مقاله بدین شرح است:

از معصومان در تفسیر و توضیح آیات قرآن، روایات فراوانی به دست ما رسیده است. در این میان، روایات منسوب به امام جعفر صادق (ع) در مقایسه با دیگر معصومان (ع) از تعداد بیشتری برخوردار است.

نویسنده این مقاله، با استفاده از مجلدات ششم و هفتم و هشتم کتاب مسند الامام الصادق (ع) اثر استاد عزیزالله عطاردی به بررسی این روایات و گونه های آن پرداخته است و روایات تفسیری امام صادق (ع) را تحت ده عنوان تقسیم بندی کرده است که عبارت اند: شرح واژگان، شرح مفاد کلمه، شرح جمله و مفاد کلمه، زدودن شبهه و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن، تأویل آیات، تعیین مصداق و مصادیق، تبیین معارف اعتقادی، توجه به پیام و اهداف تربیتی، توضیح قصص قرآن، توجه به لایه های باطنی.

از امام صادق (ع) روایات فراوانی از طریق منابع حدیثی شیعه درباره تفسیر قرآن نقل شده است. کافی است که به مسند الامام الصادق (ع) محقق معاصر عزیزالله عطاردی جلد ششم، هفتم و هشتم مراجعه شود که بخش قرآن و تفسیر این مسند را تشکیل می دهد تا معلوم شود که تعداد این روایات در مقایسه با روایات منقول از دیگر معصومان از چه حجمی برخوردار است.

درباره منابع و طریق های دیگر چون کتاب های عرفانی و گردآوری های مستقل منسوب به امام جعفر صادق (ع) سخن های بسیار است، به عنوان نمونه می توان از دو کتاب ظاهر تفسیری منسوب به ایشان یاد کرد، یکی تفسیر جعفر الصادق که توسط علی زیعور گردآوری و تحقیق و توسط موسسه عزالدین للطباعه و النشر چاپ شده است و دیگری تفسیر جعفر الصادق به تحقیق پول نویا که ظاهر گردآوری شده از اصل حقائق التفسیر ابو عبدالرحمن سلمی (۳۲۵ - ۴۱۲ق) است و سلمی با تعبیر تردید آمیز نقل می کند: «ذکر آنها عن جعفر بن محمد» و به صورت مرسل گزارش شده است.

البته پیش از پل نویا، لویی ماسینیون نخستین مستشرقی است که آثار تفسیری امام صادق در کتاب حقائق التفسیر را جستجو و درباره منابع آن سخن گفته است اما اخیراً گرد هارد باورینگ تفسیر سلمی و زیادات حقائق التفسیر را تحقیق و روایات منسوب به امام صادق را در این تفسیر که ۲۱۱ نقل تفسیری است مورد توجه قرار داده است.

محمد کاظم رحمتی بر آن است تا نشان دهد که حداقل بخشی از آنچه به نام تفسیر امام صادق در متون عرفانی، مخصوصاً آثار ابو عبدالرحمن سلمی مشهور است، تحریری از اثر شیعی مشهور به نام صحیفه الرضا به شمار می رود. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) این صحیفه را در کتاب عیون اخبار الرضا آورده است.

گفته شده این روایات، از طریق علی بن موسی الرضا به امام جعفر بن محمد صادق منتهی می شود نکته پایانی که از این محقق آورده آن است که روایات صوفیانه امام صادق (ع) پیش از «سلمی» در محافل صوفیانه عراق تداول داشته و کاری که وی انجام داده انتقال این روایات به محافل صوفیانه خراسان بوده و با وجود آن که عالمان امامی به

طریق های دیگر روایت این کتاب، آشنا بوده اند ظاهراً هیچ گاه از تحریر صوفیانه این اثر که به دست «سلمی» تدوین نهایی یافته بهره نبرده اند.

از سوی دیگر، تفسیر نعمانی و در برخی تغییرها رساله محکم و متشابه که علامه مجلسی آن را در جلد نود بحار الانوار آورده و به صورت مستقل هم چاپ شده روایاتی است که به امام جعفر صادق (ع) نسبت داده شده است.

به هر حال با چنین نوشته و سخن هایی از تفسیر امام صادق (ع) مواجه هستیم و آن چه مدنظر این نوشته است روایاتی است که در مجامع روایی شیعه نقل شده و آقای عطاردی با ترتیب رایج با عنوان کتاب تفسیر در مسند الامام صادق نقل کرده است.

این روایات شامل مطالبی است که به طور مشخص آن حضرت از پیامبر (ص) و امام علی (ع) و امام باقر (ع) نقل کرده یا حضرت بدون اسناد، آن را بیان می کند، این روایات شامل سه بخش است: روایاتی که در باب جایگاه و فضیلت قرآن رسیده و مسلمانان را به تحفظ، انس و تدبیر قرآن تشویق می کند و اهمیت قرآن را در زندگی نشان می دهد؛ روایاتی که در موضوعات علوم قرآنی مانند نسخ منسوخ، محکم و متشابه، اسباب نزول، جمع قرآن و خواص قرآن رسیده است و دسته آخر، روایاتی است که در تفسیر آیات رسیده و به ترتیب سوره ها و آیات طبق مصحف شریف تنظیم شده است.

نویسنده در این مقاله بر آن است تا میراث تفسیری آن حضرت را توصیف و تحلیل کند و ویژگی ها و گونه های تفسیر امام صادق (ع) را شرح دهد و در هر قسمت نمونه ای از روایات تفسیری را نقل کرده و اهمیت آن را در توسعه مفهومی و بازکردن فضای کشف معانی ذکر کند پیش از ورود در سخن لازم است نکاتی کلی یادآوری شود.

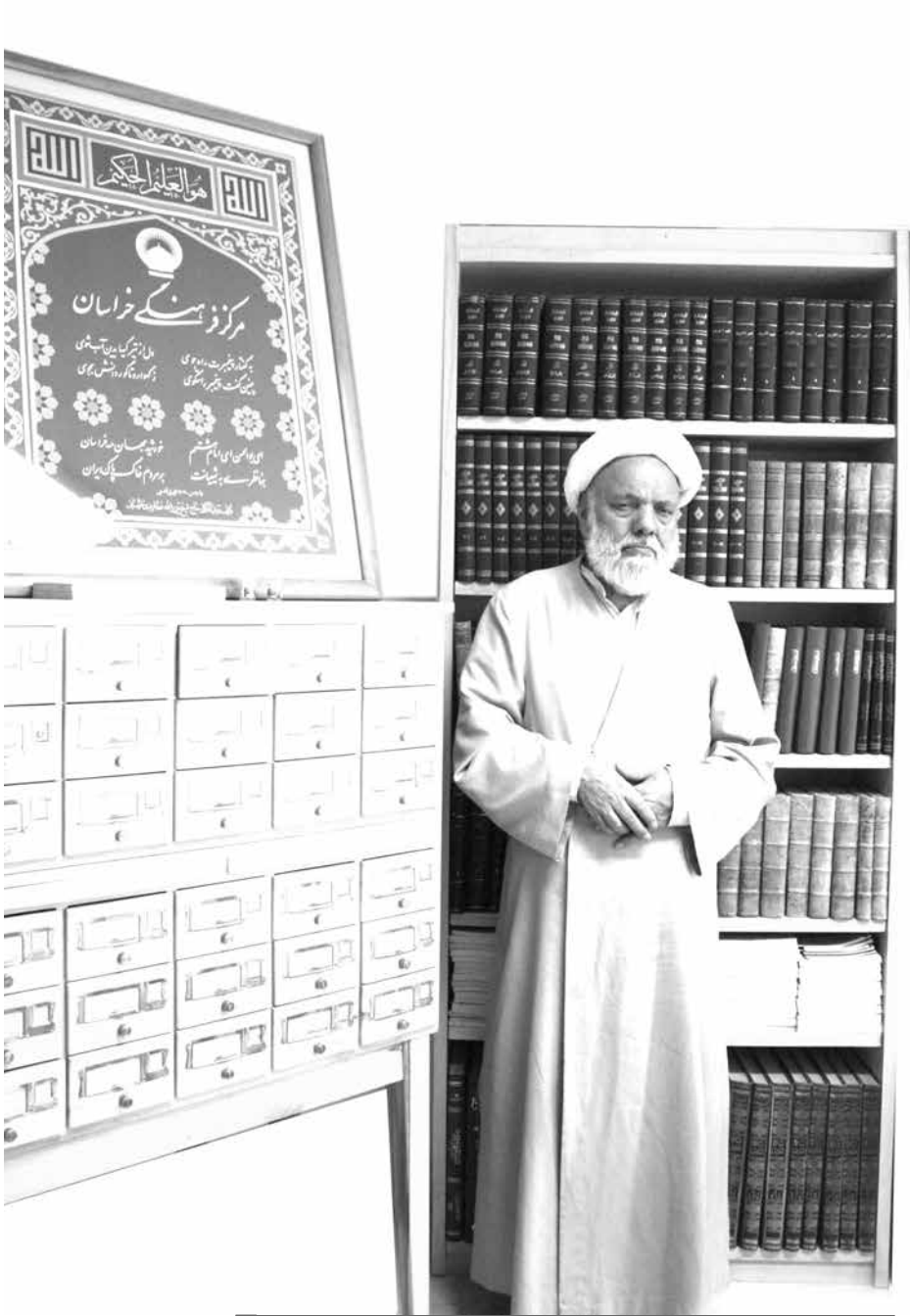
آنچه در این مجموعه مطرح شده، تفسیر ماثور است؛ یعنی آموزه های پیامبر (ص) و امامان (ع) در توضیح و تفصیل و پرده برداری از معانی و معارف قرآن گزارش شده و همه ویژگی های تفسیر ماثور را دارد و در برابر تفسیرهای دیگر چون تفسیر اجتهادی و عقلی و متکی به منقولات صحابه و تابعین است و بر فرض صحت و ایتقان سند، از حجیت خاص خود برخوردار است.

این روایات از منابع گوناگون نقل شده و از نظر دقت ضبط، اسناد و تاریخ ضبط روایت و روایاتی که آن ها را نقل می کند چندگانگی دارند برخی از این روایات در مجامع معتبر روایی شیعه چون الکافی، تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه نقل شده و یا چون کتاب المحاسن برقی و عیون اخبار الرضا صدوق و معانی الاخبار آمده، اما برخی روایات از کتاب هایی چون تفسیر عیاشی و بصائر الدرجات و احتجاج طبرسی و تفسیر قمی نقل شده که درباره آن سخن ها است.

برخی از منابع آن، کتاب های حدیثی اهل سنت مانند مصنف ابن ابی شیبه، تاریخ بغداد، تفسیر سفیان ثوری و شواهد التنزیل از منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت است و برخی از منابع آن را منابع دست دوم به حساب می آید، مانند بحار الانوار مجلسی.

بررسی و سخن درباره روایات تفسیر امام صادق (ع) در قلمرو تفسیر پژوهی و گونه شناسی است و مباحث سندی این روایات مدنظر نبوده و نیست و کار مستقلی را می طلبد و در تحلیل و ارزیابی محتوای آن از این جنبه لحاظ نشده است به همین دلیل گاهی برای استناد و استدلال به روایاتی از رساله محکم و متشابه، روایات تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر فرات استناد شده است بدون آن که اشکالات سندی و حجیت آن ها مورد غفلت قرار گیرد همچنین برخی از این روایات به صورت مرسل نقل شده مانند روایات مرسلی که طبرسی در مجمع البیان نقل می کند و منابع آن ها مشخص نیست، یا در تفسیر عیاشی آمده و اسناد آن حذف شده است و یا مجلسی از منابعی نقل می کند که جای چون و چرا دارد.

در طرح و بررسی این روایات، آسیب های تفسیر اثری مورد توجه بوده و در آن چاکه جنبه ساختگی آن روشن بوده چون روایات اسرائیلی، روایات مشتمل بر غلو و خرافات در بحث



گونه‌شناسی مورد استناد قرار نگرفته‌اند و چون در این مقاله در مقام معرفی این آثار به صورت کلی بیه نیازمند این واری‌ها نیست و تنها در صورتی جای توجه دارد که بنا بر استناد به یک روایات خاص باشد، اما بدون شک در تفسیر مآثور یکی از مشکلات که همچنان باقی می‌ماند و لازم است مانند روایات فقهی نقد و بررسی و پالایش شوند، روایات اسرائیلی، روایات مشتمل بر غلو و خرافات و دخیل است که این کار هر چند در این اواخر و دیر هنگام انجام گرفته، گران قدر است.

بنابراین با توجه به این نکات، روایات تفسیری امام صادق (ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد و انواع و دسته‌بندی و گونه‌ها و موضوعات این روایات معرفی می‌شوند.

با پذیرش این نکته که از امام صادق (ع) در تفسیر آیات، روایات گوناگونی نقل شده که چند گونه هستند، می‌توان این چندگانگی را در ابعاد زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱- شرح واژگان:

گونه‌ای از این روایات در شرح واژگان و معانی لغوی کلمات قرآنی رسیده است. تفسیر لفظی و لغوی قرآن و به طور خاص تفسیر غرائب قرآن از هنگام نزول قرآن مورد توجه صحابه بوده است آنان هر چه که به واژه‌ای بر می‌خورند که نا آشنا به نظر می‌رسید، از پیامبر (ص) می‌پرسیدند و یا به دیوان اشعار شاعران مراجعه می‌کردند و یا به استعمال آن در میان اهل بادیه می‌رفتند نمونه این مراجعه را می‌توان در کتاب «مسائل» نافع بن ازرق از ابن عباس دیده که روایت‌های گوناگونی از آن شده است.

این شیوه تبیین واژگان، تفسیر قرآن نیست، امام (ع) مقدمه‌ای برای فهم و کشف پیام الهی را تشکیل می‌دهد. امام صادق (ع) در این روایات در توضیح واژگان به دو جنبه از شرح واژه پرداخته اند گاهی تبیین واژه جنبه ظاهری و لفظی دارد و در جهت آگاه کردن شیوه محاوره عرب و استعمال آن است، و گاهی در جهت تفسیر کلمه و توجه دادن به معنایی خاص است، مثلاً در روایتی در ذیل آیه «و لا تجعل یدک مغلوله إلی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتفعد ملوما محسورا» (سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه ۲۹) «محسور» و «احسار» را که به معنای حسرت زده ترجمه می‌شود و معنایش این است که در انفاق کردن چنان گشاده دستی منما که ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی، حضرت به برهنگی و عریانی معنا می‌کنند و در نتیجه معنای آیه چنین می‌شود که در انفاق کردن چنان گشاده دستی منما که دچار برهنگی و درماندگی شوی و املاق را در آیه «و لا تقتلوا اولادکم خشية إملاق» (سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه ۳۱) را فقر و گرسنگی.

اما تفاوتی که میان این دو نوع لغت‌شناسی وجود دارد، در اولی تفسیر واژه است چون محسور به همان معنای حسرت زده است اما حضرت به تفسیر واژه است، چون محسور به همان معنای حسرت زده است اما حضرت به علت حسرت توجه داده که یکی از آن‌ها می‌تواند بخشش تا حد برهنگی و عریان شدن باشد، در صورتی

که حسرت زدگی مصادیق دیگری هم می‌تواند داشته باشد چون فقر و گرسنگی، درماندگی، فشار محدودیت، ملامت همسر و فرزندان.

اما در کلمه «املاق»، اگر تنگدستی معنا کنیم، یا فقر و گرسنگی، شرح الفاظ و توجه دادن به واژگان است و تفاوتی میان لغت با حدیث نیست و حضرت به همان معنای لغوی توجه می‌دهند.

نمونه دیگر از موارد شرح لفظی نقل شده از امام در توضیح کلمه «توسم» در آیه «إن فی ذلک لآیات للمتوسمین» (سوره مبارکه حجر، آیه شریفه ۷۵) است. قال: المتفرسون. متوسم در لغات به معنای هوشیاران معنا شده است اما حضرت به افراد زیرک معنا کرده اند که میان زیرکی و هوشیاری تفاوت چندانی نیست، اما نکته قابل توجه بیان این گونه از تفسیرهای واژه‌شناسی است.

نمونه دیگر از این گونه شرح واژگان، فروغ اللغه یاد کرد، تفاوت میان دو واژه نزدیک به هم است. فروغ اللغه، یکی از گرایش‌های دیرین واژه‌شناسی است به عنوان نمونه دو کلمه فقیر و مسکین معنایی نزدیک به هم دارد اما چون در قرآن با هم آمده است «إنما الصدقات للفقراء و المساکین» (سوره مبارکه توبه، آیه شریفه ۶۰) این پرسش مطرح است که تفاوت میان این دو کلمه چیست؟ حضرت می‌فرمایند: فقیر کسی است که به مردم اظهار نیاز نمی‌کند و مسکین کسی است که حالش از فقیر سخت تر باشد و از مردم سؤال و درخواست می‌کند.

ذکر این تفاوت هم جنبه تفسیری دارد تا روشن شود که در قرآن مترادف به کار

نرفته و معانی مختلفی در نظر است. جنبه فقهی هم دارد که اگر امر دائر میان فقیر و مسکین شد باید نوعی ترتب در پرداخت زکات، رعایت شود. نمونه دیگر بیان تفاوت میان سر و خفی در آیه «یعلم السر و الخفی» (سوره مبارکه طه، آیه شریفه ۷) از آن حضرت است که می فرماید: سر، آن چیزی است که در درون خود پنهان کنی و خفی، آن چیزی است که به ذهن تو می رسد و فراموش می کند.

البته گاهی شرح واژگان، در مقام بیان مصداق است، چنان که از آن حضرت درباره آیه «انفروا خفافا و ثقالا» (سوره مبارکه توبه، آیه شریفه ۴۱) که معنایش این است که سبکبار و گرانبار کوچ کنید، پرسیده می شود که معنایش چیست؟ حضرت می فرماید: «شباباً و شیوخاً؛ چه جوان باشید یا پیرمرد، برای جهاد فی سبیل الله کوچ کنید»

بی گمان سبکباری به معنای جوانی نیست؛ اما می تواند مصداق این واژه باشد. همچنین گرانباری و ثقیل بودن، یکی از مصداقش پیری، کهولت و ضعف و سستی است.

۲- شرح مفاد کلمه:

گونه‌ای از روایات امام صادق در تبیین مفاد کلمه است حضرت در این دسته از روایات در مقام بیان لغت نیست. کلمه را شرح می دهد، مثلاً در قرآن دو بار کلمه طوفان آمده است. طوفان و طیفون از یک ریشه است و به هر چیزی که فراگیر شود، گفته می شود و معمولاً برای باران های سخت و سهمگین و تشکیل امواج هولناک به کار گرفته می شود، اما وقتی از امام صادق (ع) درباره طوفان و مفاد این کلمه می پرسند، حضرت می فرماید: هو طوفان الماء و الطاعون؛ یعنی به مفاد لغوی کلمه توجه می دهد و شامل بیماری های فراگیر و کشنده هم می داند و از معنای رایج کلمه فراتر می رود.

نمونه دیگر از شرح مفاد کلمه، معنای: «یوم التناد» در آیه «إني أخاف عليكم يوم التناد» (سوره مبارکه غافر، آیه شریفه ۳۲) است. معنای کلمه روز ندا دادن مردم به یکدیگر است اما حضرت شرح بیشتری می دهد و می فرماید: «ونادی اصحاب النار اصحاب الجنة أن أفيضوا علينا من الماء» روزی که اهل جهنم بهشتیان را ندا می دهند که بر ما، آبی افاضه کنید؛ یعنی عینیت روز قیامت و ویژگی آن را بیان می کنند.

در روایات امام صادق (ع) این گونه از بیان شرح کلمه که فراتر از معنای لغوی پیش رفته بسیار است و در حقیقت تفسیر لغوی قرآن می باشد.

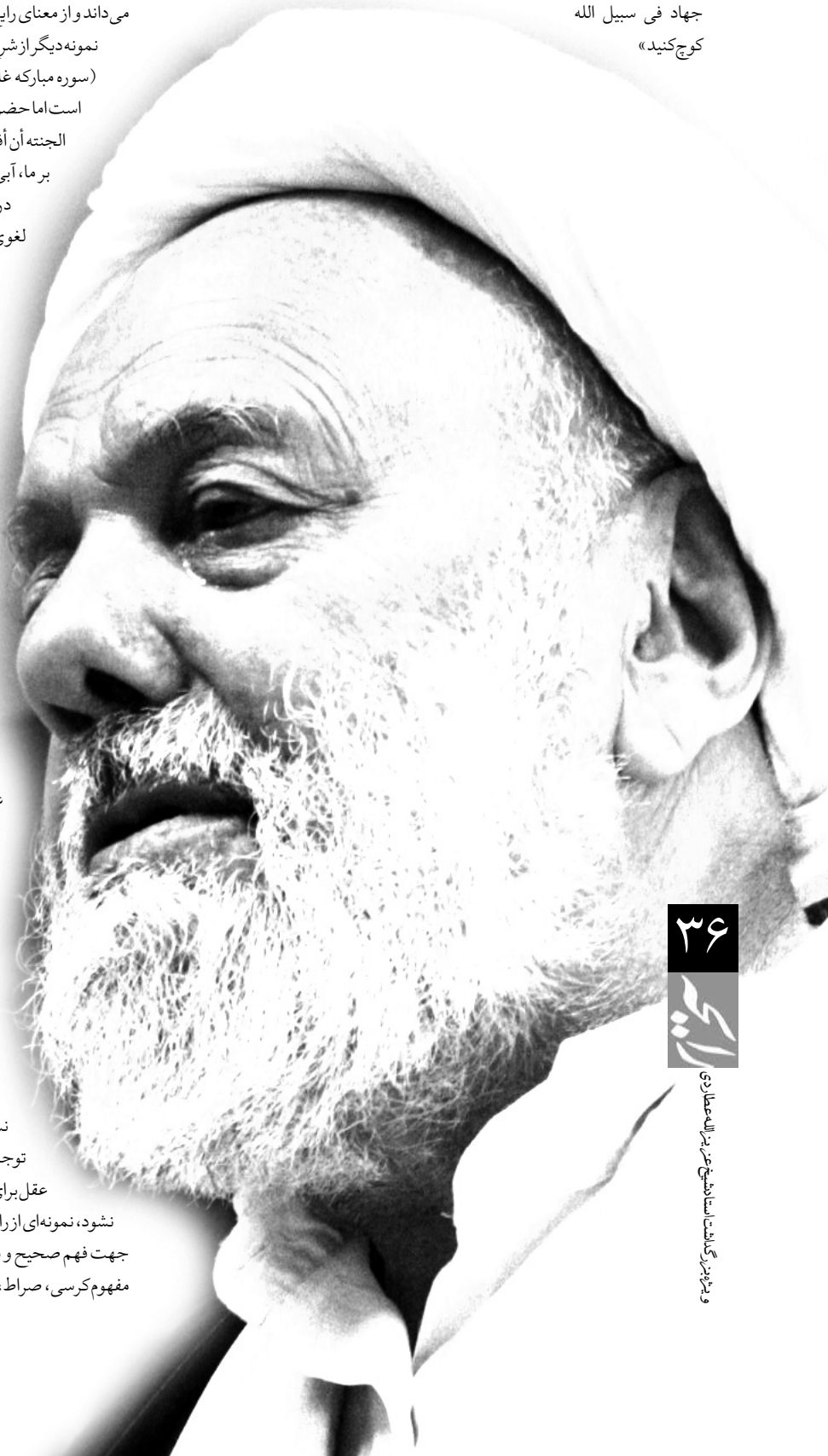
۲- شرح جمله و مفاد کلمه:

گونه‌ای دیگر از تفسیرهای منقول از امام صادق (ع) مواردی است که به جای بیان واژگان و تفسیر لغوی، در شرح جمله و برداشتن اجمال و ابهام در کلام است مانند چندین روایتی که از حضرت در شرح جمله «الرحمن علی العرش استوی» (سوره مبارکه طه، آیه شریفه ۵) رسیده است که می فرماید: «استوی من کل شیء فلیس شیء هو أقرب إلیه من شیء؛ خدای رحمان از هر جهت، بر عرش استیلا دارد، پس چیزی نیست که نزدیک تر به او باشد.»

نمونه دیگر در تفسیر این جمله است «والذین یؤتون ماء اتوا و قلوبهم و جلة أنهم إلی ربهم راجعون» و کسانی که آن چه را دارند، می دهند در حالی که دل هایشان ترسان است و می دانند که به سوی پروردگارش باز خواهند گشت. طبق روایات برقی در المحاسن، امام صادق «یؤتون ماء اتوا» را به یعلمون ما عملوا من عمل وهم یعلمون انهم یتابون علیه، تفسیر می کند، دادن را به انجام دادن چیزهایی که شرایط برای آن ها فراهم شده می داند، در حالی که این گروه می دانند که کارهای آنان پاداش داده می شود و خشیت و نرمی به خاطر علم آنان به عاقبت کار و آینده روشن است.

۴- زدودن شبهه و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن:

بی گمان یکی از مسئولیت های اهل بیت (ع) پاسخگویی به شبهات بوده است آنان با تمام سختی و دشواری و شکنندگی انزوا، افزون بر روش ایجابی در بیان آیات، به تصحیح حرکت تفسیر و زدودن شبهات از آیات برآمده اند آنان با مخالفت با تفسیرهای غلط و شیوه های مخالف با قواعد تفسیر، مانند تفسیر به رأی و تقطیع کردن آیات و بی توجهی به آیات ناسخ و منسوخ و حمله بر نقل و داخل کردن اسرائیلیات در روایات، راه تفسیر صحیح را هموار ساختند بخشی از این روایات از امام صادق رسیده که نشان می دهد یکی از جایگاه های انحصاری آنان در هدایت به تفسیر و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن است نهی امام صادق (ع) از تفسیرهایی که به سیاق آیات توجه نشود، یا از قیاس خاص (دستیابی علل و واقعه احکام شرعی از طریق عقل برای معیار قرار دادن صحت نصوص شرعی) یا به محکم و متشابه آن توجه نشود، نمونه ای از راهنمایی های حضرت نسبت به تصحیح حرکت تفسیر است، چنان که جهت فهم صحیح و پیشگیری از بدفهمی معانی کلمات، احد، صمد، هدایت و ضلالت، مفهوم کرسی، صراط، ابتلای به کلمات، معنای رجس و غیب و شهادت و ده ها کلمه قرآنی



در این جهت تفسیر شده‌اند.

نمونه دیگر، در تفسیر آیاتی است که شبهه جبر در آنها آمده مانند: «من یهد الله فهو المهتدی» و آیه «وما توفیقی إلا بالله» است.

۵- تأویل آیات:

گونه‌ای دیگر از روایات امام صادق تأویل آیات و راه بردن به معانی غیر از ظاهر الفاظ و توجه دادن به فراسوی معانی است. در تأویل، یکی از لایه‌های چندگانه نص، کشف می‌شود و کشف بخشی از حقایق و فرجام سخن از طریق تأویل فرصتی است برای کاوش متن که علم آن به بشریت ارمغان داده شده و به تدریج به آن برسد و فراخی ذهن در حوزه معارف دینی پیدا کند. این گونه نیست که فقط خداوند بداند و بس و دیگران در مرتبه‌ای از آن بی بهره باشند و گزینه نزول قرآن و قصد آن معانی لغوی می‌شود و توجه بر لایه‌های زیرین حاصل نمی‌شود آن چه در آیه هفتم سوره آل عمران بیان شده و از آن نهی شده تنها تأویل قرآن نیست، تأویل آیه به انگیزه فتنه جویی و ضرب قرآن به قرآن به جای شاهد آوردن قرآن به قرآن است.

با آن که معنای درست آن را می‌دانند و می‌توانند کشف کنند. واژه «ابتغاء الفتنه»، در این آیه، گویای این نکته است که تأویل کنندگان خود می‌دانند تأویلشان با مراد خداوند مغایر است، اما این عمل را بر انگیزه باطل تغییر می‌دهند.

به هر حال، یکی از وجود تفسیری امام صادق (ع) که موارد آن هم کم نیست، تأویل جمله‌ها و آیات است وقتی امام صادق (ع) بر طبق روایت کلینی آیه شریفه «هل أتى علی الإنسان حین من الله لم یکن شیئا مذکورا» را تفسیر می‌کند «شیئا مذکورا» را به «کان مقدرا غیر مذکور» تأویل می‌برد و معنایش چنین می‌شود انسان آن هنگام از روزگار، چیزی تقدیر شده بود اما در خور یادکردن نبود یا در تفسیر آیه «والذین یصلون ما أمر الله به أن یوصل»، «یصلون» را در تفسیر ظاهری آن به صلح رحم و پیوند خویشاوندی آن ارجاع می‌دهد و اما در ذیل روایت می‌فرماید: «و غایة تأویلها صلتک ایانا؛ و نهایت تأویل آیه، پیوند تو به امامت و ما اهل بیت (ع) است» در این جالغظ، تحمل معنای گسترده‌ای را دارد تا شامل اهل بیت پیامبر (ص) بشود، اما این نهایت تأویل آیه است.

نمونه دیگر در تأویل آیه «وإن من شیء إلا عندنا خزائنه» است که حضرت به نقل از پدران خود می‌فرماید: در عرش خدا، تمثال همه آفریده‌های دریایی و خشکی است و این معنا تأویل آیه است.»

البته موارد تأویل آیات به اهل بیت (ع) فراوان است مانند آن چه عبدالعظیم حسنی به اسناد خود از امام صادق روایت می‌کند درباره آیه «وَأَلُو اسْتَقَامُوا عَلِي الطَّرِيقَةَ لَا سَقِينَاهُمْ مَاءَ غَدَقًا» و اگر در راه درست پایداری و رزند، قطعا آب گورایی بدیشان نوشانیم، حضرت این راه درست را، راه اولیای خدا و اوصیای پیامبر (ص) می‌داند و بر این معنا تأویل می‌برد. هر چند ظاهر آیه درباره جن آمده و سخنان آنان درباره انسان‌ها و در حیات پیامبر (ص) و در شهر مکه است.

۶- تعیین مصداق و مصادیق:

یکی دیگر از گونه‌های تفسیر در این روایات، نشان دادن نمونه‌های عینی و بیرونی و در تطبیق با حقایق و اشاره‌هایی قرآنی است. در تفسیر، توجه به مصداق و آوردن نمونه، برای تصور ذهنی کامل از مفهوم استفاده می‌شود. نشان دادن مصداق، هم قلمرو معنا را تعیین می‌کند و هم به کلام عینیت می‌بخشد و از ابهام در می‌آورد. در سخنان مردم گاهی از مفاهیم ارزشی سخن می‌رود، می‌گویند ایثار، و بعد به موردی در خارج اشاره می‌کنند که کاملاً مفهوم را نشان می‌دهد و مثل اعلای آن می‌شود: شهادت، تواضع و اخلاص. در این موارد، ذکر مثال‌ها به این معنا نیست که آن مفهوم در آن مثال خلاصه شده اما یادکرد مثال، در جلوه کردن آن ارزش، سهم به سزایی دارد. روایات بسیاری از امام صادق (ع) در نشان دادن مصداق یا مصادیق آیات رسیده و گاه چنان تعبیر شده که گویا در انحصار همان مصداق است، با آن که مفهوم کلام کلی و شامل مصداق‌های فراوان است. به عنوان نمونه، طبرسی از امام صادق (ع) در ذیل آیه «رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله» نقل می‌کند آن ها کسانی هستند که در هنگام نماز، تجارت و خرید و فروش خود را رها و به نماز مشغول می‌شوند.» روشن است که «ذكر الله» مفهوم عام دارد و شامل مصداق‌های فراوان می‌شود یا درباره آیه «والمستغفرین بالأسحار» امام می‌فرماید: کسی که پس از رکوع نماز و تر هفتاد بار استغفار کند از استغفار کنندگان در سحرها است.

اما گاهی مسأله از این بالاتر است و ذکر مصداق از قبیل جری و تطبیق است؛ یعنی

کشاندن مفهوم به موضوعاتی است که به ظاهر از کلام استفاده نمی‌شود و آیه ظاهر در موردی نازل شده که گویا تنها ناظر به آن حادثه است ولی امام صادق (ع) گستره پیام را روشن می‌کند و تصور دیگری به مصداق می‌دهد. این که اهل بیت پیامبر (ص) در سخنان خود از مفهوم به مصداق‌های گوناگون راهنمای کرده‌اند تردیدی نیست و در بررسی روایات این که به خوبی آشکار می‌شود به عنوان نمونه در روایت فضیل بن یسار از امام باقر (ع) آمده است، نمی‌تواند آیه‌ای از قرآن باشد که برای آن افزون بر ظاهر، لایه‌ای دیگر نباشد، در نهایت برخی از آن‌ها در باره اموری است که زمان آن گذشته و برخی از آن‌ها درباره چیزهایی است که هنوز وقت آن فرا رسیده است و مانند جریان خورشید در بستر حرکتش.

در روایتی دیگر از آن حضرت در فلسفه جری و تطبیق آمده است: «ولو أن الآیة إذ انزلت فی قوم ثم مات اولئک القوم ماتت الآیة، لما بقی من القرآن شیء؛ اگر آیه‌ای درباره مردمی نازل شد و آنان مردند، دیگر جایی برای مصداق خارجی نداشته باشد، آیه مرده است و در آن صورت دیگر از قرآن چیزی باقی نمانده است.

به همین دلیل روایات بسیاری از امام صادق (ع) در جری و تطبیق؛ یعنی کشاندن مفهوم به موضوعات جدید عینی و نشان دادن مصداق‌های پدید آمده رسیده است و گویی به مخاطب این روش را تعلیم می‌دهند که خیلی به مصداق‌های کهنه و قدیمی خود را محدود نکنید، می‌توانید این مفاهیم را به عصر و زمان خود تطبیق دهید.

۷- تبیین معارف اعتقادی:

از آن جا که یکی از جایگاه‌های اهل بیت (ع) مرزبانی از اعتقادات قرآنی و نظارت بر روند اندیشه دینی در جامعه مسلمانان بوده یکی از گونه‌های تفسیری امام صادق (ع) تبیین این معارف بلند در حوزه مسائل اعتقادی است در این گونه از روایات گاه دیده می‌شود با استناد به آیات، عقیده‌های تصحیح و عقیده‌های تبیین می‌شود. از این رو می‌توان مبارزه آن حضرت با مرجئه، قدریه، جبریه، اندیشه تشبیه و تجسیم دیگر نحله‌های فکری را در روایات تفسیری اهل بیت (ع) مشاهده کرد. معمولاً بیشتر این دسته از روایات، جنبه استنادی دارد تا پرده برداری و کشف معنا، هر چند در جاهایی که احتمالات گوناگونی در کلام مطرح است مانند آن چه امام در آیه «وسع کرسیه السماوات والارض» (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۲۵۵) در توضیح کرسی می‌فرماید: مراد از آن علم پروردگار است که بر آسمان‌ها و زمین سیطره دارد و در تفسیر «یمحو الله ما یشاء و یثبت» (سوره مبارکه رعد، آیه شریفه ۳۹) درباره محو و اثبات الهی که چه چیزی را از بین می‌برد و چه چیزی را بر جای می‌گذارد، حضرت می‌فرماید: «و هل یمحو الله إلا ما کان و هل یثبت إلا ما لکم یکن؛ آیا جز آن چه ثابت بوده، محو می‌شود؟ و آیا جز آن چه نبوده اثبات می‌شود.» در این باره کافی است که به کتاب «التوحید صدوق» مراجعه شود تا معلوم شود که حجم این دسته از روایات چه بسیار است.

۸- توجه به پیام و اهداف تربیتی و هدایتی:

بی‌گمان نگرش قرآن به عنوان کتابی که هدایت‌گر است و مهم‌ترین پیام آن مسائل هدایتی و تربیتی است که از آن بینش جامع و کامل و سازنده استفاده می‌شود، بینشی که روح حرکت و مسئولیت و ایجاد هویت مستقل معنوی برمی‌آید این جهت تفسیری در عهد بنی امیه و بنی عباس مغفول مانده بود و حتی با طرح مباحث حاشیه‌ای چون تأکید فراوان به قرأت و وجوه ادبی و قصه‌پردازی اسرائیلی فضای گرایش به قرآن منحرف شده بود یکی از گام‌های مهم اهل بیت (ع) تأکید بر هدف‌مندی نزول قرآن و اولویت دادن به طرح مسائل اخلاقی و تربیتی و پررنگ کردن ابعاد هدایتی قرآن بود.

امام صادق (ع) که فرصتی پیدا کرده بود تا بتوانند ناگفته‌ها را بگویند، در تفسیر آیات، هدف اصلی قرآن را در جهت ساخت شخصیت روحی مخاطبان خود بیان می‌کنند و با طرح مباحث اخلاقی و تطبیق آن به قرآن و یا برجسته کردن این نکات، فضای دیگری از مسائل سیر و سلوکی و عرفانی به وجود آوردند اگر استناد روایات ابو عبدالرحمن سلمی را در حقایق التفسیر به امام صادق (ع) را تردید کنیم، اما وجود «صحیفه الرضا» منقول از امام صادق در کنار عیون اخبار الرضا شیخ صدوق را نمی‌توانیم انکار کنیم همچنین حجم انبوهی از روایاتی که در همین کتاب مسند امام الصادق رسیده و توجه به پیام و اهداف تربیتی و هدایتی را نشان می‌دهد، افزون بر تفسیر کلمه، نکته‌های پیام و آموزه‌های آن را شرح می‌دهد به عنوان نمونه حضرت در ذیل آیه شریفه «تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض ولا فسادا والعاقبة للمتقين» (سوره مبارکه قصص، آیه شریفه ۸۳) بحثی درباره جایگاه دنیا و چگونگی استفاده از آن را مطرح

می‌کند و در حال گریه می‌فرماید: به خدا سوگند آرزوها و آمال با این آیه از بین رفته است به خدا نیکان سعادت‌مند شدند.»

آنگاه حضرت بالحنی تربیتی و عرفانی نکات آیه را بیان می‌کنند و قلمرو زهد از دنیا را شرح می‌دهند و در پایان به مهم‌ترین فراز آیه «علا فی الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقین» اشاره و بزرگ‌ترین آفت انسان در دنیا؛ یعنی قدرت‌طلبی و زنجارگی اشاره می‌کنند و بر این جمله تطبیق می‌دهند.

نمونه دیگر، شرح آیه «مثل الذین حملوا التوراة ثم لم يحملوها کمثل الحمار یحمل اسفار» (سوره مبارکه جمعه، آیه شریفه ۵) که امام به مقایسه حمار با انسانی که می‌داند و عمل نمی‌کند، می‌پردازد و در پایان به نقل از امیر مومنان (ع) می‌فرماید: «یا ایها الناس کل امری ملاق فی فراره ما منه یفر و الأجل مساق النفس الیه و الهرب منه موافاته؛ ای مردم، هرکسی از آن چیز که می‌گریزد، به سر وقتش می‌آید و اجل به سوی او سوق داده می‌شود و فرار کردن از آن رسیدن به آن است.»

۹- توضیح قصص قرآنی:

بخش گسترده‌ای از آیات قرآن را قصه‌های اقوام پیشین و زندگی پیامبران الهی تشکیل می‌دهد و در آن مفهوم و اهداف و فلسفه تکرارها و توضیح و تفصیل داستان‌ها و مرز بندی اخبار صحیح از غیر صحیح از سوی امام صادق (ع) مطرح شده است آن حضرت در مورد بسیاری ضمن تبیین قصص قرآن اشاره به نکته‌ها و تفسیرهای ویژه‌ای کرده و به طور محسوس در بیان اهداف قصه و توضیح و تفصیل آن داستان‌ها پرداخته و برای تکمیل صورت و جهت حوادث، گاهی با عنایت به واژه‌های، این آیات را شرح می‌دهند، اما اغلب در تفصیل وقایع در پی ذکر جزئیات و توصیف حال شخصیت‌های داستان، به دنبال ترویج پیام و ذکر هدف داستان برای ترویج حق یا تأیید اصول اعتقادی و گاهی تطبیق آن با شرایط و احوال مسلمانان است.

تفصیل و توضیح در این روایات امام صادق (ع) گاهی در قالب گفت‌وگو و زمانی در قالب رفع ابهام و هشدار نسبت به آیندگان و تکرار حوادث و ضرب‌المثل و تطبیق با مسلمانانی است که حیات پیامبر اسلام را تجربه کرده‌اند و هم اکنون حوادث بنی اسرائیل، یعقوب و یوسف، موسی و هارون با فرعون تکرار می‌شود.

به عنوان نمونه محمد بن قاسم از امام صادق (ع) به مناسبت تفسیر آیه ۵۳ سوره حجر به گفت‌وگوی ساره با ابراهیم (س) و نداشتن فرزند اشاره می‌کند و درخواست آنان از خداوند و زمان استجاب دعا و فاصله میان به دنیا آمدن اسحاق و یعقوب را اشاره می‌کند و این شیوه در داستان موسی و خضر، قصه ذی القرنین، و قصص دیگر در ابعاد مختلف دیده می‌شود.

۱۰- توجه به لایه‌های باطنی:

راهبایی به معانی باطنی و شناخت گستره ابعاد پیام در لایه‌های زیرین کلام، یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امام صادق (ع) است.

اشاره به بطن، نوعی اهتمام برای برگرداندن ظاهر به چیزی است که به نظر اهل بیت (ع) بخشی از مقصود کلام و لایه دیگری از مراد گوینده است. گرایش به باطن، ریشه در خود قرآن دارد و وجود آن در روایات بسیاری تأکید شده است و در جاهایی دیگر مانند حقایق هستی و بیان احکام آمده است در روایات اهل بیت (ع) باطن عمده‌ها در برابر تنزیل و تفسیر استعمال شده و از این جهت وجود متمایزی دارد و معنایی جز ظاهر آیه و تنزیل آن قصد کرده‌اند؛ یعنی باطن، ناظر به سبب نزول و از مقوله توضیح مفاهیم و مدلول و شرح کلام نیست؛ مثلاً در آن جا که امام صادق (ع) طبیعت و اشیای خارجی را بر علم و انسان تطبیق می‌دهد و در آیه شریفه «شراب مختلف الوانه» آن را به «العلم الذی یتخرج منا إلیکم» معنا می‌کنند، و غسل را به علم بر می‌گرداند، لایه‌ای دیگر از کلام حق را نشان می‌دهند.

در تفسیر آیه «لیقتوا تفهّم و لیوفوا نذورهم»، که درباره انجام دادن مناسک حج و به جا آوردن نظافت و ناخن‌گرفتن، کوتاه کردن شارب‌ها و وفای به نذر آمده و در فقه این امور یادآوری شده است، امام صادق (ع) طبق روایاتی آن را به لقای امام تفسیر می‌کند و می‌گوید: مراد ملاقات با امام پس از تهذیب و سیر و سلوک و زودن ارجاس و اخبار معنوی است. با آن‌که در روایتی دیگر به همان معانی ظاهری و ذکر برخی مصداق آن اشاره شده است.

و در روایتی دیگر در پاسخ به پرسش محمد بن سنان که آن معنا چگونه است،

می‌فرمایند: این للقرآن ظاهرا و باطنا.

از این روایات در این مسند و مجامع روایی بسیار است و بخش عظیمی از روایات اهل بیت (ع) و امام صادق (ع) تفسیر امور طبیعت مانند آب و آسمان، سایه، بهشت و جهنم به معانی خاص اشاره دارد حتی می‌توان آن را در مورد اشخاص به ویژه اهل بیت (ع) و دشمنان و مخالفان آنان دید. شیوه آنان در بیان باطن و برگرداندن آیات به فضایل اهل بیت (ع) شیوه اقتباسی و استنادی دارد و اگر به این دلیل که در کتب اصلی شیعه کمتر ذکر شده - هر چند برخی از این روایات در کتب‌هایی چون کافی نقل شده - اما حجم انبوه آن‌ها را نمی‌توان انکار کرد و اگر در گروهی از این روایات به دلیل ضعف سند تردید شود، اما عده‌ای از آن‌ها را نمی‌توان انکار کرد.

البته ممکن است بگوییم بیان باطن، نوعی تأویل است اما نمی‌توان تردید کرد که در روایات باطن و تأویل هر دو به کار رفته است، که شاید در جاهایی با هم انطباق داشته باشد. این بود خلاصه‌ای از گونه‌های تفسیری امام صادق (ع) بر اساس مسند، که البته گونه‌های دیگری می‌توان از روایات امام صادق (ع) برشمرد و ذکر این نمونه‌های به عنوان نمونه‌های انحصاری نیست، چنان‌که درباره شیوه و روش تفسیری و ویژگی‌های آن فرصت دیگری می‌طلبد که این نوشته مجال آن را ندارد.



کتاب‌نامه:

- ۱- اعجاز بیانی قرآن، عایشه بنت الشاطی، ترجمه حسین صابری، مشهد، دارالمعارف بصر، ۱۹۷۱م.
- ۲- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۳۸۲س، ۲ج.
- ۳- الاعجاز الیبانی ومسائل ابن ازرق، عایشه بنت الشاطی، قاهره، دارالمعارف بصر، ۱۹۷۱م.
- ۴- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دارالوفا، ۱۴۰۰ق، ۱۱۱ج.
- ۵- البرهان فی تفسیر القرآن، هاشم بن سلیمان بحرانی، موسسه الاعلمی، مقدمه مرآة الانوار، چاپ اول، ۱۴۱۹ق، ج.
- ۶- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، تحقیق میرزا محسن کوه باغی، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- ۷- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ق، ۲ج.
- ۸- تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، قم، موسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۲۱ق، ۳ج.
- ۹- تفسیر قرآنی به زبان عرفانی پل نویا، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۷۳.
- ۱۰- تفسیر مجمع البیان، تحقیق رسولی محلاتی، افسس از چاپ اسلامیه ایران.
- ۱۱- توحید، محمد بن علی بن بابویه صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، افسس از نشر صدوق.
- ۱۲- حقائق التفسیر، محمد بن حسین سلمی، تحقیق سید عمران، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- ۱۳- دانش نامه جهان اسلام، تهران، موسسه دایرة المعارف اسلامی، (تاکنون ۱۳۸۵ - ۹ج).
- ۱۴- دعائم الاسلام، تحقیق عارف تامر، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۶ق، ۲ج.
- ۱۵- صحیح بخاری، ابوعبیدالله بخاری، بیروت، دارالمعرفه، با حاشیه سندی، افسس از چاپ بولا، بی تا، ۴ج.
- ۱۶- فرهنگ معین، محمد معین، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ش.
- ۱۷- قرآن و اهل بیت، سید محمدعلی ایازی، آماده چاپ.
- ۱۸- کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ۱۹- کتاب ماه دین، شماره ۷۰-۷۱.
- ۲۰- کنز العمال، علاء الدین متقی هندی، بیروت موسسه الرساله ۱۳۹۹ق.
- ۲۱- مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی، نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۶۹ش.
- ۲۲- المحاسن، احمد بن محمد برقی، تحقیق مهدی الرجائی، قم، المجمع العالمی لاهل البیت (ع) ۱۳۷۱ش، ۲ج.
- ۲۳- مسند الامام الصادق، عزیرالله عطاردی، تهران: عطارد، چاپ اول ۱۳۸۴، وزیری.
- ۲۴- معانی الاخبار، صدوق، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، موسسه دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۹۹ق - ق.
- ۲۵- معجم غریب القرآن المستخرج من صحیح البخاری، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، افسس از چاپ اول، ۱۹۵۰ق.
- ۲۶- مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالقلم، چاپ اول ۱۴۲۱ق.
- ۲۷- مکتب تفسیر اشاری، سلیمان آتش، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، دفتر نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰ش.
- ۲۸- نوارالتقلین، علی بن جمعه حویزی، قم، مطبعه حکمت، چاپ اول، ق.

علم اندوزی؛ توصیه همیشگی پدرم

بر دوش مادر است چون مادر خود معلم ابتدایی بودند. من کلاس دوم را در هند نزد مادر خواندم. ایشان در مباحث تاریخی، دینی، عربی، قرآن، جغرافی و به ویژه دروس دانشگاه به ما کمک می کردند.

وی ادامه داد: مادرم همیشه تلاش می کردند که مشکلی برای پدر پیش نیاید، چون مادر معتقد بودند که پدر به دلیل نویسنده بودن باید ذهنی آزاد داشته باشند و تنها مشکل ما در دوره کودکی، بیماری بود که مادر اجازه نمی دادند که این مسأله نیز مشکلی برای کار پدر ایجاد کند. وی درباره سفرهای پدر و سختی های آن گفت: من در دو سفر همراه پدر بودم که در آن زمان حدود ۷-۸ سال داشتم و سختی های این سفرها را مادر درک می کرد، چون در همه شهرها، اولویت با کار پدر بود که به سراغ کتاب ها برود، عکس بگیرد، نسخه ها را ببیند و مطالب مورد نیاز برای تحقیقاتش را پیگیری کند و بعد رسیدگی به کار ما می کردند. عطاردی در باره خاطراتش از سفرهای پدر گفت: در این سفرها چون بسیار کوچک بودم، خاطره چندان در ذهن ندارم فقط بازدیدهایمان را از مکان هایی مثل تاج محل و قصرهای هند به یاد دارم.

فرزند بزرگ استاد عطاردی نگرش ایشان را به مسائل، نگرشی علمی برشمرد و گفت: در سفرها مثلاً در مدت ۴ سال اقامت در مشهد، در روز تعطیل تفریح ما این بود که به خرابه های می رفتیم که چوپان ها گوسفندهایشان را آنجا می آوردند و پدر برای ما درباره تاریخ، ویژگی و مشخصات آن بنا صحبت می کرد، نوشته های کتبیها را برای ما می خواند ضمن آن که بیان می کرد که این بنا متعلق به چه کسی بوده است که این تجربه ای بود که نگاه ما را به مسائل، عمیق تر می کرد و یاد سفر به مشهد وقتی به حرم مشرف می شویم ایشان از سردرها، صحن ها و کتیبه ها صحبت می کرد و برایشان فرقی نداشت که این سفر تفریحی است یا معنوی، در همه این ها بعد علمی پدر قابل ذکر و توجه است.

وی درباره سفرهای پدر و سختی های آن گفت: من در دو سفر همراه پدر بودم که در آن زمان حدود ۷-۸ سال داشتم. سختی های این سفرها را مادر درک می کرد، چون در همه شهرها، اولویت با کار پدر بود که به سراغ کتاب ها برود، عکس بگیرد، نسخه ها را ببیند و مطالب مورد نیاز برای تحقیقاتش را پیگیری کند و در مراحل بعد به کار ما رسیدگی می کردند. وی درباره چگونگی ازدواج با همسرش گفت: من هفت سال است که ازدواج کرده ام و همسرم آقای نجم فلاحی، دانشجوی مقطع دکترای رشته بیوفیزیک و اصالتاً شیرازی است. آشنایی ما با ایشان این گونه بود که آقای نوراللهیان - از دوستان پدر ایشان را معرفی کرد، پدر می گفتند: «هر طور خودت دوست داری انتخاب کن تنها نکته ای که من به شما توصیه می کنم این است که کسی را انتخاب کن که اهل علم باشد و توقع خاصی نداشته باشد» ما هم تحقیق کردیم و در آخر چون ایشان اهل علم و دانش و مذهبی بودند پاسخ مثبت دادیم.

گروه اندیشه: علم اندوزی، از توصیه های دائمی پدر به فرزندانمان است. ایشان همواره ما را به فراگیری علم و دانش تشویق می کنند و می گویند: «دنیای آینده، دنیای علم است و اگر می خواهید زندگی خوب و آبرومندی را داشته باشید، بهتر است درس بخوانید»

«نفیسه عطاردی» فرزند استاد عزیز الله عطاردی در گفت و گو با خبرنگار سرویس اندیشه و علم خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) ضمن معرفی خود در باره نقش خویش در فعالیت های پدر گفت: نفیسه عطاردی هستم، دختر بزرگ آقای عطاردی که تحصیلات خود را در رشته الهیات گرایش فقه و حقوق در مقطع کارشناسی ارشد به اتمام رسانده ام. در برخی از کارها مانند مقابله، استسناخ، تصحیح و یا متن خوانی برخی از کتاب ها به پدرم کمک کرده ام البته پدر سعی می کند کارش را خودش انجام دهد ولی ما هم به ندرت اگر خدا توفیق دهد به ایشان کمک می کنیم. وی درباره نحوه ارتباط استاد با فرزندانش گفت: چون پدر محقق بودند، ما ایشان را همیشه در کتاب هایشان دیده ایم. البته اینطور نبوده که با ما و در کنار ما نباشند. ایشان همواره به تحصیل و زندگی و درس ما توجه داشته اند. ایشان پدری فوق العاده مهربان هم برای من و هم خواهر و برادرم بوده اند. استاد با وجود اختلاف سنی زیاد با خواهرم که امسال وارد سال سوم دانشگاه می شوند ایشان را خوب درک می کنند.

وی درباره ویژگی های اخلاقی پدر گفت: از توصیه های دائمی ایشان، تشویق به علم اندوزی است. ایشان می گویند: «دنیای آینده، دنیای علم است و اگر می خواهید زندگی خوب و آبرومندی را داشته باشید، بهتر است درس بخوانید»، البته ایشان در درس خواندن ما را اجبار نکرده اند که چه رشته ای بخوانیم؛ مثلاً من رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش فقه و حقوق خوانده ام در صورتی که کار اختصاصی پدر حدیث است و برادرم علوم سیاسی و خواهرم هم زیست شناسی خوانده اند. ولی ایشان همیشه به علم اندوزی که همراه با علاقه و استعداد باشد تأکید کرده اند. در مجموع فضای منزل همیشه فضای علمی بوده است و جهت گیری ما نیز در کارهای علمی بوده است و خود ایشان از سن ۴ - ۵ سالگی به مطالعه مشغول بوده است و تالان همچنان ادامه دارد. همچنین از ویژگی های اخلاقی ایشان این است که در رویدادهایی که پیش می آید تحلیل هایی می کند که باعث می شود از سطحی گری و احساس های لحظه ای جلوگیری شود.

نفیسه عطاردی درباره تربیت دینی پدر گفت: ایشان از لحاظ مذهبی اصلاً سختگیر نیستند و ما را مجبور به قبول عقاید نمی کنند و سعی بر آموزش اصول داشته اند. البته پدر معتقدند که نباید مطالب را بیان کرد بلکه باید در رفتار و کار و سلوک مسائل را دید و خود ایشان نیز با ما همین برخورد را داشته اند.

وی به نقش همسر استاد در پیشرفت های علمی فرزندان به علت مشغولیت های استاد اشاره کرد و گفت: پدر چون بسیار مشغول به کار هستند بیشتر کارهای تحصیلی ما در زندگی



ویژگی‌های علمی و اخلاقی

استاد عطاردی

از منظر حجت‌الاسلام مهدوی راد

درب ورودی آن که دو سکو قرار داشت دیدم آقای حاج شیخ نعمت‌الله بامردی نشست است و به گرمی بسیار با یکدیگر صحبت می‌کنند وقتی که ایشان رفت از حاج شیخ نعمت‌الله پرسیدم حاج آقا ایشان چه کسی بودند در پاسخ گفتند که ایشان آقای حاج شیخ عزیزالله عطاردی هستند و مردی بسیار عالم و فاضل از اهالی قوچان هستند و اگر شما روزی توانستید خدمت ایشان برسید از ایشان استفاده کنید که این بار دوم آشنایی من با ایشان بود.

در دورانی که بنده مقیم مشهد بودم اتفاقی نیفتاد که با ایشان بیشتر آشنا شوم ولی آثار ایشان را در میان آثاری که چاپ می‌شد می‌دیدم مثل مسند الامام الرضا علیه السلام - که در آن دوره به عنوان بخش اول کتاب فرهنگ خراسان چاپ شده بود. تا انقلاب پیروز شد و آشنایی من بعد از انقلاب با آثار ایشان بیشتر شد و ایشان نیز که بنده را شناختند و متوجه شدند که هم منطقه‌ای ایشان هستم لطف بیشتری به من کردند.

بعدها در قم عالم فاضل و بی نظیر و محقق بی‌بدلی به نام حاج سید عبدالعزیز طباطبایی بود که نوه دختری مرحوم صاحب عروه بود که ایشان در عرصه دانش مردبی نظیری بود، وقتی آقای عطاردی به قم می‌آمدند با توجه به علاقه‌شان به آن بزرگوار، به منزل ایشان می‌رفتند. یک بار که آقای عطاردی به قم آمدند من هم به منزل ایشان رفتم و از آقای عطاردی خواهش کردم که دعوت من را بپذیرند به منزل ما بیایند و این نقطه آغازین ارتباط بنده با ایشان بود و از آن به بعد ایشان مرتب به منزل ما می‌آمدند. اوقاتی که ایشان به خانه ما می‌آمدند، من دو کار را انجام می‌دادم؛ اول این که خیلی از ایشان سؤال می‌کردم و دوم این که بقیه دوستان طلبه‌ام را هم دعوت می‌کردم که بیایند و با ایشان از نزدیک آشنا شوند و ببینند که چگونه یک فرد به تنهایی به اندازه یک مؤسسه کار کرده‌اند.

عطاردی؛ تنها در تحقیق، تألیف، چاپ و نشر

خدا به ایشان طول عمر و قوت جسمی دهد که آن چه را که پژوهش و تحقیق کرده‌اند سامان بدهند؛ چرا که اگر تاریخ خراسان هم مثل مسانید ایشان که هفتاد جلد شده است سامان بیاید، معلوم می‌شود که یک انسان بدون هیچ امکانات اضافی و بدون هیچ گونه کمک از نهادهای دیگر و بدون این که کسی دست او را بگیرد، به تنهایی چقدر کار کرده و فیش برداری داشته است. شما امروز را ببیند که به راحتی پای کامپیوتر نشست و یک دکمه می‌زند و هزار مطلب در مقابل شما ظاهر می‌شود، افرادی که قبل از شما تحقیق و پژوهش کرده‌اند برای پیدا کردن مطلب در هر کتابی آن را کلمه به کلمه می‌خوانند تا به نکته مورد نظرشان دست پیدا کنند.

یک بار یکی از دوستان در خانه ما از ایشان پرسید: «شما که اینقدر سفر کرده‌اید هر یه این سفرها از کجا تأمین شد؟» ایشان پاسخ داد: «من در این سفرها در هتل نمانددم. من در تمام این سفرها که در هند مشغول مطالعه برای تاریخ خراسان، مسانید و یا شروح نهج البلاغه بودم در امام‌باره زندگی کرده‌ام (شیعیان پاکستان و هند به حسینیه، امام‌باره می‌گویند). البته

گروه‌اندیشه:

تنها در تحقیق، تألیف، چاپ و نشر؛ قله

همت و کوه استقامت؛ خالق آثاری ارزشمند؛ روحانی‌ای ساده‌پوش، ساده‌زیست

و ساده‌گو؛ مرد عبادت، تفکر، اندیشه و قلم؛ محدثی ارجمند؛ ادیبی برجسته؛ متفکری

درست‌اندیش؛ امه‌ی فی‌رجل؛ محقق و پژوهشگری نا‌آرام؛ مخلص لوجه‌الله؛ عبدی وقف معبود خویش؛ شخصیتی الهی و کم‌نظیر؛ روشنفکری اصیل و...

متن فوق بخشی از توصیفات حجت‌الاسلام والمسلمین «محمدعلی مهدوی راد» درباره استاد «عزیزالله عطاردی» است که پس از یک‌ماه تلاش، برای گفت‌وگو با ایشان سرانجام صبح روز چهارشنبه، ۲۱ شهریورماه سال جاری به دانشکده علوم حدیث در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی رفتم و توانستم ایشان را در اتاق ۲۰۹ دانشکده ملاقات کنم.

طبق معمول با لبخندی بر لب و شوخ‌طبعی پذیرایم شد. از ایشان خواستم درباره چگونگی آشنایی‌شان با استاد عطاردی سخن بگویند و استاد هم این‌گونه شروع کرد:

من با آقای عطاردی تقریباً هفتاد هجرتیم. البته بنده اهل سرولایت نیشابور هستم و آقای عطاردی اهل بگلر قوچان هستند و بخش ما با قوچان هم مرز است لذا فضلا و طلبه‌های بخش ما با فضلا و طلبه‌های قوچانی بیشتر مرتبط هستند. در دوره طلبگی بنده در مشهد عارف و عالمی جلیل‌القدر و بزرگ به نام آیت‌الله حاج شیخ ذبیح‌الله قوچانی مقیم بود که ایشان سالروز مولایم جشن مفصلی در منزلشان برپا می‌کرد و جشن عید غدیر را هم مفصل‌تر برگزار می‌کرد و علاقه‌مندان و دوست‌داران ایشان به دیدارشان می‌رفتند.

روز عید غدیر ایشان به طلبگی که منزل‌شان می‌رفتند هدیه می‌داد و از آن جایی که پسران ایشان در کار چاپ کتاب بودند، این هدیه کتاب بود. اولین سالی هم که من به دیدارشان رفتم، سه کتاب جیبی هدیه دادند که یکی از آن‌ها کتاب «زمین و تربت حسینی» نوشته مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدحسین کاشف الغطاء بود که آن را آقای عطاردی ترجمه کرده است.

این اولین باری بود که اسم ایشان را می‌دیدم و پس از خواندن این کتاب علاقه آغازین من به استاد رقم خورد، من عشق عجیبی نسبت به کتاب داشتم و این حس از سال دوم طلبگی هر روز در من تقویت شد تا آن‌جا که کتابخانه شخصی من الان شاید کتابخانه‌ای کم‌نظیر باشد. این مطلب در ذهن من باقی ماند. عالم دیگری از ده ما در نجف به نام حاج شیخ نعمت‌الله یساقی بود که مرد بزرگ و فاضلی بود. ایشان تابستان‌ها که به مشهد می‌آمد، در همان یکی دو روز اقامتشان در مشهد به اتاق من می‌آمد و من از ایشان استفاده می‌کردم.

روزی در مدرسه «دو درب» که از مدارس قدیمی و معروف مشهد است در کنار

این مطلبی است که شاید خود ایشان هیچ وقت نگویید. امام‌باره جای تمیز و مناسبی نبوده است و پر از حیوانات مودی و گزنده بوده است.

آقای خواجه‌پیری در خاطر ایشان که در همان دو جلد کتاب گرامی نامه چاپ شده است می‌گوید: روزی من در رابرتی فرهنگی بودم و دیدم کسی کنار باغچه رابرتی فرهنگی نشسته و مشغول آب خوردن است، در آن داغی هوا وقتی نزدیک شدم، دیدم تمام صورت ایشان زخم شده است و همه جای صورت گزیده شده است و البته جاهای دیگر بدن ایشان زیر لباس بوده است و دیده نمی‌شد. ایشان گفت: در یکی از این سفرها که سه سال در هند طول کشید، ایشان حدود ۲۰ جلد نهج البلاغه چاپ کرده‌اند. ایشان می‌گفتند که من بدون اغراق برای چاپ کردن هر کدام از این کتاب‌ها و برای هر ورقش یک بار گزیده شدم.

عطاردی؛ قله همت و کوه استقامت

اگر کسی تعبیر کند که آقای عطاردی قله همت و کوه استقامت است، مجامله نکرده است. جالب است که بداند ایشان با یک اشاره حرکت کرده‌اند و کتابی مانند کتاب تاریخ خراسان را که در واقع دنبایی تألیف و تحقیق است آفریده‌اند. من در جایی ندیدم این خاطره را مکتوب گفته باشند ولی به من گفته‌اند که یک روز من به خانه مرحوم جلال‌الدین همایی که از اعجوبه‌های تاریخ است رفتم. این بزرگوار هم کتابی به نام تاریخ اصفهان دارد (که به چاپ نرسیده است و دخترانش ۲ یا ۳ جلد از آن را چاپ کرده‌اند که ان‌شاء‌الله ادامه‌اش نیز چاپ شود). مرحوم همایی در زیر زمین خانه نشسته بود در حالی که کلاهی بر سر داشته و پیراهنی با آستین‌های گشاد که قدری آن‌ها را بالا زده بود و مشغول نوشتن بود و بعد از اینکه مدتی با من حرف زد و فهمید که من هم اهل تحقیق هستم، اشاره کرد و گفت: آقای عطاردی این کارتن‌ها را ببین، این‌ها همه فیش‌هایی است که من برای نوشتن تاریخ اصفهان جمع کرده‌ام شما هم یک تاریخ خراسان بنویس. شما هنوز جوان هستید و می‌توانید کارهای بزرگی کنید.

این اشاره‌ای از جانب آقای همایی بوده که حدود ۵۰ سال است ایشان را در جهت تحقیقات هدایت می‌کند، آقای عطاردی برای نوشتن تاریخ خراسان بزرگ، وجب به وجب سفر کرده است. به‌طور مثال ایشان سه مرتبه به روستای ما آمده‌است. دره‌ها، کوه‌ها، امام‌زاده‌ها، فرهنگ‌ها را دیده‌است و با هر وسیله نقلیه‌ای اعم از ماشین و اسب و قاطر و حتی با پای پیاده سفر کرده‌است و تاریخ خراسان را ضبط کرده‌است و اگر تاریخ خراسان ایشان به‌طور کامل چاپ شود، بیش از ۵۰ درصد اطلاعات را، مستقیم دیده‌اند و کپی برداری از کتاب‌ها نبوده‌است.

درخواست آیت‌الله العظمی میلانی؛ انگیزه عطاردی در نگارش مسانید ایشان وقتی مشغول بخش رجال تاریخ خراسان بوده‌اند، متوجه می‌شوند که حضرت رضا - علیه‌السلام - در ۲، ۳ مورد خودشان را خراسان نامیده‌اند و گفته‌اند علی بن موسی الرضا الخراسانی - علیه‌السلام - و وقتی که می‌خواستند تاریخ خراسان بنویسند به جهت تبرک و تیمن با امام رضا - علیه‌السلام - آغاز می‌کنند و روایات مربوط با امام رضا - علیه‌السلام - را جمع می‌کنند و در مقدمه هم شرح زندگانی امام رضا - علیه‌السلام - را نوشته‌اند که بعد آن را مسند الامام الرضا - علیه‌السلام - نامیدند که اگر شما این کتاب را ببینید در صفحه اول آن نوشته است: «من تاریخ الخراسان» که بخشی از تاریخ است، بعد ایشان می‌گوید بعد از این که من این را در چاپخانه حیدریه چاپ کردم، خدمت آیت‌الله حاج سید محمد هادی میلانی بردم، که ایشان تورقی کردند و بعد گفتند: آقای عطاردی این کار شما کار تحقیقی بسیار خوب و مفیدی است. ای کاش شما برای همه‌ای که این کار را می‌کردید و آقای عطاردی می‌گفت: من از همانجا که بیرون آمدم شروع کردم به فیش‌نویسی در باره‌ای که مسانید ایشان را نیز بنویسم و الان که مسند امام علی - علیه‌السلام - در ۲۶ جلد چاپ شود ایشان بیش از ۷۰ جلد مسند نوشته‌است. آیت‌الله رضا استادی می‌گفتند: از توفیقات ایشان این است که بیش از صد هزار حدیث را با انگشتانشان نوشته‌اند. آقای میلانی یک جمله به ایشان گفتند و ایشان اینقدر حرکت کرده‌اند. از این جمله‌ها، ما هزار بار در زندگی شنیده‌ایم و هزار بار ما را ترغیب به انجام کاری کرده‌اند ولی ما تکان نخورده‌ایم.

توصیه علامه امینی؛ انگیزه عطاردی در پردازش تاج العروس

مقاله‌ای را که من در بزرگداشت ایشان با عنوان «تاج العروس، لغت‌نامه‌ای سترگ» نوشته‌ام، برای این نوشتن که ایشان در باره تاج العروس کارهای بزرگی انجام داده‌اند. ایشان به

من می‌گفتند: من وقتی نجف بودم به کتابخانه آیت‌الله حاج شیخ عبدالحسین امینی که به نام کتابخانه امیرالمومنین - علیه‌السلام - نام‌گذاری کرده‌اند، می‌رفتم، روزی خدمت ایشان وارد شدم، کتاب بزرگی در مقابل ایشان در قطع رحلی و با چاپ قدیمی دیدم. گفتند: «این کتاب تاج العروس نوشته زبیدی است بعد علامه امینی در باره او گفتند: «این زبیدی آدم که نیست، جانور است.» ترک‌های آذربایجان و خراسان وقتی بخواهند در باره چیزی بگویند: خیلی عجیب و غریب و حیرت‌آور است، می‌گویند: جانور است. کتاب تاج العروس در دوره‌ای نوشته شده که همه کتاب‌ها خطی بوده‌است. حدود نهصد عنوان کتاب منبع آن است که بعضی از آن‌ها مثل تاریخ دمشق، حدود ۱۰۰ جلد است.» علامه امینی به من می‌گفتند: «این کتابی، پرفایده‌است ولی فضلا نمی‌دانند که چه فوایدی دارد و فقط به آن به چشم یک کتاب لغت نگاه می‌کنند. این کتاب، بهترین کتاب در زمینه غریب القرآن، غریب الحدیث، شناخت اماکن، جغرافیا، رجال و مردم‌شناسی است. ولی چون اسمش کتاب «تاج العروس فی شرح قاموس» است کسی نمی‌داند این همه فواید دارد، آقای عطاردی این کتاب را مطالعه کن و فواید آن را از درون آن استخراج کن، شما جوان هستید و کارهای بزرگی را می‌توانید انجام دهید.» آقای عطاردی می‌گفت: من از نجف به تهران آمدم و پول نداشتم که این کتاب را بخرم و آن را از یکی از علمای بزرگ تهران، جلد جلد قرض می‌گرفتم و کار انجام می‌دادم. غریب القرآن، غریب الحدیث، رجال، اماکن، مفرس‌ها و معرب‌ها را هم استخراج کردم. این کتاب برای بار اول در هند به صورت دستی چاپ شد و الان هم با حروف چینی خوب و منقح آماده چاپ است، در مقدمه کتاب تمام اصطلاحات جغرافیایی را شرح کرده‌است؛ مثل الکوره، بلد و ...

عطاردی؛ خالق آثاری ارزشمند

ایشان در حوزه‌های مختلف مثل حدیث، رجال، ادبیات، تاریخ کار کرده‌است و در همه جایز آثار بزرگی آفریده‌است. مسانید ایشان بخشی از تحقیقات حدیثی ایشان است. آقای عطاردی کتاب‌های بسیاری از متون حدیثی را ترجمه و تصحیح کرده‌است. اگر شما در زندگی ایشان تأمل کنید، متوجه می‌شوید که ایشان حتی سه دقیقه از زندگی‌اش را تلف نکرده‌است. بخش‌های اساسی از کار ایشان ترجمه‌است که این ترجمه‌ها برای اوقاتی بوده که ایشان نمی‌توانسته کار پژوهشی مستقلی انجام دهد؛ از جمله این کتب، کتاب معروف النصاب الکافی لمن يتولى المعاوية، مقتل الحسين - علیه‌السلام -، زید الشهيد و ... است که در موضوعات اخلاقی و غیر اخلاقی است.

عطاردی؛ روحانی‌ای ساده‌پوش، ساده‌زیست و ساده‌گو

ایشان محدثی فاضل، ادیبی برجسته و متفکری درست‌اندیش است و در پس ظاهر این روحانی ساده‌پوش، ساده‌زیست و در عین حال ساده‌گو، روشنفکری قابل توجهی وجود دارد. اگر ایشان خاطرات، دیده‌ها و شنیده‌هایش از سال ۱۳۳۰ تا به امروز و همچنین حضوری که در جریان‌های سیاسی و فکری داشته است را به صورت خاطره بگویند، به این نکته پی‌می‌برند؛ مثلاً در یادنامه استاد محمد تقی شریعتی با ایشان مصاحبه‌ای را انجام داده‌اند، اگر به نوع نگاه ایشان به استاد محمد تقی شریعتی و فرزند برآمدش دکتر علی شریعتی دقت کنید، متوجه می‌شوید که چه نگاهی به مسائل فکری و سیاسی اطرافش دارد. ایشان روحانی‌ای هستند که بر روحانی بودنشان تأکید دارند و وقتی دوستان در بزرگداشت‌شان پوستری را چاپ کردند که عمامه‌شان دیده نمی‌شد با وجود این که پوستر بسیار هنری و شیکی بود، اعتراض کردند و گفتند: «من یک آخوند هستم و بر آخوند بودن و طلبه بودن هم افتخار می‌کنم» و دوستان مجبور شدند پوستر دیگری را در کنار آن چاپ کنند که عمامه‌شان دیده شود.

شاید حدود ۱۰ سال بود که از سوی علاقه‌مندان ایشان پیشنهاد برگزاری مراسم گرامیداشت برای ایشان داده می‌شد ولی ایشان اجازه نمی‌داد، بالأخره بعد از رفت و آمدهای فراوان و تأکیدهایی که کردیم، راضی شدند. قبل از برگزاری مراسم نیز بارها با من تماس گرفته و گفتند: «فلانی کاری نشود که من از موقعیت و جایگاه یک آخوند بیرون بیایم، من یک آخوندم و می‌خواهم آخوند باقی بمانم نباید پیرایه دیگری به من بچسبند.»



در این مراسم برای چاپ پوستر، نوشتن القابی پیشنهاد شد، القابی نظیر علامه، آیت الله، محقق عالی قدر، ولی ایشان قبول نکرد و در نهایت راضی به نوشتن این اسم شدند، «حاج شیخ عزیزالله عطاردی». جالب است که این حاج شیخ عزیزالله که برای حاجی شدن به مکه رفتند، آنجا هم فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مدینه را نوشته است. عطاردی؛ محدثی قابل، ادیبی برجسته و متفکری درست‌اندیش اگر کسی درباره آقای عطاردی بگوید: «امه‌ی فی رجل» است، گزاف نیست. یک انسان به تنهایی و یک تنه این همه کار انجام داده است. واقعا ایشان، بدون هیچ مجامله‌ای نه ده‌ها هزار بلکه صد‌ها هزار صفحه کتاب را میکروفیلم کرده است. از نسخ خطی میکروفیلم گرفته که بخش اعظم آن را قبل از تأسیس مرکز عطارد به آستان قدس رضوی هدیه کرده است و همه این تلاش‌ها در جهت ساماندهی تاریخ خراسان، مسانید ائمه و یا دیگر کارهای پژوهش ایشان بوده است؛ یعنی اگر کسی با ایشان آشنا نباشد و تلاش‌های ایشان را نبیند نمی‌تواند تصور کند که چه حجمی از کار در زندگی این انسان نهفته است. آن چه که الان عرضه و چاپ شده است که بیش از یکصد جلد است، قطعا نیمی از مجموعه تحقیقات ایشان است.

عطاردی؛ محقق و پژوهشگری ناآرام

مجموعه کارهای ایشان نشان می‌دهد که محقق و پژوهشگری ناآرام است؛ یعنی ایشان هیچ وقت فراغت بال و آرامش نداشته و همواره در حال کار بوده است.

همین روزهای اخیر که به قم آمده بودند، می‌گفتند: «در ضمن پژوهش در موسوعه مسند امام علی - علیه السلام - که ۲۶ جلد شده است، متوجه شدم که کلمات قصار غالباً همان خطبه‌ها و جملات بلند بریده شده است و لذا من در مسند امام علی بن ابیطالب - علیه السلام - آن را نیآورده‌ام»، به ایشان عرض کردم: «استادای کاش مستندات و مصادر این کلمات قصار را می‌آوردید»، ایشان پاسخ دادند: «این مطالب به طور منظم و مرتب با آدرس، موجود است که در صورت چاپ، ۸ جلد می‌شود و اگر این مطالب به مسند اضافه شود، این مسند سی و چند جلد می‌شود.»

ایشان کارهای آماده‌ای در حد فیش برداری دارند که باید خودشان آن‌ها را سامان دهند و معلوم نیست که در آینده چه اتفاقاتی بیفتد. خدا عمری دراز و توانی عظیم به ایشان عنایت کند که همه را شخصا سامان دهد.

پژوهش عطاردی در شاهنامه؛ پژوهشی دقیق

ایشان درباره تاریخ خلفا، آثار بزمی، رزمی، فکری، ادبی، جنگی مطلب دارند، شاید برای شما تعجب آور باشد که یک آخوند عمامه به سر سنتی از جمله پژوهش‌های بسیار دقیق و عمیقش درباره شاهنامه است. آقای عطاردی به خاطر تاریخ خراسان که فردوسی از چهره‌های برجسته آن است، شاهنامه را بارها و بارها، کلمه به کلمه خوانده است تا زندگی فردوسی را از دل شاهنامه بیرون بکشد و زندگی نامه‌ای که ایشان در تاریخ خراسان از فردوسی نوشته است، بهترین زندگی نامه نوشته شده درباره فردوسی است.

به این مناسبت تحقیقات مفصلی هم انجام داده و تمام کلمات عربی شاهنامه را استخراج کرده است. چون فردوسی متهم به فارسی‌گرایی و عربی‌ستیزی است و ملی‌گرایان کم‌فهم و بی‌فهم در بوق دمیده‌اند که ایشان عربی‌های شاهنامه را بیرون آورده است، در صورتی که اگر کسی این مقایسه را بین متن شاهنامه و متنی که داعیه عربی‌زدایی و نوشته شده در همان زمان را دارد، انجام دهد، به این نکته می‌رسد که در آن زمان کاربرد عربی در سنجش حجمی بیش از آن چیزی است که در این کتاب آمده است. این مطالب حواشی کار آقای عطاردی است.

کتاب القرآن؛ بخشی ویژه در مسانید عطاردی

یکی از نکات مورد توجه ابعاد و گرایش‌های قرآنی و حدیثی ایشان است. ایشان کار قرآنی مستقلی انجام نداده است ولی در تمام مسانید چون آن‌ها را بر اساس منابع حدیثی کهن تبویب کرده است، بخشی از آن «کتاب القرآن» است که در آن بخش‌ها همه روایات تفسیری آن امام را در کنار یکدیگر آورده است. آنچه که مربوط به تفسیر قرآن در مسند امام علی - علیه السلام - آمده است بیش از سه جلد است و کتاب القرآن مسند امام

صادق - علیه السلام - نیز یک جلد و اندی است.

بنده برای کنگره امام موسی بن جعفر - علیه السلام - با عنوان «امامت در احادیث قرآنی حضرت امام موسی جعفر (ع)» مقاله‌ای نوشتم که تمام محتوای این مقاله را از آغاز تا پایان با استفاده از مسند امام موسی جعفر (ع) نوشتم، بخش روایات مرتبط با بخش کتاب القرآن را استخراج کرده و مقاله را تدوین کردم. در کنگره امام موسی بن جعفر (ع) آیت الله سبحانی با بزرگواری، این حقیقت را گفتند که بنده و هر کسی که مقاله برای این کنگره نوشته است، مرهون کتاب مسند الامام موسی بن جعفر (ع) نوشته آقای عطاردی است.

در ابتدای همه مسانید ایشان زندگانی دقیقی از ائمه، بدون هیچ نوع پرگویی و زیاده‌گویی آورده شده است که بهترین منبع برای زندگانی ائمه این مقدمه‌ها است و بعد وارد احادیث ائمه شده است. مطلب جالب دیگر موجود در مسانید ایشان، روایان هستند. اگر شما به مسانید نوشته شده توسط قدیم‌ها و جدیدها دقت کنید، متوجه می‌شوید که در آن مسندها، احادیث را هر نوعی که خواسته‌اند آورده‌اند ولی ایشان روایانی را که در محضر امام بوده و روایت نقل کرده‌اند نیز آورده است. همچنین در قسمت اخیر هر مسند با روایانی مواجه هستید که به صورت واقعی راوی هستند، اگر جست‌وجو کنید، می‌بینید که هر راوی که نامش آمده است، روایاتی که در سند آن‌ها نامش آمده، موجود است که این مطلب برای شناخت شخصیت و گرایش‌های راوی و دریافت مفهوم روایت‌هایش کمک می‌کند.

آثار عطاردی؛ منابع اولیه پژوهش در آینده نزدیک

بنده تردیدی ندارم که آثار نوشته شده توسط آقای عطاردی، به غیر از ترجمه‌ها، که در واقع کارهای کمک پژوهشی است، در آینده‌ای نه چندان دور از منابع و مصادر درجه اول پژوهش خواهد شد.

تلاش عطاردی؛ تلاش بدون چشم داشت

بنده در دوره طلبگی مرد بسیار مهم و بزرگی را دیدم و از او پرسیدم: چرا فلان کار را نیمه تمام گذاشتید؟ گفت: برو بابا، گفتم برای چه؟ گفت: هیچ کس به من حتی یک بارک الله نگفت. من بچه بودم و گفتم: آقا شما مگر برای خدا کار نمی‌کنید؟ گفت: این حرف‌ها را دور بینداز و کمی هم از تاریخ نقل کرده‌ای نمی‌دانم چقدر صحت دارد که فلان کس در فلان تاریخ چون پول به او نداده، فلان تحقیق و فلان اثر را نیمه تمام گذاشت و دیگری چون پشتیبانی نشد فلان اثر مهم را دور ریخت را کرد. اما آقای عطاردی از روزی که کاری پژوهش را با نوشتن فهرست برای کافی شروع کرده تا امروز حتی منتظر یک نگاه نبوده است. وقتی در دانشکده برای ایشان بزرگداشتی را برپا کردیم، مؤسسات بزرگ همکاری نکردند ولی مؤسساتی که دل در گرو خدا داشتند همکاری فراوانی را کردند، پسر آیت الله صدوق رئیس بنیاد صدوق روز کنگره از عمره آمد و از فرودگاه به خانه‌اش نرفت و با نهایت تواضع آمد، هدیه‌اش را داد و رفت و برای تجلیل وی به مراسم آمد. آقای عطاردی برای او چه کاری کرده بود که وی از ایشان تجلیل کرد.

من وقتی به زندگی ایشان نگاه می‌کنم می‌بینم که کسی در یک فضایی که هیچ کس به یاری‌اش نمی‌رود این همه کار را بدون هیچ گونه چشم‌داشتی انجام داده است و مانند ما منتظر فراهم شدن امکانات نبوده تا به انجام کار بپردازد. چه درون مایه‌ای جز اخلاص و چه انگیزه‌ای جز خدا دارد.

عطاردی؛ مخلص لوجه الله

ایشان مخلص لوجه الله است. یکی از دوستان روزگرمی داشت ایشان به بنده گفت: من از آغاز تا آخر همایش به چهره این مرد نگاه می‌کردم و حتی به اندازه ذره‌ای هم تکان نخورد. من مراسمی با این عظمت به لحاظ کیفی که آغازش با سخنرانی آقای سبحانی و ختامش هم با آقای خاتمی بود در ایران ندیده بودم. ایشان سرسوزنی به خود نگرفت و به اصطلاح «باد به غبغب نینداخت».

در روایتی که در کتاب تحف العقول از امام باقر - علیه السلام - نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «تو ولی ما نخواهی بود مگر این که چنان چه تمام مردم شهر جمع شوند و بگویند تو آدم خوبی هستی مغرور نشوی و اگر گفتند تو آدم بدی هستی محزون نشوی، خودت را به کتاب الله عرضه کن اگر آن چنان که مقتضای امام آن است، عمل می‌کنی و از نواهی می‌گریزی و به آن چه هشدار داده، ره می‌بری، ثابت بمان و گرنه چه چیزی تو را فریفته



است؟! این ترسیم چهره آقای عطاردی است، اگر شما یک سال درباره عظمت او سخن برانید احساس می‌کنید که حتی ذره‌ای به خودش مغرور نمی‌شود و اگر به او نیز بگویند که فلان کارش در فلان جا خراب بود اصلاً برایش مهم نیست، این یعنی کسی که دل در گرو خدا دارد، اندیشه را به خدا سپرده است چشم را برای فردا دارد و پایش را هم سفت کرده است و راه می‌رود.

عطاردی؛ شخصیتی قرآنی

قرآن و سنت اهل بیت، برای این است که ما انسان‌گونه زندگی کنیم. یکی از علمای بزرگ گفته است: «خداوند قرآن را کتاب سرگرمی نفرستاده بلکه قرآن برنامه سلوک فردی و اجتماعی انسان است.» یعنی قرآن برای این است که شما آن را خوانده و مانند یک دستورالعمل با آن زندگی کنید. در این صورت مؤمن واقعی کسی است که قرآنی زندگی کند و قرآن را برنامه زندگی خود قرار دهد. تصویر قرآن از مؤمن واقعی کسی است که دل را به خدا سپرده و چشم به آینده دوخته و با کار محکم حرکت می‌کند، این تصویر درست از چهره مؤمن است.

زمانی قرار بود جایی آثار ایشان را چاپ کند، یک بی‌مهری کوچکی به ایشان کرد، ایشان به خانه ما آمد و گفت: اگر همه این آثار بنا باشد که بماند و به رودخانه ریخته شود من حاضر نخواهم شد خودم را دلیل کنم «العزوة لله و لرسوله و للمؤمنین»، به این می‌گویند انسانی که روی پای خودش ایستاده است.

ایشان یک بار در خانه ما بودند، پرسیدم: استاد حالتان چطور است؟ گفتند: الحمد لله اما وقتی که نهار را آوردم، گفتند: «اگر فلان چیز را بخورم یک مشکل دارم اگر نخورم مشکل دیگری پیدا می‌کنم» این در حالی بوده که ایشان در آن روزها ساعات کارشان بین ۱۰ تا ۱۴ ساعت بود. فشار جسمی و گرفتاری کاری را ببیند باز هم می‌گویند: «الحمد لله» این یعنی شخصیت الهی، ایشان واقعا کم نظیر است.



عطاردی؛ مرد عبادت، تفکر، اندیشه و قلم

واقعا می‌توان ادعا کرد که آقای عطاردی شخصیتی قرآنی است. عبادت، تفکر، اندیشه، قلم همه را با هم دارد. در روایات وارد شده است که وقتی انسان را در قبر می‌گذارند می‌گویند که جوانی را در چه راهی گذراندی و عمرت را چگونه سپری کردی؟ یعنی از نگاه خدا عمر انسان، ارزش زیادی دارد و من با دقتی که در زندگی ایشان کرده‌ام می‌توانم به جرأت بگویم که آقای عطاردی حتی سه دقیقه از زندگی اش را رها نکرده است. به این شخصیت قرآنی می‌گویند.



عطاردی؛ عابدی وقف معبود خویش

ایشان همه دارایی، آثار، نوشته‌ها و کتاب‌هایش را در مرکز فرهنگی خراسان وقف کرده است. آقای عطاردی عمری را برای خدا تولید می‌کند، برای خدا نشر می‌دهد و فرایندش را هم برای خدا می‌گذارد و می‌رود، این معنی «انا لله و انا الیه راجعون» است. در حدیث آمده است «من كان لله، كان الله له» آقای عطاردی خودش را برای خدا وقف کرده است و خدا به او عنایت دارد و دیگران هم به او توجه می‌کنند، ایشان در باره آخرین مسند ائمه به من و دوستان در قم تأکید کردند که من از کسی پول مفت نمی‌خواهم و شما کسانی را پیدا کنید که این‌ها را پیش خرید کنند یعنی با پول‌هایی که پیش از چاپ کتاب گرفته‌ایم، آن را چاپ کنیم. این قضیه پرغصه در روزگاری اتفاق می‌افتد که الف و الو ف از بیت المال و غیر بیت المال مصرف می‌شود و آب هم از آب تکان نمی‌خورد، این هم از بازی‌های روزگار است. بگذاریم و بگذریم و برای طول عمر و توان بیشتر آن عزیز بزرگوار دعا کنیم و برای خود، توفیق راه‌روی چنان‌ها و همگان‌شان را از خداوند منان بخواهیم.

آیت‌الله دین‌پرور: سخت‌کوشی و جدیت در کار، ویژگی ممتاز استاد عطاردی است

گروه‌اندیشه: استاد عطاردی در تألیف و چاپ آثارشان به تنهایی اقدام می‌کنند. ایشان بسیار سخت‌کوش و مقاوم هستند و به تنهایی کاری‌های بزرگ را انجام می‌دهند.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، آیت‌الله «سیدجمال‌الدین دین‌پرور» رئیس بنیاد نهج‌البلاغه در نشستی که به مناسبت رونمایی از مسند امام علی (ع)، آخرین مسند از مسانید اهل بیت (ع)، اثر استاد «عزیزالله عطاردی»، چهارشنبه ۲۱ شهریورماه جاری در محل این خبرگزاری برگزار شد، در رابطه با شخصیت علمی استاد عطاردی، طی سخنانی

گفت: آشنایی و همکاری ما با استاد عطاردی به بیش از ۳۰ سال می‌رسد که همین بنیاد نهج‌البلاغه عامل اصلی آن بود.

وی افزود: استاد عطاردی در طول اقامت در هند و شرح از شروع نهج‌البلاغه را که در اختیار نبود، یافت و یکی را با نام «حداثق الحقایق» که دو جلدی است و دیگری را با نام «شارح محقق» که شناخته شده نیست، تصحیح و تحقیق کرد. اما این دو تحقیق در هند به صورت نامطلوبی چاپ شدند و پس از آن که آقای عطاردی به ایران آمد، این دو کتاب را در بنیاد نهج‌البلاغه با همکاری نشر ایشان چاپ کردیم.

رئیس بنیاد نهج‌البلاغه ادامه داد: یک کار هم که جزو اهداف اولیه بنیاد بوده است، تحقیق و تصحیح متن نهج‌البلاغه بود، زیرا متن نهج‌البلاغه از روی یک سری نسخه چاپ شده و کار تحقیقاتی روی آن انجام نشده و ما تلاش کردیم نسخه‌های خطی را در کشورهای مختلف شناسایی کنیم و براساس آن‌ها نهج‌البلاغه را چاپ کنیم که البته این کار را دو گروه انجام دادند: یک گروه در مشهد با مرحوم دکتر «سید جواد مصطفوی» این کار را انجام دادند و یکی



هم آقای عطاردی که البته کار ایشان را بنیاد نهج‌البلاغه و آیت‌الله «خزعلی» با همکاری گروهی این کار را رسیدگی و تکمیل کردند و خوشبختانه کار ایشان به ثمر رسید و حدود ۱۰ سال پیش در نسخه نفیسی چاپ شد.

آیت‌الله دین‌پرور با اشاره به سخت‌کوشی استاد عطاردی گفت: ایشان در کنگره‌های مختلف هم عضو هیئت علمی بودند و مقالات و جزوه‌هایی در رابطه با آن مسائل نگاشته‌اند که حاکی از سخت‌کوشی و مقاومت و جدیت ایشان در کار است. ایشان به تنهایی یک گروه هستند و همواره کار را به تنهایی انجام می‌دهند. وی در پاسخ به این پرسش که آیا بنیاد نهج‌البلاغه در چاپ و انتشار «مسند امام علی (ع)» با استاد عطاردی همکاری داشته است؟

گفت: استاد عطاردی هم در چاپ و هم در تألیف اثرشان به تنهایی اقدام کردند و بنیاد خودش در این زمینه ۲۵ سال است که در حال جمع‌آوری کل احادیث امیرالمؤمنین (ع) است که از ۸۰۰ منبع، حدود ۷۰۰۰۰ حدیث و خطبه و نامه را جمع‌آوری کرده و با حذف احادیث تکراری، ۱۰۰۰۰ حدیث در ۳۰ مجلد تایپ شده که مراحل

آماده‌سازی نهایی خود را برای چاپ طی می‌کنند.

آیت‌الله دین‌پرور در پاسخ به این سؤال که با توجه به این که بخشی از کار مسندنویسی به تفاسیر الاثمه (ع) برمی‌گردد، ویژگی ممتاز مسانید استاد عطاردی چیست؟ گفت: استاد عطاردی در این تفحص و تحقیق و همه‌جانگری در کشورهای مختلف، منابع بسیار خوبی را جمع‌آوری کرد و کار اخیر ایشان هم در ردیف کارهای دیگر ایشان است. البته یکی از ویژگی‌های این مسانید، همین گردآوری و جمع‌آوری روایات ذیل ابواب است که این امر برای محققان بسیار مفید است.

وی در پایان درباره تاریخچه مسندنگاری گفت: مسند در علم الحدیث یکی از اصطلاحاتی است که در مقابل مرسل به کار می‌رود و مسندنویسی از آغاز در کتب حدیثی شیعه معروف بوده و تنها منحصر به اهل سنت نیست. در هر صورت مسانید در گذشته هم بوده‌اند. مسندی هم در مکه با نام «مسند امام علی (ع)» در هشت تا ده جلد جمع‌آوری شده است که البته این گونه مسانید، بیشتر به دیدگاه‌های شخص نگارنده هم بستگی دارد. آن چه در عربستان جمع‌آوری کرده‌اند، با چاپ بسیار بدی همراه بوده است که اثر خاصی بر فرد می‌گذارد و این غیر از کارهایی است که آقای عطاردی انجام داده‌اند.

این نشست چهارشنبه ۲۱ شهریورماه ۸۶ با حضور آیت‌الله «سیدجمال‌الدین دین‌پرور» رئیس بنیاد نهج‌البلاغه، هیأت همراه، «مرتضی رضایی‌زاده» معاون خبرگزاری قرآنی ایران و خبرنگاران سرویس اندیشه و علم ایکنا در محل این خبرگزاری برگزار شد.



گروه اندیشه: مسندهای اهل بیت (ع) اثر استاد عطاردی، جامع ترین و آخرین مسانیدی است که برای اهل بیت (ع) تدوین شده است.

متن فوق بخشی از سخنان حجت الاسلام والمسلمین «محمد کاظم رحمان ستایش» در نشست است که به مناسبت رونمایی از مسند امام علی (ع)، آخرین مسانید از مجموعه مسانید اهل بیت (ع) اثر استاد عزیزالله عطاردی، روز چهارشنبه ۲۸ شهریورماه سال جاری با حضور اعضای سرویس اندیشه و علم ایکننا در محل این خبرگزاری برگزار شد. متن کامل این گفت و گو بدین شرح است:

مطالب بنده در خصوص بزرگداشت شخصیت ها در چند نکته است: نکته اول این که روحیه تقدیر و تجلیل از شخصیت های علمی که در جامعه ما بسیار خوب است و باید ادامه پیدا کند؛ چرا که بزرگداشت عالم، بزرگداشت علم و دانش است اما مطلب قابل توجه درباره ارزیابی شخصیت ها این است که نمراتی که به اشخاص و کارهای شان داده می شود، فقط نمره صفر یا بیست نیست بلکه نمرات دیگری هم هست. اگر بنای ما بر این باشد که هر شخصیتی صفر یا بیست باشد، قطعاً این رویکرد ظالمانه است. بسیاری از خوبی های افرادی که به آن ها صفر داده ایم نادیده گرفته شده و بسیاری از بدی های افرادی که به آن ها بیست داده ایم را نیز نادیده می گیریم و در هر دو صورت این بر خورد ظالمانه است.

هر کس بر اساس ظرفیت وجودی و علمی اش و نیز در حد خدماتش، فعالیت هایی را انجام داده و در حد خدماتش باید ارج گذاشته و تقدیر شود. این روایت شریف «ادامات العالم نلم فی الاسلام لثلمه ی لا یسدها شیء» معنایش همین است که هر کسی جایگاه وجودی خودش را دارد و هیچ کس دیگر جایگزین او نیست. هر عالم جدیدی، جای خودش است نه جای عالمان دیگر. این روایت هم معنایش این است که خللی در اسلام به وجود می آید که قابل پر شدن نیست؛ لذا در تکریم ها و تجلیل ها جهت دهی باید مورد بررسی قرار گیرد و در این برنامه ها آن چه باید به نسل جوان خودمان منتقل کنیم این است که این مطالب بتواند انگیزه ها و رهنمون هایی برای آن ها باشد. من در موارد و اقسام مختلف دیدم که اشخاصی از جوان ها وقتی که شرح حال زندگی یک انسان موفق را می خوانند به صورت جدی تحت تأثیر قرار می گیرند و نسبت به خودشان و اتلاف وقت و عمرشان نادم و پشیمان می شوند، که از این جهت بسیار مناسب است. نکته دیگر این است که علم، مرز و جنس و قومیت ندارد، هر گاه از بزرگی تکریم شود، تکریم معلمی برای بشریت است، نه صرفاً تکریم اسلام و مسلمین. کسانی که در تاریخ و جغرافیای کشورهای اسلامی کار کرده اند، اگرچه مسلمان نبوده اند اما خدماتشان از حیث معلم بودن باید مورد تکریم و تقدیر قرار گیرد. کلیه معلمان بشریت نیز همانند معلمان آموزش و پرورش باید مورد تقدیر قرار گیرد. امروزه بسیاری از نهادهای جهانی، بدون در نظر گرفتن این نکته که شخص دارای چه ملیت، قومیت مذهب و... است، نگاه انسانی به شخص و فعالیت هایش می کنند و او را تکریم می کنند. ما هم می توانیم چنین نگرشی را داشته باشیم.

مسند نویسی، در بین مسلمانان است. در نگارش حدیث، دوشیوه مورد استفاده قرار گرفت که از لحاظ زمانی به این ترتیب ظهور کرد؛ شیوه اول این بود که، احادیث بدون در نظر گرفتن موضوع و محتوا بررسی می شد یعنی با در کنار هم قرار دادن احادیثی که یک نفر نقل کرده است، آن را دسته بندی و نگارش کرد هاند، که به این شیوه مسند نویسی می گفته اند. در این شیوه ملاک قرار گرفتن روایات، راوی آن روایت است نه محتوای آن. بر اساس معنای اولیه، اصطلاح مسند این است که به مجموعه روایاتی که همراه با سند از پیامبر نقل می شود مسند گفته می شود.

کتاب های جامعی که در حوزه سند نوشته می شد روایات مختلف راویان متعدد را کنار هم قرار داد و کتاب های جامعی به عنوان مسند ارائه کرد. این شیوه، اولین شیوه تألیفی در تدوین حدیث در حوزه حدیثی است. به این ترتیب که بسیاری از نویسندگان کتب حدیث، روایات یک راوی را جمع کرده گاه این روایات به عنوان یک جزء حدیثی شناخته می شد. جزء حدیثی به مجموعه احادیثی که فقط در یک موضوع یا از یک راوی نقل می کنند گفته می شود.

در عصر اول تدوین حدیث در دوره عمر بن عبدالعزیز، با کنار هم قرار گرفتن این اجزاء، کتاب های مسند تشکیل شد. این مسندها با وجود پیشرفت در جهت تدوین حدیث، دارای مشکلاتی اساسی بود و آن این که کسانی که به دنبال یک حدیث، در موضوع خاص بودند، باید هر حدیثی را در جایی جست و جو می کردند. طریق یافتن حدیث در کتاب های مسند در مرحله اول شناخت راوی بود و در مرحله بعد جست و جو در مسند آن راوی بود که این شیوه نیز دارای مشکل بود؛ مثلاً اگر برای یک موضوع خاص ده روایت از ده راوی موجود بود باید برای هر روایت در یک کتاب جست و جو می کرد؛ لذا در عصر بعد

بررسی امتیازات مسانید استاد عطاردی

در گفت و گو با حجت الاسلام رحمان ستایش

از

مسندنگاری های جدی این تبویب و تنظیم موضوعی کتب حدیث هم متداول شد تا آنجا که منابع حدیثی مهم بین شیعه و اهل سنت، بر اساس تبویب موضوعی تدوین شده است.

برخی از مسانید بین مسند نویسی و موضوع نگاری جمع کرده اند که قدیمی ترین مسندی که به این سبک نوشته شده، مسند «بقی بن مخلد» است. این کتاب هم مسند است و هم تبویب موضوعی را حفظ کرده است. این کتاب بزرگترین کتاب مسند با ویژگی های خاص خودش بوده که از دست رفته، اما مطالب آن موجود است. نکته قابل توجه این است که هم در میان شیعه و هم اهل سنت، به لحاظ تاریخی اول مسندنگاری و بعد موضوع نویسی متداول شده است، اگر چه نام آن متفاوت است.

در شیعه به آن جزء ها اصل می گفتند و به مجموعه ای از این اصول، کتاب گفته می شد و کتاب به مطالبی که به صورت موضوعی و منظم و مبوب می شد می گفتند. در عصر پس از ائمه این کتاب ها کنار هم قرار گرفت و جوامع حدیثی نوشته شد؛ لذا وقتی به جوامع حدیثی مثل «کافی» مراجعه می کنید به ابواب آن ها را تحت عنوان «کتاب» می بینید مانند کتاب العقل و الجهل، کتاب العلم و کتاب التوحید. البته کتاب هم بین شیعه و هم اهل سنت متداول بوده است. ما در دوره ای، از مسند نویسی به موضوع نگاری روی آوردیم و سؤال این است که چرا بعد از چندین قرن دوباره به مسند نویسی بازگشته ایم و چه فایده ای دارد و آیا این کار عقب گرد نیست؟ در پاسخ باید این نکته را متذکر شوم که اگر چه مسندها به لحاظ کاربرد عمومی دارای مشکلاتی هستند ولی به لحاظ علمی، فوایدی نیز دارد. موارد متعددی از کاربردهای علمی مسند نویسی در عصر حاضر را در مقاله ای به نام «نیم نگاهی به مسانید اهل بیت» در یادنامه استاد عطاردی نوشته ام. اما در اینجا چند نکته و فایده مسند را عرض می کنم:

فایده اول این که ما در حوزه مطالعه اندیشه های مطرح در عصر هر یک از ائمه، نیازمند مطالعه هستیم یعنی باید توجه داشته باشیم که امام علی - علیه السلام - در چه شرایطی این مطالب را در باره توحید یا عجایب خلقت طاووس گفته است. بخش عمده این مطالب را با مطالعه زمان، شرایط اندیشه و فرهنگ آن زمان می تواند پاسخ دهد، شناخت این فرهنگ، در صورتی که ما به صورت جامع کلمات یک امام را در اختیار داشته باشیم، بسیار راحت تر و مناسب تر است؛ مثلاً وقتی می بینید اشخاص متعددی مسأله ای را درباره یک موضوع از امامی پرسیده اند ولی از امام قبلی و بعدی آن نپرسیده اند، مثلاً درباره جبر و تفویض در کلمات ائمه اول کسی را که در این زمینه به صراحت پرسیده و پاسخ گرفته باشد نداریم اما در دوره ای خاص در زمان امام هادی، خود حضرت رساله ای درباره جبر و تفویض می نویسد این مسأله وابسته به شناخت فرهنگی و اندیشه های مطرح در عصر هر یک از ائمه است.

شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شناخت مفهوم روایات موثر است؛ لذا مسندها می تواند یک ابزار جدی در مطالعه، اندیشه ها و دیدگاه های مطرح آن زمان ایجاد کند. به عنوان نمونه به مناسبت انتشار مسند امام علی - علیه السلام - مطلبی را که شاید تعجب آور هم باشد عرض کنم و آن هم سؤالی است که از امام علی - علیه السلام - کرده اند که، آیا کذب می شود



یا نه؟ این سؤال برای ما مضحک و خنده آور است، ولی وقتی مطالعه می کنید می بینید که عمر و عاص در یکی از اقداماتش به معاویه می گوید: این مردم شام بسیار جاهلند و همه چیز را باور می کنند و برای امتحان کردن آن ها به آن ها گفت «الکدو یدیح». بعد از این ماجرا مردی در کوفه خدمت امام علی - علیه السلام - آمد و پرسید: آیا کدو ذیح می شود و حضرت پاسخ دادند: خیر و در آنجا مطلب طولانی را در این زمینه فرمودند.

فایده دوم این است که در اسناد و روایات منقول از ائمه راویانی وجود

دارند که به عنوان اصحاب روایت امام شناخته می شود. امروز با توجه به مسندهای موجود می توانیم رجال جدیدی که دارای روایت و از اصحاب امام هستند را بنویسیم و نه یک سری از اسامی که معلوم نیست این ها کجا هستند، روایت دارند و یا نه و چه وضعیت رجالی دارند. مرحوم شیخ طوسی در کتاب رجالش اسامی راویان هر امام را آورده است اما امروز با جست و جو متوجه می شویم که برخی از این افراد روایتی در کتب روایی ما ندارند. از سوی دیگر نام همه راویانی که روایتی را نقل کرده اند در کتب رجال نیامده است به معنای دیگر آن چه ما به عنوان کتب رجالی داریم به صورت کامل منطبق با راویان موجود در روایات نیست. با تألیف مسندها کسانی که واقعا راوی هستند، مشخص می شوند پس فایده دوم این است که ما با این کار رجالی کارآمد داریم و فوایدی را که از آن نیاز داریم به ما می رساند و نه اسامی بی مناسبت.

فایده سوم مسندنگاری این است که ما وقتی زندگی ائمه و خصوصیات هر امام را مطالعه می کنیم، متوجه می شویم که بخشی اطلاعات تاریخی در کتب تاریخی آمده است. لکن نکته مورد توجه این است که زاویه ای دید امام را ببینیم. ما معتقدیم که «ائمه کلمه نور واحد» هستند و یک نورند اما این نور تجلیات متعدد دارد و این نور در امام علی - علیه السلام -، امام حسین - علیه السلام -، امام صادق - علیه السلام - و هر کدام از ائمه به نحوی تجلی کرده است. با شناخت این تجلیات، متوجه خصوصیات که در عملکرد هر امام وجود دارد می شویم که با یکدیگر متفاوت هستند و در واقع می توانیم امام شناسی کنیم و زاویه عملکرد هر امامی را به طور منسجم پیدا کنیم.

دلیل وجود شبهات درباره عملکرد هر یک از ائمه این است که تصور می کنیم روایاتی که از ائمه شنیده ایم مانند یکدیگرند و جزئیات و ویژگی های مطالب را در نظر نگرفته ایم اما اگر عملکرد هر امام را تشریح کنیم، بسیاری از شبهات قابل رفع و حل است؛ مثلاً در زمان امام صادق - علیه السلام - شخصی به امام اعتراض کرد که چرا بر علیه ظلم قیام نمی کنید؟ امام با توجه به گوسفندانی که در آن نزدیکی بودند پاسخ دادند که اگر من به تعداد این گوسفندان یاور داشتم، قیام می کردم. وقتی گوسفندها را شمارش کردند متوجه شدند که ۱۷ گوسفند است یعنی حضرت می خواستند بگویند که اگر ۱۷ تا یاور وفادار داشتم، قیام می کردم.

دلیل بسیاری از عملکردهای امام صادق - علیه السلام - را متوجه می شویم که به عنوان مثال چرا امام صادق - علیه السلام -، قیام نکرد و حتی با حکومت نیز ارتباط داشته است و منصور امام را فرامی خوانده و با ایشان صحبت می کرده است؟ و یا این نکته که چرا امام صادق - علیه السلام -، نام منصور دوانیقی را در لیست اوصیاءشان، به عنوان یک وصی می آورد؟ با مطالعه جامع روایات امام صادق - علیه السلام - متوجه می شویم که امام صادق خواستند با این روش تقیه کرده و وصی واقعی خودشان را مخفی کنند تا جان سالم به در ببرند.

ایشان به شکلی در حکومت جنبش می کردند که همه می دانستند منصور عباسی وصی واقعی حضرت نیست اما در لایه لایه این جمع اسم او را هم آوردند تا این چنین قلمداد نشود که

این لیست اوصیاء، لیست کسانی است که سرکردگان فکر تشیع در آن عصرند و در واقع این بود که حضرت اگر این تمهید را نمی کردند انگار لیست باران واقعی خود را در اختیار حکومت قرار داده اند و این کار خلاف احتیاط بود و این از فواید مسندنگاری است.

نکته دیگر در مسندنگاری این است که در زمان قدیم حدیث مسند، حدیثی را می گفتند که با سند از پیامبر (ص) نقل شود. اما بعدها در ایام نگاران اهل سنت و شیعه از حدیث مسند تعریف دیگری را ارائه کردند و مسندنگاران به حدیثی مسند می گفتند که سندش متصل بود حتی اگر این اتصال به صحابی می رسید و این مطلب در مسند احمد بن حنبل که از مسندهای مهم است وجود دارد و در واقع نوعی عدول از تعریف آن است. در واقع مسند را به حدیث متصل نازل داده اند و تفاوت این دو این است که مسند احادیثی است که با سند متصل از پیامبر (ص) نقل شود اما حدیث متصل آن است که در سند اتصال داشته باشد و فرقی نمی کند که از چه کسی نقل شده باشد. اما با وجود این توسعه در نگرش، ذکر احادیثی درباره آن فردی که مسند وی را می نویسیم، جزئی از مسند نیست.

در مسندهایی که آقای عطاردی تألیف کرده اند سه بخش وجود دارد: بخش اول آن چه که مربوط به تاریخ امام و ویژگی های آن امام است، بخش دوم روایاتی که آن امام فرموده اند، بخش سوم رجالی که به عنوان اصحاب ائمه آن روایات را نقل کرده اند.

بخش اول روایاتی درباره امامت، خصوصیات و ویژگی های آن امام است که به صورت مستقیم جزو مسند نیست لکن مطالبی است که از کتب تاریخ و حدیث درباره حضرت نقل شده است؛ به عنوان مثال در مسند امام رضا علیه السلام - شاید روایاتی را از پیامبر (ص) درباره امام رضا ببیند یا از سایر ائمه درباره امام بعدی آن جاکه می خواهند تصریح به امامت، امام بعدی کنند و آقای عطاردی این روایات را در مسندی آورده که درباره آن امام صحبت می کند و اگر امام صادق - علیه السلام - درباره امام کاظم - علیه السلام - مطلبی را گفته اند این باید در مسند امام صادق - علیه السلام - باشد اما ایشان به تناسب این که هم شخصیت و هم روایات و هم راویان هر امام را در هر یک از مسندها جمع کند، این کار را انجام داده است که این سه بخش را تنظیم کند.

امتیاز دیگر مسانید ایشان، توسعه ایشان در نقل از کتب تاریخ است، در حالی که کتاب های تاریخ به صورت رسمی، به عنوان منبع مسند شناخته نمی شود و نمی توانیم آن ها را در این مجموعه بگنجانیم اما به دلیل تناسب آورده شده است. مسند به اصطلاح رسمی فقط بخش دوم کتاب ایشان است که روایاتی است که از آن امام نقل شده است.

نکته دیگر در رابطه با اعتبار روایات مسندها این است که در مسندها، صحت روایات شرط نشده است یعنی؛ مسندنگار در هیچ جا جز در موارد خاص متعهد نیست که روایات را ارزیابی کرده و بعد آن روایات را نقل کند. در مسندهای آقای عطاردی این مطلب وجود دارد که ادعایی درباره صحت روایات نشده است و لکن نوعی گزینش در کار ایشان دیده می شود و مواردی را که به وضوح غیر واقعی بودن آن معلوم است نیاورده است و مطالبی را که احتمال صدق آن ها وجود دارد در کتاب هایش نقل می کند. در خصوص مسند امام علی - علیه السلام - نکته مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که ما نوعی از مسند را در اختیار داریم که وسیع تر از مسند است و تعریف مسند بر آن صادق نیست و بیشتر به نهج البلاغه شباهت دارد.

نهج البلاغه ای که امروزه در اختیار داریم، در واقع جمع آوری منتخبی از روایات امام علی - علیه السلام - است که از حیث بلاغت در درجه بالایی بوده و توسط سید رضی گردآوری شده است. همیشه این بحث مطرح بوده است که متن اصلی این خطبه ها، نامه ها و حکمت ها به صورت کامل در کجا قرار دارد. این بحث از سالیان دور مورد توجه قرار گرفته است. حتی یکی از محققان معاصر آقای سید «صادق موسوی» کتابی به نام «تمام نهج البلاغه» تألیف کرده است و متن هایی را که از داخل آن ها گزینش صورت گرفته، به صورت کامل آورده است. مرحوم «عبدالله الزهرا الحسینی الخطیب» نیز کتاب «مصادر نهج البلاغه» را نوشته است.

آقای عطاردی در مسند به صورت پراکنده این کار را انجام داده است یعنی تمامی کلماتی که به صورت خطبه، نامه یا کلمه قصار از حضرت نقل می شده جمع آوری کرده و در حین این جمع آوری متن کامل را آورده است؛ لذا در دل مسند امام علی - علیه السلام -، مستدرک نهج البلاغه وجود دارد که از جهت محتوا در اینجا نقل شده است. ناگفته نماند که شیخ «محمدباقر محمودی» با زحمت فراوان کتاب «مستدرک نهج البلاغه» را نوشته اند و آقای عطاردی در ضمن آوردن مطالب این کتاب، مطالب جدیدی را هم یافته و به این محتوا افزوده اند.



مسندنویسی شاید در ابتدا کاری ساده به نظر بیاید ولی از مشکلات زیادی برخوردار است؛ یکی از مشکلات برای مسندنویس این است که کتاب‌ها و منابع متعددی را باید تفحص کند برخی از مسندها کم حجم اند. آقای عطاردی تقریباً ۸۰ منبع دارد منظوم از ذکر عدد این است که برخی از عناوین دارای مجلدات زیاد است. این منابع درباره مسند امام علی - علیه السلام - بیشتر هم می‌شود. با وجود این که ایشان الان هنوز کتابنامه مسند امام علی - علیه السلام - را چاپ نکرده‌اند قطعاً پس از چاپ، چند برابر خواهد شد. به این دلیل که از حضرت علی - علیه السلام - روایات فراوانی از شیعه و اهل سنت نقل شده است و مقدار زیادی از این روایات در منابع اهل سنت پراکنده است اما از برخی ائمه در منابع اهل سنت روایتی نقل نشده است. علی القاعده تتبع موردی و صفحه به صفحه روایات یک امام و پس از آن استخراج موارد تکراری یعنی روایاتی که با سندهای مختلف از یک امام نقل شده است و ذکر مصدر اول و رهاکردن بقیه مصادر، از مشکلات است.

به بیان دیگر در تألیف هر یک از مسانید اگر ۸۰ مصدر را در هزار صفحه با توجه به تعداد صفحه ضرب کنیم باید ۸۰ هزار صفحه را مورد تفحص و جست و جو قرار دهیم تا احادیث استخراج شود پس از استخراج، مسأله بعدی، بحث فقه الحدیث و فهم حدیث مطرح می‌شود و بعد تبویب موضوعی به این معنا که هر موضوع در جای خودش قرار بگیرد و بعد در مجموعه مسند در باب مناسب با خودش ذکر شود. این مسیری است که باید در جهت تدوین یک مسند طی کرد لذا در مرحله تتبع نیازمند دقت فراوانی هستیم که ممکن است آسیب‌های زیادی هم داشته باشد، مثلاً در مسیر فقه الحدیث و فهم حدیث باید دقت‌های بسیاری صورت بگیرد در تبویب و چینش و همه مراحل امکان اشتباه وجود دارد.

نکته دیگری که از سخنی‌های این کار است در بخش سوم رجال است. آقای عطاردی فقط به اطلاعات شیعه اکتفا نکرده‌اند بلکه اطلاعات مختصر و مفیدی از هر راوی راه از شیعه و اهل سنت هر دو، نقل کرده‌اند، که این از نکات مهم است. در مواردی زیادی راویانی با اسامی متعدد از آن‌ها یاد شده است که ایشان در این موارد همه اسامی را به یک اسم برگردانده و شرح حال موجز و جامعی را از راوی ارائه کرده است. در این بخش کتاب رجال طوسی برای ایشان یک مصدر به کار برده می‌شده است اما تتبعات بیشتر ایشان در شناسایی راویان زیادی مفید است.

نکته آخر درباره مسانید این است که، خطای متعارفی در کتاب‌های مسند دیده می‌شود که آن خطا درباره کسانی از ائمه که دارای کتبه‌های مشترک هستند مثل امامانی که دارای کتبه ابوالحسن که مشترک بین سه نفر و ابوجعفر که مشترک بین دو نفر و... وجود دارد و مواردی که این کتبه‌ها اشتباهاتی

را ایجاد می‌کرد که کدام یک مورد نظر بوده است. مادر کتاب‌هایی که به صورت مسند در باره ائمه در این اواخر نوشته شده است به اشتباهات زیادی از این قبیل برمی‌خورد که روایات امامی را به جهت اشتراک کتبه، جابه‌جا کرده‌اند، آقای عطاردی انصافاً در این جهت کمترین اشتباه را انجام داده‌اند که این با استفاده از اطلاعات رجالی میسر است و این از زحمات ایشان است. نکته‌ای که خود ایشان متعدد تصریح کرده‌اند این است که ایشان حدیث نگار نبوده‌اند اساساً قصد حدیث‌نویسی از ابتدا نداشته‌اند و صرفاً برای خراسان پژوهشی خودشان به تعبیرشان از قبر امام رضا شروع کردند و تحقیقاتشان را تا تمامی خراسان توسعه دادند و در ابتدای امر به همین جهت روایات امام رضا - علیه السلام - را در حوزه فرهنگ خراسان جمع‌آوری کرده‌اند و اساساً قصد مسندنویسی به شکلی جامع‌راند داشته‌اند و بعد با تشویق‌های دیگران مسند اهل بیت را نوشتند.

با وجود این که نوشتن مسانید یک تقدیر الهی بوده است این مشکل ایجاد می‌شود که از ابتدا طرح جامع و کاملی مدنظر نبوده است که تتبع انجام شود شاید بسیاری از زحمات‌هایی که در این جهت کشیده‌اند ناشی از این امر بوده است و اگر دوره‌ای غیر از آن دوره ایشان کار کرده بودند می‌توانستند وسیع‌تر و دقیق‌تر از آنچه که موجود است را ارائه کنند. در هر صورت این ادعای ما می‌توانیم بکنیم که، امروزه به این شکل، بدیلی از کتب شیعه به صورت جامع نداریم و این کار فواید خودش را رسانده و خواهد رساند. در خصوص مسند امام علی - علیه السلام - تذکر این نکته لازم است که دو مسند امام علی - علیه السلام - دیگر نیز به غیر از کتاب‌هایی که داخل مسندهای اهل سنت وجود دارد، موجود است؛ یکی مسند امام علی - علیه السلام - تألیف سید حسن قیابنچی که توسط انتشارات اسوه منتشر شده است و یکی نیز مسند امام علی - علیه السلام - تألیف یوسف اوزبک است که از اهل سنت است. روایات امام علی - علیه السلام - را نیز از کتب اهل سنت جمع کرده است. با وجود این که تعداد و حجم روایات آن کتاب‌ها بالاست، تنها کاری که مؤلف کرده تهیه فیش‌هایی از خود کتاب‌ها بوده است به طوری که خطوط هم خاص همان کتاب است و متن همان کتاب را از یکس کرده است و در یک صفحه شش خطی متعددی را می‌بیند چرا که از اصل کتاب‌ها بریده است.

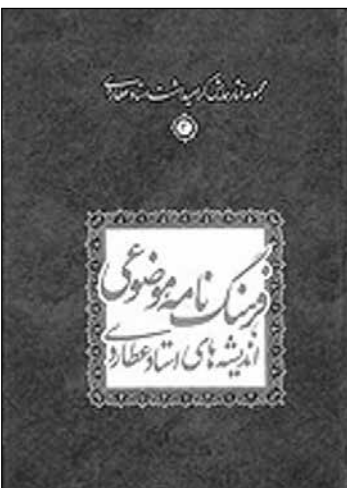
در هر صورت امروزه مسند جامعی نداریم و مسند آقای عطاردی به لحاظ جامعیت بر مسند آقای قیابنچی با وجود محاسنش (با توجه به نکته‌ای که خود مؤلف در ابتدای آن گفته و آن کنار گذاشتن برخی از مصادر است) افضلیت دارد. نکته آخر درباره آقای عطاردی این است که کارهای ایشان را باید با خراسان مرتبط کرد. اگر «الغارات» را ترجمه کرده و یا شرح نهج البلاغه‌ای را که توسط نویسنده ناشناخته‌ای نوشته شده، تصحیح کرده است، دلایل این است که با خراسان مرتبط بوده است.

فرهنگ‌نامه موضوعی اندیشه‌های استاد عطاردی به زودی منتشر می‌شود

نوآور حوزه و دانشگاه و قاموسی برای آثار استاد عطاردی است که هدف از تألیف آن عرضه دیدگاه‌های علمی، نگاه‌های ظریف، گزارش‌ها و نوشته‌های ایشان در یک جلد است تا نسل کنونی و نسل‌های آتی مسلمان و شیعه با ایشان بهتر و بیشتر آشنا شوند و پژوهشگران کنونی بتوانند به سهولت نیازهای خود را پاسخ بگیرند. وی درباره شیوه گردآوری مطالب این اثر گفت: ابتدا تمامی آثار، مصاحبه‌ها و حتی مقالات کوتاه ایشان مطالعه شده است سپس موضوعات مهم و کلیدی از لابه‌لای آثار ایشان استخراج شده و ذیل کلیدواژه‌هایی به روش مضبوط نظام‌مند شده است.

وی با اشاره به این که فرهنگ‌نامه نویسی موضوعی در کشور کاری نو، ابتکاری، آکادمیک و دانشگاهی است که در عرصه پژوهش‌های دینی راه یافته است، درباره محاسن این کتاب گفت:

این جلد با نگرش موضوعی و با دسته‌بندی دقیق علمی به صورت دایره‌المعارف تدوین شده است و می‌توان از طریق آن به راحتی به مطالب مورد نیاز دست یافت و نکته قابل توجه این است که در گذشته از این نوع کار در کشور تنها یکی دو بار انجام شده است.



گروه اندیشه: «فرهنگ‌نامه موضوعی اندیشه‌های استاد عطاردی» سومین جلد از مجموعه آثار همایش گرامیداشت استاد عزیرالله عطاردی به زودی چاپ و منتشر می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین «محمد رضا نوراللهیان» رئیس سازمان مدارس و حوزه‌های علمیه خارج از کشور در گفت‌وگو با خبرنگاری قرآنی ایران (ایکنا) ضمن بیان مطلب فوق گفت: در ماه ذی‌قعدة سال گذشته همایشی جهت تکریم از آثار و شخصیت استاد عطاردی در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) برگزار شد و در آن مراسم دو جلد کتاب، مشتمل بر خلاصه مقالات، مصاحبه‌ها و شرح حال استاد عطاردی به ایشان و شرکت‌کنندگان این همایش اهدا شد که کتاب مذکور جلد سوم این مجموعه به نام

«فرهنگ‌نامه موضوعی اندیشه‌های استاد عطاردی» و مشتمل بر تمام صحبت‌های ناگفته در آن همایش است و جهت ویراستاری در اختیار پژوهشگران حوزه قرار دارد و به زودی چاپ و منتشر خواهد شد.

نوراللهیان درباره این فرهنگ‌نامه گفت: این مجموعه کار جمعی از فضلای



همایش بزرگداشت استاد عطاردی نگاهی به

در سال ۸۵

- ◆ متن کامل پیام یونسکو به همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی»
- ◆ استاد عطاردی، الگوی علمی برای جوانان جامعه اسلامی است
- ◆ تألیف، تصحیح، ترجمه و فهرست نگاری؛ چارچوب آثار استاد عطاردی
- ◆ قرآن کریم، محور شکل‌گیری تمدن اسلامی است
- ◆ کوشش «عطاردی» درباره «تاج العروس»، فرایندی سودمند دارد
- ◆ تقریظ «شعرانی» بر آثار عطاردی، گویای ارزشمندی شخصیت علمی ایشان است
- ◆ «فرهنگ خراسان» استاد عطاردی، بی‌بدیل است
- ◆ «گرامی‌نامه استاد عطاردی» منتشر شد
- ◆ مسانید «عطاردی»؛ جامع‌ترین مسندهای تدوین‌شده در احادیث اهل بیت (ع)
- ◆ ۱۷ ویژگی برای شخصیت علمی استاد عطاردی مطرح است
- ◆ مراسم بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی در سرای اهل قلم

عالمی نجیب، پژوهشگری فداکار، روحانی ای فروتن و بی توقع،
با این همه دستاورد پر بها - در طول زمانی بیش از ۵۰ سال
- به ویژه مسندهای حدیثی (مسانید الاثمه (ع)) که از مفاخر
فرهنگ اسلام است به خصوص «فرهنگ شیعی» و «تاریخ خراسان»
و... و از سویی سابقه بیش از ۵۵ سال دوستی، هرگز مناسب نبود که
از این بنده ناقابل در این گرامی نامه سایه دستی نباشد.

محمد رضا حکیمی
در کتاب ۱۵۰ سال تلاش خونین



در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی» مطرح شد: استاد عطاردی، الگوی علمی برای جوانان جامعه اسلامی است

برای کشوری که می‌خواهد به شکوه تمدنی و دوران مجد علمی بازگردد سپاس و قدردانی از اندیشمندان و فرزندان ضروری است
وی با اشاره به عقب ماندگی علمی کشور در حال حاضر و دوران شکوفایی علمی در گذشته افزود: برای کشوری که می‌خواهد به شکوه تمدنی و دوران مجد علمی بازگردد سپاس و قدردانی از اندیشمندان و فرزندان ضروری است.
همایش «بزرگداشت حجت الاسلام والمسلمین استاد عزیزالله عطاردی»، امروز نهم آذرماه به همت موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه، کتابخانه‌های تخصصی وابسته به دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)، سازمان اوقاف اسلامی، موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مجمع جهانی اهل بیت، از ساعت ۳۰ تا ۸:۳۰ در تالار شیخ صدوق حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد.

گروه‌اندیشه: «استاد عطاردی» با آثار گران‌بهایی که در علوم اسلامی به یادگار گذاشته است، می‌تواند یکی از بهترین الگوهای علمی برای جوانان جامعه اسلامی باشد.
به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، «دکتر بهزادین نژاد»، رئیس موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی در سخنرانی خود در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی» که روز نهم آذرماه ۸۵ در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد، با بیان مطلب فوق گفت: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی هماهنگ‌کننده سازمان‌ها و نهادهای برگزارکننده این همایش بود که ویژگی‌های علمی و شخصیتی استاد عطاردی بویژه عشق ایشان به ائمه اطهار (علیهم السلام)، علاقه به گردآوری میراث شیعه و تاریخ و فرهنگ خراسان، این سازمان‌ها را به برگزاری این همایش سوق داد.
رئیس موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی در ادامه افزود: امروزه الگوپذیری جوانان از سنت پر بار گذشتگان به درستی صورت نمی‌گیرد؛ لذا معرفی و شناساندن اندیشمندان بزرگی که در این حوزه‌ها آثار گران‌بهایی به یادگار گذاشته‌اند جامعه را به روند طبیعی الگوپذیری باز می‌گرداند که این مهم هدف اصلی برگزاری این همایش است.

دبیر علمی همایش «بزرگداشت

استاد عزیزالله عطاردی»:

تألیف، تصحیح، ترجمه و فهرست‌نگاری؛ چارچوب آثار استاد عطاردی

گروه‌اندیشه: آثار چاپ‌شده استاد عطاردی از نظر موضوعی به سه حوزه حدیث، تاریخ و جغرافیا و ادبیات تعلق دارند و از نظر ساختار در چهار گروه تألیف، تصحیح، ترجمه و فهرست‌نگاری قرار می‌گیرند.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین «مهدی مهریزی»، دبیر علمی همایش در

سخنرانی خود در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی» که صبح نهم آذر ۸۵ در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد، با بیان مطلب فوق گفت: خوداتکایی، سخت‌کوشی، تواضع و فروتنی و مطالعات وسیع میدانی از خصلت‌های بارز علمی و شخصیتی استاد عطاردی است و ایشان در نیم قرن تلاش علمی، بیش از شصت عنوان کتاب در بیش از یک صد مجلد به جامعه علمی تقدیم کرده است و کارهای علمی چاپ‌شده استاد از نظر موضوعی به سه حوزه حدیث، تاریخ و جغرافیا و ادبیات تعلق دارند و از نظر شکل و ساختار در چهار گروه دسته‌بندی می‌شوند که عبارت‌اند از: ۱. تألیف و پژوهش (۲۸ عنوان)، ۲. تصحیح (۹ عنوان)، ۳. ترجمه (۹ عنوان)، ۴. فهرست‌نگاری (۳ عنوان) هم چنین ۱۵ عنوان از آثار ایشان تاکنون به چاپ نرسیده و یا در دست چاپ است.
استادیار دانشگاه تربیت مدرس افزود: پیشنهاد این همایش به صورت جدی در سال ۱۳۸۴ از سوی موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، مطرح شد و در نمایشگاه کتاب تهران طرح مقدماتی آن انجام شد و برای برگزاری این همایش ۱۲ سازمان و نهاد همکاری و مشارکت کردند که موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث محور فعالیت‌های علمی همایش را عهده‌دار بوده است.

فعالیت‌های جنبی دبیرخانه همایش

چاپ گرامی‌نامه استاد در دو جلد، چاپ فرهنگ‌نامه موضوعی استاد در یک جلد، چاپ مقالات اهدایی در ۴ جلد و هم چنین تشکیل نمایشگاهی از آثار استاد در محل همایش و در توضیح فعالیت‌های دبیرخانه این همایش در حاشیه برگزاری آن گفت: چاپ گرامی‌نامه استاد در دو جلد که در آن ۲۵ مقاله و ۲۱ گفت‌وگو از شخصیت‌های علمی در باب



شخصیت علمی و فرهنگی استاد درج شده است، چاپ فرهنگ‌نامه موضوعی استاد در یک جلد که به زندگی‌نامه علمی، کارهای حدیثی، تاریخ و جغرافیا، فهرست‌نگاری اختصاص دارد و چاپ مقالات اهدایی در ۴ جلد و هم چنین تشکیل نمایشگاهی از آثار استاد در محل همایش، از جمله کارهایی است که دبیرخانه این همایش در حاشیه برگزاری آن انجام داده است.

همایش «بزرگداشت حجت‌الاسلام والمسلمین استاد عزیزالله عطاردی»، نهم آذرماه ۸۵ به همت موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه، کتابخانه‌های تخصصی وابسته به دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)، سازمان اوقاف اسلامی، موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مجمع جهانی اهل بیت، از ساعت ۳۰ تا ۸:۳۰ در تالار شیخ صدوق حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد.

خاتمی در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی»: قرآن کریم، محور شکل‌گیری تمدن اسلامی است

وی در بخش دیگری از سخنان خود اظهار کرد: ملاک وحدت در تمدن اسلامی، نه نژاد، نه طایفه و نه خون است بلکه وحدت در تمدن اسلامی، وحدت فرهنگی است. خاتمی تصریح کرد: با وجود تمام ستیزهای دنیای سیاست، یک نوع وحدت فرهنگی در فرهنگ اسلامی می‌بینیم در عین حال که گفتمان‌های مختلف را درون خود دارد. رئیس موسسه گفت‌وگوی تمدن‌ها در ادامه با اشاره به برگزاری همایش «بزرگداشت استاد عطاردی»، بزرگداشت استاد را بزرگداشت فضیلت، آگاهی، تحقیق و پشتکار مثال‌زدنی این شخصیت علمی برشمرد و با یادآوری تنوع و کثرت آثار وی گفت: آثار استاد عطاردی در همه‌ی حوزه‌ها یکی از جنبه‌های مشترکی است که ما را به بستر فرهنگ گران سنگی که جان‌مایه‌ی ماست و باید باشد، آشنا می‌کند. خاتمی در پایان گفت: استاد در عین حال در خلق آثارش متعهد به معارف شیعی بوده و سعی کرده‌است تا در حوزه‌ای فعالیت کند که خاستگاه فرهنگی اسلامی در طول تاریخ بستر بسط آن بوده‌است.

همایش «بزرگداشت حجت الاسلام و المسلمین استاد عزیزالله عطاردی»، نهم آذرماه ۸۵ به همت موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه، کتابخانه‌های تخصصی وابسته به دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)، سازمان اوقاف اسلامی، موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مجمع جهانی اهل بیت، از ساعت ۳۰:۳۰ تا ۱۳:۳۰ در تالار شیخ صدوق حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد.



گروه‌اندیشه: تمدن اسلامی، یگانه تمدنی است که تنها حول یک متن شکل گرفته‌است و آن متن واحد همان قرآن کریم است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت الاسلام و المسلمین سیدمحمد خاتمی در سخنرانی خود در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی» که نهم آذرماه ۱۳۸۵ در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد، با بیان مطلب فوق افزود: در درون هر تمدنی می‌توان یک گفتمان اصلی و چندگفتمان فرعی گوناگون بسته به ظرفیت آن گفتمان‌ها و رویکردهای متفاوت را دید، چنانچه وجود تنوع گفتمان‌ها و حدیث‌ها در درون یک فرهنگ واحد از شگفتی‌های تمدن اسلامی است و همه این تمدن‌ها خود را به یک متن ارجاع می‌دهند و به آن متن متعهد هستند و آن متن واحد قرآن کریم است.

مهدوی‌راد در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی»:

کوشش «عطاردی» در باره «تاج العروس»، فرایندی سودمند دارد



استاد عطاردی را می‌ستاییم و برای آن بزرگوار طول عمر و توفیق از خداوند متعال آرزو مندیم. همایش «بزرگداشت حجت الاسلام و المسلمین استاد عزیزالله عطاردی»، نهم آذرماه ۸۵ به همت موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه، کتابخانه‌های تخصصی وابسته به دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)، سازمان اوقاف اسلامی، موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مجمع جهانی اهل بیت، از ساعت ۳۰:۳۰ تا ۱۳:۳۰ در تالار شیخ صدوق حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد.

گروه‌اندیشه: «تاج العروس» دانش‌نامه‌ای سترگ و آکنده از آگاهی‌های بسیار از موضوعات مختلف فرهنگ اسلامی است و تلاش استاد عطاردی در باره آن، فرایندی ارجمند و سودمند دارد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت الاسلام و المسلمین «محمدعلی مهدوی‌راد» در ارایه مقاله خود با عنوان «تاج العروس، فرهنگ‌نامه‌ای سترگ» در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی» که صبح نهم آذرماه ۱۳۸۵ در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد با بیان مطلب فوق گفت: «تاج العروس» دانش‌نامه‌ای سترگ و آکنده از آگاهی‌های بسیار از موضوعات مختلف فرهنگ اسلامی است و به واقع ابعاد گسترده و اعماق شگرف و محتوای آکنده از دانستنی‌های «تاج العروس» را جز با نگرینستن بسیار و تأمل‌های فراوان در آن نمی‌توان دریافت.

وی افزود: محقق عالی قدر بخش قابل توجهی از روزگاران فراگیری دانش و ساماندهی پژوهش‌های مختلف را در حوزه نجف اشرف به سر برده و از محضر عالمان بزرگی چون علامه آقا بزرگ تهرانی و علامه امینی بهره‌مند شده‌است. توجه به «تاج العروس» و ابعاد گسترده آن و نیز بهره‌وری از آگاهی‌های نهفته در آن، مرهون همراهی و بهره‌وری از محضر آیت بزرگ تحقیق و پژوهش، معمار بزرگ «الغدیر»، علامه امینی است.

استادیار دانشگاه تربیت مدرس افزود: استاد عطاردی، رجال، غریب‌الحدیث و معرب‌های «تاج العروس» را استخراج کرده و سامان داده‌اند که عبارت‌اند از: «غریب الحدیث فی تاج العروس»، «الرجال فی تاج العروس»، «اللغات الفارسیه المعربه فی تاج العروس» و «معجم البلاد و الامکنه المستخرجه من تاج العروس»

وی در پایان گفت: تلاش و کوشش حضرت استاد در باره «تاج العروس» زبیدی، فرایندی ارجمند و سودمند دارد و بی‌گمان محققان را مفید و کارآمد است، تلاش مخلصانه





آیت‌الله استادی در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی»: تقریظ «شعرانی» بر آثار عطاردی، گویای ارزشمندی شخصیت علمی ایشان است

همان دو اثر است اما کارهای جنبی و در عین حال سودمند استاد در باره نهج البلاغه و یا تلخیص و استخراج مطالب سودمند از کتاب‌های ویژه و هم چنین ترجمه‌ها و تصحیح و تحقیق‌ها و مقالات علمی و تتبعی هم، قابل ملاحظه و ارجح است همچنین ایشان با حدیث آشنایی کامل دارند و ۵۰ سال است که با حدیث مأیوس‌کننده در طی این مدت بالغ بر ۸۰ هزار حدیث را مورد مذاقه قرار داده‌اند.

وی با اشاره به کثرت تألیفات ایشان افزود: تحقیقات میدانی ایشان کار گسترده‌ای است و علاوه بر این استاد زحمت زیادی در انتشار تألیفات داشته‌اند و در احیای امر اهل بیت کوشیده و در رسیدن به این مرتبه علاوه بر جهد و تلاش فردی مورد دعای امام رضا (ع) قرار گرفته‌اند که فرمودند: «خدا رحمت کند آن کسی را که در احیای امر اهل بیت بکوشد».

همایش «بزرگداشت حجت الاسلام و المسلمین استاد عزیزالله عطاردی»، نهم آذرماه ۸۵ به همت موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه، کتابخانه‌های تخصصی وابسته به دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)، سازمان اوقاف اسلامی، موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مجمع جهانی اهل بیت، از ساعت ۳:۰۰ تا ۱۳:۳۰ در تالار «شیخ صدوق» حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد.

گروه‌اندیشه: «علامه شعرانی» در تقریظ خود بر یکی از آثار استاد عطاردی، ایشان را با عبارت «عالم فاضل متبحر محدث» معرفی کرده‌اند که گویای ارزشمندی شخصیت علمی ایشان است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، آیت‌الله «رضا استادی» در سخنرانی خود در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی» که نهم آذرماه ۱۳۸۵ در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد، با بیان مطلب فوق گفت: ظاهراً اولین اثری که از ایشان چاپ شده، کتاب ارزشمند «عبدالعظیم حسنی حیات و مسنده» است و تقریظ علامه شعرانی بر این اثر، علاوه بر این که ارزشمند بودن کتاب را بیان می‌کند، در معرفی استاد هم بسیار گویاست، در آن تاریخ، علامه شعرانی او را با عنوان «عالم فاضل متبحر محدث» معرفی کردند. ایشان هم چنین دو اثر جاودانه از خود به یادگار نهاده‌اند که عبارت است از: «مسند فاطمه زهرا (ع) و دوازده امام معصوم» که غیر از «مسند الامام علی (ع)» بقیه به چاپ رسیده است و «تاریخ و جغرافیای خراسان بزرگ» که البته فقط نمونه‌ای از این اثر بزرگ به چاپ رسیده است. وی افزود: لطف حق در فراگیری علم بسیار مهم است و جناب استاد مورد الطاف الهی بوده‌اند که توانستند در طول ۱۰ سال تحصیل مقدماتی در قوچان و مشهد با عزیمت به تهران و قم با بزرگانی چون علامه شعرانی، شهید مطهری، علامه امینی، علامه تهرانی و دیگر بزرگان هم‌نشین شوند و چنان بنیبه علمی خود را قوی ساختند که همان کارهای اولیه ایشان مورد قبول بزرگان قرار گرفت.

آیت‌الله استادی در باب ارزیابی آثار ایشان گفت: حقیقت این است که کار اصلی استاد

ایازی در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی»: «فرهنگ خراسان» استاد عطاردی، بی‌بدیل است



گروه‌اندیشه: کتاب «فرهنگ خراسان» استاد عطاردی، یک مرجع بزرگ برای خراسان کبیر و اثری بی‌بدیل است.

حجت الاسلام و المسلمین «سیدمحمدعلی ایازی»، پژوهشگر و محقق برتر علوم قرآنی در مصاحبه با خبرنگار ایکنا در حاشیه برگزاری همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی» با بیان مطلب فوق گفت: این کتاب یک مرجع بزرگ برای خراسان کبیر است، خراسانی

استاد عزیزالله عطاردی، پنج‌شنبه نهم آذرماه ۸۵ به همت موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه، کتابخانه‌های تخصصی وابسته به دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)، سازمان اوقاف اسلامی، موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مجمع جهانی اهل بیت، از ساعت ۳:۰۰ تا ۱۳:۳۰ با حضور اندیشمندان و پژوهشگران برتر عرصه علوم دینی در تالار «شیخ صدوق» حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد.

که در قدیم ۴ تا ۵ کشور را تحت پوشش قرار می‌داد. وی در تبیین امتیاز آثار استاد بر آثار دیگران گفت: استاد عطاردی دارای جامعیت علمی‌اند؛ یعنی مجموعه آثار ایشان تک بعدی نیست و دارای ابعاد تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، حدیثی و اعتقادی است. ایشان با بیان این که معمولاً محققان مادر یک رشته کار می‌کنند و کمتر دارای ابعاد گوناگون هستند، افزود: معمولاً عالمان متأخر ما در حوزه‌های علوم اسلامی به معنای خاص آن مثل «اصول» کار می‌کنند اما ایشان؛ مثلاً در تاریخ و جغرافیا با این گستردگی بحث کرده‌اند، تحقیقاتی که شاید از طریق همکاری گروهی بتواند انجام شود اما یک شخص بدون امکانات با این حجم فعالیت کمتر می‌تواند موفق شود. همایش «بزرگداشت حجت الاسلام و المسلمین

«گرامی نامه استاد عطاردی» منتشر شد

معینی، عنوان مقالات این بخش است.

«لغت‌شناسی» بخش دیگری از این اثر است که مشتمل بر مقالات «تاج العروس»، فرهنگ‌نامه‌های سترگ»، «عروس غریب»، «واژگان فارسی در زبان عربی» و «نگاهی به الرجال فی تاج العروس» نوشته مهدوی راد، مسعودی، موحدی و سلطانی است.

در بخش «فهرست‌نگاری» مقاله‌ای از علی صدراپی خوبی در باب فهرست‌نگاری با عنوان «استاد عطاردی و نیم قرن تلاش در عرصه نسخه‌های خطی» به چاپ رسیده است.

«مقالات دیگر» عنوان بخش دیگری از این اثر است که به

موضوعات عمومی اختصاص دارد و نویسندگان کوشیده‌اند تا پژوهش‌های استاد عطاردی در موضوعات عام را بازگو کنند. «۱۵۰ سال تلاش خونین» اثر استاد محمدرضا حکیمی، «برگی از تاریخ خراسان» گزینش و تصحیح از علی صدراپی خوبی، «فنجگردی نیشابوری و سلوه‌الشیعه‌اش» اثر جوایا جهان بخش و «صدرالدین علی بن ناصر حسینی و نکاتی تازه درباره او» تألیف محمدکاظم رحمتی، مقالات مطرح در این بخش است.

بخش دوم این کتاب که به مصاحبه‌ها اختصاص دارد گفت‌وگو با بزرگان و محققین درباره استاد عطاردی و پژوهش‌ها و آثار ایشان است. در این بخش گفت‌وگوهای از آیت‌الله جعفر سبحانی، آیت‌الله محمد یزدی، آیت‌الله رضا استادی، آیت‌الله سیدجعفر سیدان، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید محمود مرعشی، حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا عطایی، حجت‌الاسلام و المسلمین اسماعیل فردوسی‌پور و حجت‌الاسلام و المسلمین محمدعلی رحمانی آمده است.

بخش سوم این مجموعه به خاطره‌ها اختصاص دارد. در این

بخش خاطراتی از زبان مهدی خواجه پیری، محمدحسین رجایی، محسن شریعتمداری، علی اصغر شکوهی، حیدررضا ضابط، محمد ضرغامی، غلام‌علی غلام‌پور، شکرالله فهیمی، سید علی مقدم، حسین موذنی، محمد حسین یزدی نژاد و خانمها فاطمه رجایی و نفیسه عطاردی درباره استاد عطاردی مطرح شده است. کتاب «گرامی نامه استاد عطاردی» به مناسبت برگزاری همایش «بزرگداشت استاد عطاردی» در نهم آذرماه جاری و به همت موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی در دو جلد با شمارگان ۱۲۰۰ نسخه و در ۸۸۰ صفحه منتشر شده است و به بهای ۸۸۰۰۰ ریال در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

گروه‌اندیشه: «گرامی نامه استاد عطاردی» به مناسبت برگزاری همایش «بزرگداشت استاد عطاردی» و به همت موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی در دو جلد منتشر و همزمان با برگزاری این همایش در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) میان شرکت‌کنندگان توزیع شد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، این کتاب دارای سه بخش اصلی «مقالات»، «مصاحبه‌ها» و «خاطره‌ها» است. بخش مقالات مشتمل بر زندگی‌نامه علمی، آثار حدیثی، تاریخ و جغرافیا، لغت‌شناسی، فهرست‌نگاری و مقالات دیگر است.

«زندگی‌نامه خودنوشت» از زبان استاد عطاردی، «مرجع تحقیق» نوشته محمد اسفندیاری، «کتاب‌شناسی توصیفی آثار عطاردی» تألیف سلمان حبیبی و «موضوع و سبک‌شناسی آثار استاد عطاردی» نوشته محمدمرادی عنوان مقالات بخش «زندگی‌نامه علمی» است.

بخش «آثار حدیثی» مشتمل بر ۶ مقاله با عنوان‌های «معرفی کتاب امیرالمومنین (ع) و نهج‌البلاغه» به قلم محمدرضا عطاردی، «تلاش‌های استاد عطاردی در عرصه نهج‌البلاغه» نوشته علی صدراپی خوبی، «نیم نگاهی به مسانید اهل بیت (ع)» تألیف محمدکاظم رحمان‌ستایش، «کتاب‌شناسی سخنان امام حسین با مطالعه موردی درباره مسند الامام الشهدای ابی عبدالله الحسین بن علی (ع)» که توسط محمد صحتی سردرودی نگارش شده است. «روایات امام جعفر صادق در تفسیر قرآن» نوشته سیدمحمدعلی ایازی و «کلمات مکتونه و استاد عطاردی» تألیف ابراهیم احمدیان است.

در بخش «تاریخ و جغرافیا» به کتاب «فرهنگ خراسان» استاد پرداخته شده است، این کتاب در میان دیگر کتاب‌های استاد از ویژگی‌ها و امتیازات خاصی بهره‌مند است. «شیوه نگارش کتاب فرهنگ خراسان» اثر علی رفیعی علامرودشتی، «فرهنگ خراسان، مدخلی جهت تدوین تاریخ علم تاریخ ایران» نوشته نجم فلاحی، «طرق در فرهنگ خراسان» نوشته مهدی مهریزی، «آشنایی با ترجمه کتاب الغارات» تألیف نفیسه عطاردی، «جغرافیای سیستمات (نیمروز)» اثر علی ملکی میانجی و «نکاتی چند درباره رافعی و کتاب التدوین» اثر محسن



دلشاد در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی»: ۱۷ ویژگی برای شخصیت علمی استاد عطاردی مطرح است

گروه‌اندیشه: قدرشناسی، فروتنی، والا‌همتی، ادبیات انسانی، شیوایی زبان، سخت‌کوشی، روابط انسانی، فرصت‌طلبی، تمرکز در یک حوزه علمی، سادگی، جدیت در کار، استقلال، حساسیت‌های دینی، استقامت، شجاعت، زمانه‌شناسی و عزت‌مندی، ۱۷ ویژگی برتر استاد عطاردی است.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، مصطفی دلشاد تهرانی در سخنرانی خود در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی» که نهم آذرماه ۱۳۸۵ در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد، گفت: من براساس یافته‌ها و ایده‌های خودم ۱۷ ویژگی شخصیت علمی استاد را بیان می‌کنم. اعتقاد من بر این است که مجموعه عظیم آثار ایشان در بستر این ویژگی‌ها شکل گرفته است. اولین ویژگی قدرشناسی است؛ هم‌اکنون این جهت که استاد قدر خود را دانسته و هم‌اکنون این جهت که به قدر دیگران توجه کرده‌اند. وی دومین ویژگی را تواضع و فروتنی استاد ذکر کرد و در توضیح وی‌ژگی سوم؛ یعنی والا‌همتی گفت: حضرت علی (ع) بهترین همت‌ها را، والاترین آن‌ها می‌دانند و این والا‌همتی در استاد، وجود پرنرنگی دارد و باعث شده است که ایشان دوکار سترگ «فرهنگ خراسان» و «مسانید» را به انجام رسانند. چهارمین ویژگی، ادبیات انسانی استاد است؛ انسان در حوزه‌شناخت ایشان است، با توجه به ادبیات استاد می‌بینیم که ادبیات ایشان یک ادبیات کاملاً انسانی و به دور از رکاکت است ایشان حتی در نقد و مخالفت هم این ادبیات را رعایت کرده‌اند.

رحمان ستایش در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی»:

مسانید «عطاردی»: جامع‌ترین مسندهای تدوین شده در احادیث اهل بیت (ع)



گروه‌اندیشه: مسندهای اهل بیت (ع)، تألیف استاد عطاردی، جامع‌ترین و آخرین مسندی است که برای احادیث اهل بیت (ع) تدوین شده است. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت الاسلام و المسلمین «محمدکاظم رحمان ستایش» در ارایه مقاله خود با عنوان «نیم‌نگاهی به مسانید اهل بیت (ع)» در همایش «بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی» با بیان مطلب فوق گفت: یکی از وسیع‌ترین مسندهایی که تاکنون نگارش یافته است، مسند اهل بیت (ع) استاد عطاردی است. این مسندها، جامع‌ترین و آخرین مسندی است که برای احادیث اهل بیت (ع) تدوین شده است. وی با اشاره به دقت نظر و تیزبینی استاد عطاردی در تألیف مسندها گفت: استاد کوشیده است که در حد امکان از نقل منابع موهون و موضوع بپرهیزد؛ لذا از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) نقل نکرده‌اند همچنان که در معرفی اولاد امام حسین (ع)، نامی از دختری به نام رقیه بنت الحسین نبرده‌اند و روایات طلوع و غروب خورشید بین دو شاخ شیطان را نقل نکرده‌اند و نیز بسیاری از موارد دیگر که احادیث موضوع را با عدم ذکر و نقل از مجموعه روایی خود ویراسته‌اند.

آیت‌الله العظمی سیستانی، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)، سازمان اوقاف اسلامی، موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مجمع جهانی اهل بیت، از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۳:۳۰ در تالار شیخ صدوق حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد.

وی با اشاره به تاریخچه مسندنویسی، مسندنویسی را به عنوان اولین شیوه در تدوین و نگارش حدیث دانست و در توصیف اثر استاد عطاردی گفت: این اثر ستیغ با اهداف بلندی که پی می‌گیرد و نیز کاربردهای وسیعی که در مطالعات تاریخی، اندیشه‌ای و سیاسی عصر ائمه (ع) دارد نیاز به بررسی و نگاه‌های نفاذانه نیز دارد که در این مختصر نمی‌گنجد.



بی‌تکلفی، جدیت در کار و پی‌گیری امور، استقلال شخصیتی و آزادی، حساسیت‌ها و دغدغه‌های دینی، استقامت، شجاعت و دلیری، زمانه‌شناسی و عزت‌مندی را از دیگر صفات علمی و شخصیتی استاد شمرده و ضمن آرزوی سلامتی برای ایشان صحبت‌هایش را با این جمله که «چه نیکو نامی برایشان نهاده شده است: عزیزالله» به پایان رسانید.

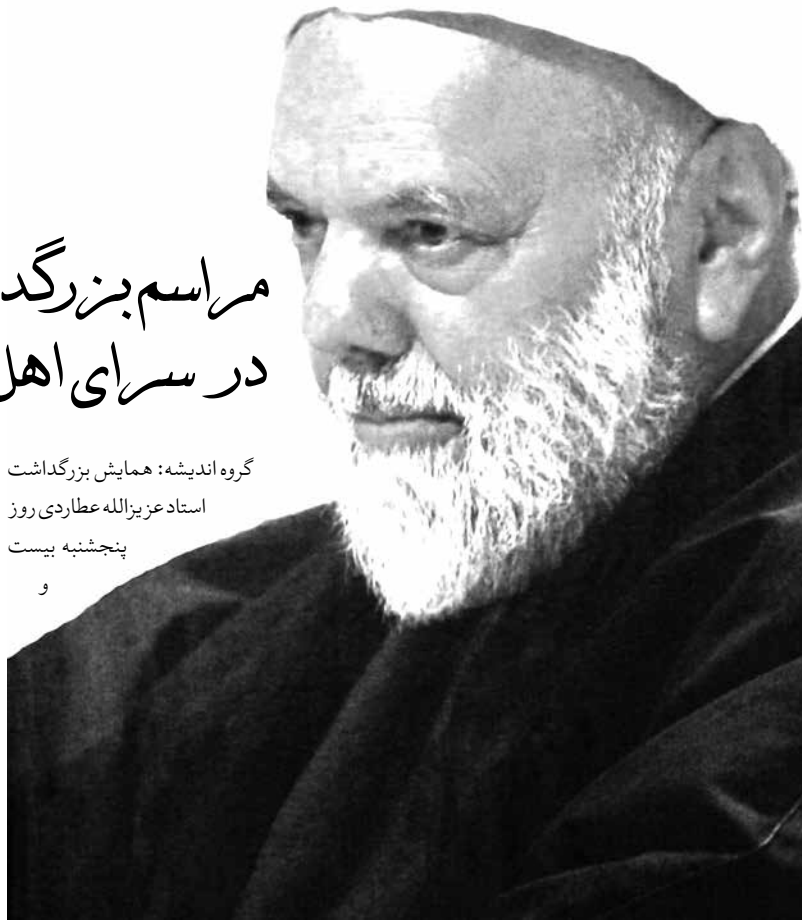
همایش «بزرگداشت حجت الاسلام و المسلمین استاد عزیزالله عطاردی»، نهم آذرماه ۸۵ به همت موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، مجمع التقرب بین المذاهب الاسلامیه، کتابخانه‌های تخصصی وابسته به دفتر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی، آستان مقدس حضرت عبدالعظیم (ع)، سازمان اوقاف اسلامی، موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، موسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مجمع جهانی اهل بیت، از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۳:۳۰ در تالار شیخ صدوق حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی برگزار شد.

وی ادامه داد: هم چنین شیرینی و شیوایی زبان و تاکید بر فارسی بودن آن، جست‌وجو در صدها کتابخانه و مرور صدها نسخه خطی، استخراج حدود ۵۰۰ لغت عربی و ۴۵۰ لغت اعلام در شاهنامه، و جب کردن خراسان بزرگ، از ویژگی‌های بارز ایشان است که باید الگوی پژوهشگران برای زندگی علمی قرار گیرد. ششمین ویژگی استاد سخت‌کوشی ایشان است، سال‌ها تحقیق و جست‌وجو و چگونگی دست‌یابی به نسخ خطی و منابع اولیه، حاکی از تلاش وافر ایشان در راه علم است.

جست‌وجو در صدها کتابخانه و مرور صدها نسخه خطی، استخراج حدود ۵۰۰ لغت عربی و ۴۵۰ لغت و جب کردن خراسان بزرگ، از ویژگی‌های بارز ایشان است که باید الگوی پژوهشگران برای زندگی علمی قرار گیرد. دلشاد روابط انسانی را وی ژگی هفتم استاد عطاردی بیان کرد و افزود: معمولاً غرق شدن در کارها باعث کاهش روابط انسانی می‌شود که استاد با وجود همه فشارهای کاری روابط انسانی خود را حفظ کرده‌اند. هشتم استفاده از وقت در زندگی است که ایشان به خوبی از زمان استفاده کرده‌اند و ترجمه‌ها ایشان، حاصل کار ایشان در سفر است.

وی تمرکز در یک حوزه علمی، سادگی و

مراسم بزرگداشت استاد عزیز الله عطاردی در سرای اهل قلم



گروه اندیشه: همایش بزرگداشت
استاد عزیزالله عطاردی روز
پنجشنبه بیست
و

ارزشمند «تاریخ خراسان» اظهار کرد: درباره کتاب بزرگ «تاریخ خراسان» باید بگوییم این اثر از نگاه امنیت ملی و حفظ استراتژیک تمدن ایران و اسلام بسیار کارساز است. وی با بیان این که خراسان همواره عامل اصلی حفظ امنیت شرق ایران بوده است افزود: من به مناسبت تقسیم خراسان به سه استان، مقاله ای نوشتم و در آن با تکیه بر اثر بزرگ «تاریخ خراسان»، گفتم که «وزنه تاریخ بزرگ ایران اسلامی را قطعه قطعه نکنیم. وزنه بزرگ خراسان در تاریخ ایران حیث بود که به خاطر مشکلات اداری و نرم افزاری تقسیم بندی شود. وی اضافه کرد: این اثر استاد عطاردی چارچوب محکمی برای تحقیق و پژوهش در حوزه خراسان به وجود آورده است. وی همچنین گفت: «تاریخ خراسان» خدمتی است به امنیت استراتژیک و فرهنگ ایران.

دکتر بهزادیان نیز تعدد آثار این استاد را دلیلی بر پژوهشی بودن زندگی وی عنوان کرد و گفت: امروز که ما همه رسایل فرهنگی را از دریچه دولت می بینیم، خودانگیزگی استاد برای خدمت می تواند الگویی برای نسل جوان ما باشد.

وی به شیفتگی و خدمت استاد به ائمه اشاره و اظهار کرد: این شیفتگی استاد باعث شده است تا محققان بتوانند به مراجعه به آثار این بزرگ، تألیفات ارزشمندی ارائه دهند.

بهزادیان با اشاره به ایران دوستی استاد یاد آور شد: استاد عطاردی تلفیق زیبایی بین فعالیت های دینی و فعالیت های ایران گرایی و ایران دوستی فراهم کرده است و در این زمینه ماکتور چهره ای را می بینیم.

این استاد دانشگاه در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: ما همیشه این گله را می کنیم که دارای فرهنگ شفاهی هستیم و این فرهنگ مکتوب نمی شود، اما می بینیم که استاد در سفرهای خود مستندسازی و فرهنگ مکتوب را رواج دادند.

وی با اشاره به نوع جهان بینی استاد عزیزالله عطاردی گفت: نگاه این استاد به دنیا از منظر فرهنگ دینی و ایرانی نکته ای است که نشان از تیزهوشی یک روحانی دارد.

وی در پایان تصریح کرد: آثار استاد اگرچه زیاد است و جهات ارزشمندی دارد که می تواند برای نسل جوان الگو باشد، اما همه این آثار به دلیل ساده زیستی استاد و این که تابع تجمل و تشریفات نبودند، مهم و والاست.

حجت الاسلام نورالهیان نیز به عنوان آخرین سخنران به ایراد سخنانی درباره مقام علمی استاد عزیزالله عطاردی پرداخت و گفت: من به جای سخن گفتن از استاد عطاردی می خواهم از فداکاری های همسر ایشان سخن بگویم.

وی ادامه داد: یکبار از زبان خود استاد شنیدم که گفتند همسر ایشان بیش از ۶ هزار صفحه از کتاب تاریخ خراسان را در هند تایپ کرده اند و این نشان از همراهی همسر ایشان با وی دارد. وی همچنین اظهار کرد: سندنویسی استاد عطاردی، هنر تحقیق و تدبر را برای اهل نظر به ارمغان آورده است.

وی در پایان گفت: این مردان بزرگ به مثابه قله های بلندی هستند که باید از طریق جوانان ما شناخته شوند و این قدرناشناس بودن منصفانه نیست.

یکم اردیبهشت ۸۵ در سرای اهل قلم نوزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران با حضور این شخصیت بزرگ دینی و فرهنگی برگزار شد. به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت الاسلام والمسلمین «مهدوی راد»، در مراسم گرامیداشت استاد عزیزالله عطاردی اولین فردی بود که به ایراد سخنان خود پرداخت.

وی گفت: تجلیل از اندیشمندان، نوعی تکریم از دانش، علم و پژوهش است به خصوص که ما در این کشور کسانی را که از کتاب برخوردارند و بر کتاب خفتند و آثاری در راه گسترش حقیقت و ارج نهادن بر دانش آفرینند، کم نداریم.

وی در ادامه افزود: استاد عطاردی در سه حوزه ترجمه، تحقیق و تألیف گام برداشته اند که به عقیده من گل کارهای تحقیقی وی، تحقیق در متن نهج البلاغه است.

این پژوهشگر دینی در بخش دیگری از سخنانش تصریح کرد: کاری که استاد عطاردی انجام داده اند از عهده یک مؤسسه و تشکیلات برمی آید، به عنوان مثال این استاد «تاریخ خراسان» را به تنهایی تألیف کرده اند در حالی که انسان با مطالعه این اثر نفیس فکر می کند که یک تشکیلات عظیم پشت این اثر نهفته است.

وی عینی بودن «تاریخ خراسان» را از ویژگی های مهم این اثر عنوان کرد و افزود: تاریخ خراسان را استاد عطاردی با چشم های خود دیدند و سپس نوشتند و به مکتوبات پیشینیان بسنده نکردند، این نوع تاریخ نگاری در کشور ما بسیار نادر است.

وی سخنان خود را با گفته ای از یک نویسنده فرانسوی به پایان برد که می گوید: «نسل نوحاسته را متوجه قله ها کنید که دست کم روح های بزرگ پیدا خواهند کرد.»

دکتر «احمد جلالی» سفیر ایران در یونسکو سخنران دیگری بود که درباره اثر



راه ستم را از جهان، انسان که می دانی بزن!
منشور داوودی بخوان، تخت سلیمانی بزن!
کوسر علوم احمدی، بر بام «فازانی» بزن!
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!
افکار «باطل باوران»، در تاب و جولان تا به کی!؟

یکدم چنان سوز سحر، بفروز در سر نظر!
وین جان خاکی را رسان، تا حضرت فیض قدر!
شاید که باید سر سر، تا عرض رحمانی گذر!
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی!؟

«الله اکبر» را، ز تو، باید که عالم بشنود!
این بانگ «انسان ساز» را، فرزندم آدم بشنود!
با صدق صدیقان حق، گیتی، به یکدم، بشنود!
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی؟!
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی!؟

از خطبه های فاطمی، باید که خود تو دم زنی!
از شور عاشورا همی، ظلم جهان بر هم زنی!
بر بام بیت الله شوی، با دست خود پرچم زنی!
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی!؟
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی!؟

ای نوح باکشتی بیا، بنگر که طغیان تا کجا؟
عالم سراسر غرقه در، امواج طوفان تا کجا؟
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی!؟
نسل جوان سرخورده زین، وضع پریشان تا به کی!؟

از سر اسماء مبین، یاری رسان بر اهل دین!
با قهر قهار متین، نابود کن مستکبرین!
ای در همه روی زمین، یاریگر مستضعفین!
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی!؟
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی!؟

ای روح سبز آب ها، ای رونق مهتاب ها!
ای گیتی از سر سبزیت، سرسبز چون فاراب ها!
ای خرمی افزای دل، در گلشن محراب ها!
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی!؟
ای شادی جان بشر، دور از محبان تا به کی!؟

ای سینه، آتش سوز شو! ای دل! جهان افروز شو!
هر دم ظهورش را طلب، هر جا طلب آموز شو!
فریاد زن، هر روز و شب، کای شام هجران، روز شو!
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی!؟
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی!؟

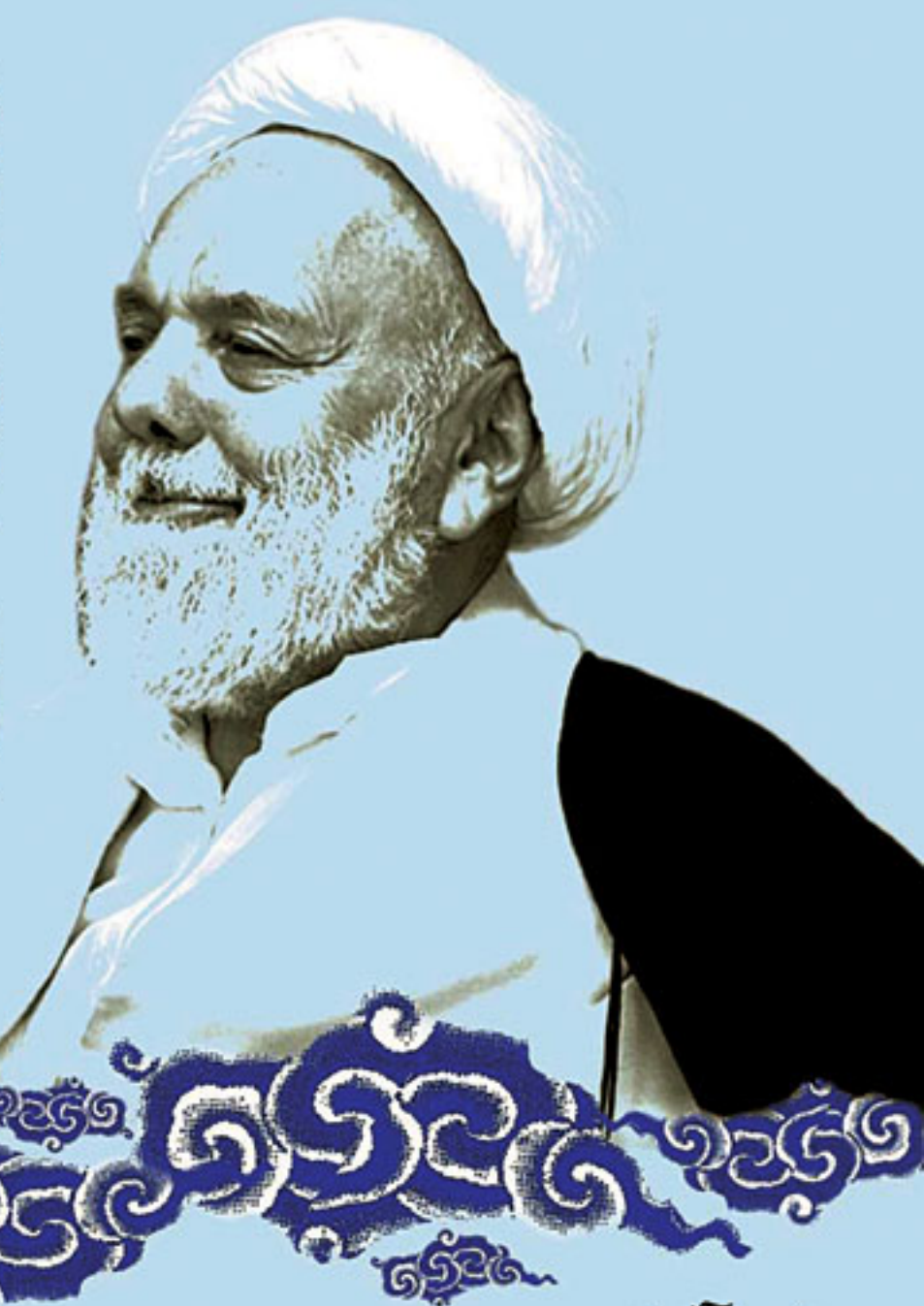
محمد رضا حکیمی / با تلخیص

ای آفتاب

ای سر توحید ازل، در طالع تقدیرها!
ای نور ذات جلوه گر، در جلوه ها، تصویرها!
در ذات ذرات جهان، هر دوز تو تأثیرها!
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی!؟
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی!؟

ای از افقهای قدم، تابیده ای بر کائنات!
اندر بیان تو بود، آیات حق را بینات!
ای بینات حق و عدل، ای رایت راه نجات!
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی!؟
عالم سیه، از بس ستم، این خلق، حیران تا به کی!؟

یک شب، در این آفاق شب، بشکف چنان روح فلق!
افروز گیتی را بجان، با خون خونبار شفق!
تا روح بیداد و ستم، گردد اسیر عدل و حق!
ای آفتاب، ای آفتاب، از خلق پنهان تا به کی!؟
در دست دیوان و ددان، ملک سلیمان تا به کی!؟





حاج شیخ غفر بن عبد
عطار